

نامه‌های دکتر مصدق

گردآورنده: محمد ترکمان

www.iran-archive.com

نشر

www.iran-archive.com

نشر هزاران

تهران - صندوق پستی ۱۵۸۷۵۳۱۵۶

نامه‌های دکتر مصدق

محمد ترکمان

حروفچینی: آزمون؛ لیتوگرافی: تقویم؛ چاپ: آرمان؛ صحافی: هنر

چاپ اول: ۱۳۷۴؛ تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

کلیه حقوق این اثر محفوظ و مخصوص ناشر است.

شابک: ۸-۲-۹۰۰۳۷-۹۶۴-۹۶۴-۹۰۰۳۷-۳-۸ ISBN: 964-90037-3-8

تقدیم به:

مبلغان و شهیدان خط استقلال، آزادی، فرهنگ، تعادل، تساهل، انصاف و مدنیت

www.iran-archive.com



۱۳۳۰/۵/۹

شماره ۱۲۱۱۶

اداره کل باستان شناسی

یک جلد قرآن نفیس در زمان حیوة اعلیٰ حضرت فقید شهید ملک عبداله یاد شاه
 رضوان جایگاه کشورها سی اردن باینجانب هدیه شده است - اینجانب هم
 برای بقای نام آن مغفور میروم یاد و پودی از خود منسب دیدم که این یاد را
 پایدار رکبینه مخصوص قرآن جایگزین شده در منظر عمیق قرار گیرد - دستور
 فرمائید ان کلام اله را در مدنی مناسب با تمیین مشخصات جای دهند که کابلا
 هویت نام معلوم است تا بیلق شود - علی بن نامیزه به پوست است -

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

[Handwritten signature]

۱۳۳۰/۵/۹

آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر محترم ایران

۱۳۳۰
 ۱۴۷۰
 ۵-۱۵۶

نامہ رھبر نہضت ملی ایران بہ ادارہ کل باستان شناسی راجع بہ اهداء یک جلد قرآن نفیس ہدیہ ملک
 عبداللہ پادشاہ اردن بہ مشارالہ، جہت حفظ در «گنجینہ مخصوص قرآن» ادارہ مذکور ہمراہ با جواب وزیر
 فرھنگ در ذیل نامہ دکتر مصدق

[Handwritten signature]

[Handwritten signature]

نامہ رھبر نہضت ملی ایران بہ ادارہ کل باستان شناسی راجع بہ اهداء یک جلد قرآن نفیس ہدیہ ملک
 عبداللہ پادشاہ اردن بہ مشارالہ، جہت حفظ در «گنجینہ مخصوص قرآن» ادارہ مذکور ہمراہ با جواب وزیر
 فرھنگ در ذیل نامہ دکتر مصدق

فهرست مطالب

۲۵	مقدمه
۳۳	نامه دکتر مصدق به سالارالسلطان
۳۴	ترجمه نامه دکتر مصدق به وثوق الدوله
۳۴	نامه دکتر مصدق به روزنامه ایران
۳۵	نامه دکتر مصدق به وزارت داخله
۳۶	نامه دکتر مصدق به دکتر محمود افشار
۳۷	ترجمه تلگراف دکتر مصدق از نوشتاتل در جواب تلگراف مشیرالدوله
۳۷	نامه دکتر مصدق به برادرش
۳۹	تلگراف دکتر مصدق به مشیرالدوله
۳۹	تلگراف دکتر مصدق به سردار منصور سپهدار اعظم
۴۰	تلگراف دکتر مصدق به رئیس الوزراء توسط متین الدوله
۴۱	تلگراف دکتر مصدق به رئیس الوزراء
۴۲	تلگراف دکتر مصدق در جواب دستخط تلگرافی احمدشاه
۴۲	تلگراف دکتر مصدق به احمدشاه
۴۳	نامه دکتر مصدق به صولةالدوله قشقائی
۴۴	تلگراف دکتر مصدق به احمدشاه پس از مخالفت با دولت کودتا
۴۴	نامه دکتر مصدق به صولةالدوله قشقائی
۴۵	نامه دکتر مصدق به صولةالدوله قشقائی
۴۵	جواب دکتر مصدق به نامه رئیس مجلس شورای ملی

- ۴۶ نامه دکتر مصدق به قوام‌السلطنه [رئیس‌الوزراء]
- ۴۶ کشف تلگراف رمز دکتر مصدق به وزارت داخله
- ۴۷ سواد تلگراف دکتر مصدق به رئیس‌الوزراء
- ۴۷ نامه دکتر مصدق به ریاست وزراء
- ۴۸ تلگراف دکتر مصدق به مشیرالدوله
- ۴۹ تلگراف دکتر مصدق به قوام‌السلطنه
- ۵۰ تلگراف دکتر مصدق به قوام‌السلطنه
- ۵۱ نامه دکتر مصدق به سپهبد امان‌الله جهانبانی
- ۵۱ تلگراف دکتر مصدق به قوام‌السلطنه
- ۵۲ نامه دکتر مصدق به یکی از وزراء
- ۵۲ تکذیب‌نامه دکتر مصدق و استفتاء از حجة‌الاسلام سیداسدالله خارقانی
- ۵۴ نامه دکتر مصدق به رئیس‌الوزراء
- ۵۴ نامه دکتر مصدق به وزیر داخله
- ۵۴ یادداشت دکتر مصدق به ریاست اداره اول وزارت امور خارجه
- ۵۵ نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی
- ۵۵ نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی
- ۵۵ نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی
- ۵۶ نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی
- ۵۶ نامه دکتر مصدق به کمیسیون عدلیه
- ۵۶ نامه دکتر مصدق به کمیسیون عدلیه
- ۵۷ نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی
- ۵۷ نامه دکتر مصدق به ریاست موقتی مجلس شورای ملی
- ۵۸ نامه دکتر مصدق و جمعی از نمایندگان (منفردین) به رئیس مجلس
- ۵۸ نوشته دکتر مصدق خطاب به رئیس مجلس شورای ملی
- ۵۸ گزارش انتخاب هیئت رئیسه کمیسیون امور خارجه
- ۵۹ نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی
- ۵۹ پاسخ دکتر مصدق به حاج آقا نورالله اصفهانی
- ۶۰ تلگراف دکتر مصدق به حاج آقا نورالله اصفهانی
- ۶۰ نامه دکتر مصدق به دبیرالممالک طوسی
- ۶۰ نامه دکتر مصدق در جواب به نامه تیمورتاش وزیر دربار
- ۶۱ جواب دکتر مصدق به تیمورتاش به وزیر دربار

- ۶۱ نامه دکتر مصدق به وزارت معارف
- ۶۲ نامه دکتر مصدق به دکتر میلیسپو رئیس کل دارائی
- ۶۴ نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی
- ۶۵ نامه آقای دکتر مصدق به شاه
- ۶۶ نامه دکتر مصدق به روزنامه اقدام
- ۶۸ جواب دکتر مصدق به دومین نامه دکتر میلیسپو
- ۷۱ نامه دکتر مصدق به روزنامه اطلاعات
- ۷۲ نامه دکتر مصدق به سفیر اتحاد جماهیر شوروی در تهران
- ۷۵ نامه دکتر مصدق به نخست وزیر
- ۷۵ نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۷۵ نامه دکتر مصدق و چند تن از نمایندگان اقلیت (دوره چهاردهم)
- ۷۶ نامه دکتر مصدق و رضا حکمت از سوی نمایندگان
- ۷۶ نامه دکتر مصدق و چند تن از نمایندگان اقلیت به ریاست مجلس شورای ملی
- ۷۷ نامه دکتر مصدق به حکیمی نخست وزیر
- ۷۸ نامه دکتر مصدق به نخست وزیر
- ۷۸ مراسله دکتر مصدق و جمعی از نمایندگان مجلس به حکیمی نخست وزیر
- ۷۹ نامه دکتر مصدق به حکیمی
- ۷۹ نامه دکتر مصدق به روزنامه اطلاعات
- ۸۰ نامه دکتر مصدق در پاسخ ایراد روزنامه اطلاعات
- ۸۲ نامه دکتر مصدق به اتاق بازرگانی تهران
- ۸۵ نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی
- ۸۵ نامه دکتر مصدق در جواب نامه اتاق بازرگانی تهران
- ۹۰ نامه دکتر مصدق به قوام السلطنه
- ۹۳ نامه سرگشاده دکتر مصدق به قوام السلطنه
- ۹۴ پاسخ دکتر مصدق به اظهارات تدین در روزنامه اطلاعات
- ۱۰۰ نامه دکتر مصدق به روزنامه مظفر
- ۱۰۰ نامه دکتر مصدق به دادسرای تهران
- ۱۰۱ نامه دکتر مصدق به ناصر نجمی
- ۱۰۲ نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۰۳ نامه دکتر مصدق در جواب به نامه سلطان‌العلمای زنجانی
- ۱۰۳ نامه دکتر مصدق به نمایندگان دوره پانزدهم توسط حسین مکی

- ۱۰۴..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۰۴..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۰۵..... یادداشت دکتر مصدق به اداره روزنامه شاهد
- ۱۰۵..... نامه دکتر مصدق به انجمن مرکزی
- ۱۰۶..... نامه دکتر مصدق درباره انتخابات مجلس سنا
- ۱۰۸..... یادداشت ارسالی دکتر مصدق به روزنامه اطلاعات
- ۱۰۹..... نامه دکتر مصدق به انجمن نظارت انتخابات تهران
- ۱۱۲..... نامه دکتر مصدق به هژیر
- ۱۱۲..... تکذیب دکتر مصدق در خصوص داوطلبی آیت‌الله غروی برای نمایندگی از بهبهان
- ۱۱۳..... نامه دکتر مصدق به دکتر محمود مصدق
- ۱۱۴..... نامه دکتر مصدق به فرماندار نظامی تهران
- ۱۱۴..... نامه دکتر مصدق به دکتر محمود مصدق
- ۱۱۵..... نامه دکتر مصدق به رئیس اداره کل شهربانی
- ۱۱۵..... نامه دکتر مصدق به جبهه ملی ایران
- ۱۱۷..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه منشی جبهه ملی
- ۱۱۸..... نامه دکتر مصدق درباره مصاحبه مطبوعاتی
- ۱۱۹..... نامه دکتر مصدق به انجمن نظارت انتخابات
- ۱۱۹..... تکذیب نامه دکتر مصدق
- ۱۱۹..... نامه دکتر مصدق به انجمن نظارت مرکزی انتخابات تهران
- ۱۲۱..... نامه دکتر مصدق به انجمن نظارت مرکزی
- ۱۲۱..... نامه دکتر مصدق به وزیر دادگستری
- ۱۲۲..... نامه دکتر مصدق به انجمن مرکزی انتخابات دوره شانزدهم
- ۱۲۴..... نامه دکتر مصدق به نخست وزیر
- ۱۲۵..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر قاسم غنی
- ۱۲۵..... نامه دکتر مصدق به وزیر دارائی درباره قانون املاک خالصه
- ۱۲۷..... نامه دکتر مصدق به یک خواننده روزنامه باختر امروز
- ۱۲۸..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۲۸..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۲۸..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۲۸..... نامه دکتر مصدق به روزنامه ستاره
- ۱۲۹..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی

- ۱۲۹..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر سعید فاطمی
- ۱۳۰..... نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی
- ۱۳۰..... نامه دکتر مصدق در اطراف قرارداد الحاقی نفت
- ۱۳۵..... نامه دکتر مصدق در اطراف قرارداد داری و قرارداد الحاقی نفت
- ۱۴۱..... نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی
- ۱۴۱..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۱..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۱..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۲..... یادداشت دکتر مصدق خطاب به حسین مکی
- ۱۴۲..... نامه دکتر مصدق به سیروس حسین خیبری
- ۱۴۲..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۳..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۳..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۳..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۳..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۴..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۴..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۴..... نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی
- ۱۴۵..... جواب دکتر مصدق به تلگراف مردم شیراز
- ۱۴۵..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۵..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۵..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۶..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۶..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۶..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۶..... یادداشت دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۷..... نامه دکتر مصدق به مردم قزوین
- ۱۴۷..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۷..... نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۸..... یادداشت دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۴۸..... نامه دکتر مصدق به دکتر سعید فاطمی

- ۱۴۹..... نامهٔ دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی
- ۱۴۹..... سؤال دکتر مصدق از کفیل وزارت دارائی
- ۱۴۹..... سؤال دکتر مصدق از نخست‌وزیر
- ۱۵۰..... جواب دکتر مصدق به نامهٔ دکتر قاسم غنی
- ۱۵۱..... پیشنهاد دکتر مصدق به کمیسیون مخصوص نفت
- ۱۵۱..... نامهٔ دکتر مصدق به مهندس حسینی
- ۱۵۲..... نامه دکتر مصدق دربارهٔ لایحه نشر اسکناس
- ۱۶۰..... نامهٔ دکتر مصدق به مهندس حسینی
- ۱۶۱..... تلگراف دکتر مصدق و آیه‌الله کاشانی به نمایندگان کارگران نفت جنوب
- ۱۶۱..... نوشته دکتر مصدق روی پاکت محتوی وصیت‌نامه سپرده‌شده به مجلس
- ۱۶۱..... جواب دکتر مصدق به نامه خانم افتخارالملوک بیات
- ۱۶۲..... نامه دکتر مصدق به دکتر امیرعلائی
- ۱۶۲..... جواب دکتر مصدق به تلگراف اهالی رشت
- ۱۶۲..... مکتوب دکتر مصدق در جواب مرقومهٔ آیت‌الله آقا میرزا سید حسن چهارسوقی
- ۱۶۳..... تلگراف دکتر مصدق در جواب تلگراف کارگران اعتصابی بندر شاهپور
- ۱۶۳..... نامه دکتر مصدق خطاب به سناتور خواجه نوری
- ۱۶۴..... جواب دکتر مصدق به تلگراف اعتصابیون
- ۱۶۴..... یادداشت دکتر مصدق در جلسه ۲۴۱ دوره شانزدهم مجلس شورای ملی
- ۱۶۵..... دو نامه دکتر مصدق به ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی
- ۱۶۵..... نامه دکتر مصدق به شهربانی کل کشور
- ۱۶۵..... نامه دکتر مصدق به موریسون وزیر امور خارجه انگلستان
- ۱۶۶..... پاسخ دکتر مصدق به تلگراف دکتر سید احمد ابطحی
- ۱۶۷..... جواب دکتر مصدق به نامهٔ دکتر سعید فاطمی
- ۱۶۷..... بخشنامه دکتر مصدق به وزارت خانه‌ها، ادارات مستقل، بانکها
- ۱۶۷..... نامه دکتر مصدق به دکتر امیرعلائی
- ۱۶۸..... نامه دکتر مصدق در جواب پیام آقای ترومن رئیس‌جمهور امریکا
- ۱۷۱..... تلگراف تشکرآمیز نخست‌وزیر به نماینده فوق‌العاده دولت در خوزستان
- ۱۷۱..... تلگراف دکتر مصدق به هیئت اعزامی به خوزستان
- ۱۷۲..... پاسخ دکتر مصدق به دو بانوی ایرانی
- ۱۷۲..... پاسخ دکتر مصدق به تلگراف اتحادیه جوانان حسینی
- ۱۷۲..... پاسخ دکتر مصدق به تلگراف اتحادیه رانندگان خراسان

- ۱۷۳ نامه دکتر مصدق به آقای شهرد سفیرکبیر دولت پادشاهی انگلستان
- ۱۷۳ تلگراف دکتر مصدق پس از دریافت تلگراف انجمن فارغ‌التحصیلان دانشسرایعالی
- ۱۷۳ جواب دکتر مصدق به آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای
- ۱۷۴ نامه دکتر مصدق به ترومن
- ۱۷۶ نامه دکتر مصدق به دیوان بیگی
- ۱۷۶ نامه تشکر دکتر مصدق به آیت‌الله چهارسوقی
- ۱۷۶ نامه دکتر مصدق به مجلس شورای ملی
- ۱۸۰ نامه دکتر مصدق به سرلشکر بقائی
- ۱۸۰ جواب دکتر مصدق به نامه کارگران چاپخانه مصطفوی
- ۱۸۱ تلگراف دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۸۱ پاسخ دکتر مصدق به ریاست هیئت مدیره سندیکای ساختمانی شیراز
- ۱۸۲ نامه دکتر مصدق درباره سرلشکر بقایی به وزارت جنگ
- ۱۸۲ نامه دکتر مصدق در جواب سفیرکبیر امریکا در تهران
- ۱۸۲ تلگراف دکتر مصدق در جواب حسین مکی
- ۱۸۳ نامه دکتر مصدق در جواب نامه آیت‌الله چهارسوقی
- ۱۸۳ نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی
- ۱۸۴ نامه دکتر مصدق به وزیر دارائی
- ۱۸۴ نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۸۵ تلگراف جناب دکتر مصدق به نخست وزیر مصر
- ۱۸۵ نامه دکتر مصدق به وزارت دارایی
- ۱۸۶ تلگراف دکتر مصدق به علمای اصفهان
- ۱۸۶ تلگراف دکتر مصدق به رشت درباره خرابی راهها
- ۱۸۷ تلگراف دکتر مصدق به متحصنین آذربایجان
- ۱۸۷ جواب دکتر مصدق به تلگراف حجج اسلام اصفهان
- ۱۸۸ جواب دکتر مصدق به اهالی اصفهان
- ۱۸۸ نامه دکتر مصدق به حکمت رئیس مجلس شورای ملی
- ۱۸۹ نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس سنا
- ۱۸۹ رونوشت نامه دکتر مصدق به وزارت جنگ جهت آیت‌الله چهارسوقی
- ۱۹۰ نامه دکتر مصدق در جواب نامه آیت‌الله چهارسوقی
- ۱۹۰ نامه دکتر مصدق در جواب پیام وزیر دربار
- ۱۹۱ نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

- ۱۹۱ نامه دکتر مصدق در جواب نامه آقای غنی‌زاده
- ۱۹۲ نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۱۹۲ نامه دکتر مصدق به ناصرقلی اردلان
- ۱۹۳ نامه دکتر مصدق به اعضای هیئت مدیره موقت
- ۱۹۳ نامه دکتر مصدق در جواب تلگراف ابوالقاسم امینی
- ۱۹۳ جواب دکتر مصدق به نامه آقای ادیب برومند
- ۱۹۴ پاسخ دکتر مصدق به تلگراف شهردار تهران
- ۱۹۴ پاسخ تلگرافی دکتر مصدق به تلگراف آیت‌الله کاشانی
- ۱۹۴ تلگراف دکتر مصدق از واشنگتن به آقای باقر کاظمی
- ۱۹۴ تلگراف دکتر مصدق به کفیل نخست وزیری
- ۱۹۵ تقدیرنامه دکتر مصدق خطاب به آقای نورالدین کیا
- ۱۹۵ نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آیه‌الله چهارسوقی
- ۱۹۵ متن نامه دکتر مصدق به رئیس‌جمهور امریکا قبل از ترک آن کشور
- ۱۹۹ تلگراف دکتر مصدق به آیه‌الله چهارسوقی
- ۲۰۰ تلگراف تشکر دکتر مصدق به ابوالقاسم امینی
- ۲۰۰ نامه دکتر مصدق به غلامحسین رحیمیان
- ۲۰۰ نامه دکتر مصدق به جمعیت اتحاد اسلام
- ۲۰۱ تلگراف دکتر مصدق به حجة الاسلام سید محمدعلی انگجی
- ۲۰۱ تلگراف دکتر مصدق در جواب تلگراف اهالی اصفهان
- ۲۰۱ تلگراف دکتر مصدق به مهندس روحانی
- ۲۰۱ نامه دکتر مصدق به شمس‌الدین عالمی
- ۲۰۲ جواب دکتر مصدق به نامه استاد دهخدا
- ۲۰۲ تلگراف دکتر مصدق به دکتر محیی
- ۲۰۲ جواب دکتر مصدق به استعفانامه دکتر سیدحسین فاطمی از معاونت نخست‌وزیر
- ۲۰۳ تقدیرنامه دکتر مصدق خطاب به دکتر فلاّح
- ۲۰۳ مکتوب دکتر مصدق به آیت‌الله حاج شیخ علی مدرس تهرانی
- ۲۰۴ نامه دکتر مصدق به وارن رئیس اصل چهار در ایران
- ۲۰۴ جواب دکتر مصدق به تلگراف حجة الاسلام انگجی
- ۲۰۴ تلگراف آقای دکتر مصدق به آقای حاجی غفار راجع به خرید اوراق قرضه ملی
- ۲۰۵ تلگراف دکتر مصدق به جبهه ملی آذربایجان
- ۲۰۵ تلگراف دکتر مصدق به جمعیت وحدت ملی

- ۲۰۵.....بخشنامه دکتر مصدق به استانداران و فرمانداران.....
- ۲۰۵.....نامه دکتر مصدق به غضنفر علیخان سفیرکبیر پاکستان.....
- ۲۰۶.....پاسخ دکتر مصدق به تلگراف آقای احمد نجد سمیعی.....
- ۲۰۶.....نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی.....
- ۲۰۷.....مکتوب دکتر مصدق به آیت‌الله حاج شیخ علی مدرس تهرانی.....
- ۲۰۷.....جواب دکتر مصدق به تلگراف همدردی نحاس پاشا پس از.....
- ۲۰۸.....نامه دکتر مصدق به اللهیار صالح.....
- ۲۰۸.....نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی.....
- ۲۰۸.....نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی.....
- ۲۰۹.....تلگراف دکتر مصدق به اصفهان.....
- ۲۰۹.....نامه دکتر مصدق به شعبه دوم مجلس شورای ملی.....
- ۲۱۱.....تلگراف دکتر مصدق در جواب تبریک عید مبعث.....
- ۲۱۱.....نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی.....
- ۲۱۱.....پاسخ دکتر مصدق به تلگراف پشتیبانی پزشکان و کارمندان بهداشتی استان دهم.....
- ۲۱۲.....پاسخ دکتر مصدق به تلگراف انجمن زرتشتیان یزد.....
- ۲۱۲.....نامه دکتر مصدق به جمعیت اتحاد اسلام.....
- ۲۱۲.....تلگراف دکتر مصدق به آیت‌الله چهارسوقی.....
- ۲۱۳.....پاسخ دکتر مصدق به تلگراف حضرات آقایان.....
- ۲۱۳.....نامه دکتر مصدق به مجلس شورای ملی.....
- ۲۱۳.....جواب دکتر مصدق به تلگراف آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری.....
- ۲۱۴.....تلگراف دکتر مصدق به آیت‌الله چهارسوقی.....
- ۲۱۴.....نامه تشکر و قدردانی دکتر مصدق از سر تیپ کمال توسط سپهبد یزدان پناه.....
- ۲۱۴.....جواب دکتر مصدق به نامه مدیر نشریه اتحاد ملی.....
- ۲۱۵.....پاسخ دکتر مصدق به یک تلگراف توسط ابراهیم نبیل سمیعی.....
- ۲۱۵.....نامه دکتر مصدق در جواب نامه نوری السعید.....
- ۲۱۵.....تلگراف دکتر مصدق به آیت‌الله چهارسوقی.....
- ۲۱۶.....نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آیت‌الله کاشانی.....
- ۲۱۶.....جواب دکتر مصدق به مکتوب آیت‌الله چهارسوقی.....
- ۲۱۶.....جواب دکتر مصدق به نامه آیت‌الله کاشانی.....
- ۲۱۷.....جواب دکتر مصدق به حسین ضرابی.....
- ۲۱۷.....نامه دکتر مصدق در پاسخ توتونکاران گیلان.....

- ۲۱۷..... تلگراف دکتر مصدق به رئیس هیئت نمایندگی ایران.....
- ۲۱۸..... نامه دکتر مصدق به یک جوان آبادانی.....
- ۲۱۸..... نامه دکتر مصدق به مجلس راجع به لایحه امنیت ملی.....
- ۲۲۰..... یادداشت دکتر مصدق به وزارت کشور.....
- ۲۲۰..... یادداشت دکتر مصدق به وزارت کشور.....
- ۲۲۱..... نامه دکتر مصدق به نویسنده کتاب شهدای.....
- ۲۲۱..... نامه دکتر مصدق به دکتر امیرعلائی.....
- ۲۲۲..... نامه دکتر مصدق به وزارت خانه‌های دادگستری و کشور و شهربانی.....
- ۲۲۲..... مکتوب دکتر مصدق به آیت‌الله بروجردی.....
- ۲۲۲..... مضمون تلگراف دکتر مصدق به مراجع قم.....
- ۲۲۳..... نامه دکتر مصدق به مجلس شورای ملی.....
- ۲۲۳..... مضمون نامه دکتر مصدق به وزارت دادگستری.....
- ۲۲۳..... پاسخ دکتر مصدق به تلگراف همدردی عدنان مندرس.....
- ۲۲۴..... پاسخ دکتر مصدق به پیام همدردی امین‌الحسینی مفتی فلسطین.....
- ۲۲۴..... پاسخ دکتر مصدق به رئیس انجمن پاکستانی دوستداران ایران.....
- ۲۲۴..... پاسخ دکتر مصدق به نامه آقای خلعتبری.....
- ۲۲۴..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه ریاست مجلس شورای ملی.....
- ۲۲۵..... نامه دکتر مصدق در پاسخ نامه ریاست مجلس شورای ملی.....
- ۲۲۶..... تلگراف دکتر مصدق به مرحوم استاد شریعتی و دیگر رهبران مبارزات.....
- ۲۲۶..... نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه ریاست مجلس شورای ملی.....
- ۲۲۷..... پاسخ دکتر مصدق به تیمسار دولو.....
- ۲۲۷..... نامه دکتر مصدق به مهندس رضوی نایب رئیس مجلس شورای ملی.....
- ۲۲۸..... تسلیت نامه دکتر مصدق به خانواده شهید سرتیپ افشارطوس.....
- ۲۲۸..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه ریاست مجلس شورای ملی.....
- ۲۲۹..... نامه دکتر مصدق به دکتر بوکمان.....
- ۲۲۹..... نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی.....
- ۲۳۰..... نامه دکتر مصدق به استاد بهمنیار.....
- ۲۳۰..... پاسخ دکتر مصدق به نامه مدیر سازمان اسلامی.....
- ۲۳۱..... نامه دکتر مصدق به انجمن فرهنگ ایران.....
- ۲۳۱..... نمونه کارت دعوت دکتر مصدق از نمایندگان.....
- ۲۳۱..... نامه دکتر مصدق به وارن.....

- ۲۳۲ نامه دکتر مصدق به دکتر امیر علائی ..
- ۲۳۲ پاسخ دکتر مصدق به جمعیت وحدت ملی (تبریز)
- ۲۳۳ متن نامه مصدق به ژنرال آیزنهاور ..
- ۲۳۴ نامه دکتر مصدق به وزارت کشور ..
- ۲۳۵ نامه دکتر مصدق به وزارت دفاع ملی ..
- ۲۳۶ پاسخ دکتر مصدق به تلگراف جمعیت مرکزی اصلاح طلبان فارس ..
- ۲۳۶ تلگراف دکتر مصدق در پاسخ تلگراف صنف قهوه‌چی ..
- ۲۳۶ رونوشت تلگراف نخست‌وزیر در پاسخ تلگراف سندیکا ..
- ۲۳۷ نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی ..
- ۲۳۷ نامه دکتر مصدق به دکتر سیف پورفاطمی ..
- ۲۳۷ تلگراف دکتر مصدق به دکتر سیف پورفاطمی ..
- ۲۳۸ جواب دکتر مصدق به آیت‌الله کلباسی ..
- ۲۳۸ نامه دکتر مصدق به وزارت کشور ..
- ۲۳۹ پاسخ دکتر مصدق به نامه خلعتبری ..
- ۲۳۹ نامه دکتر مصدق به استانداری استان هفتم ..
- ۲۴۰ نامه دکتر مصدق به وزارت دربار ..
- ۲۴۰ جواب دکتر مصدق به دستخط شاه در شب کودتای ۲۵ مرداد ۳۲ ..
- ۲۴۰ نامه دکتر مصدق به ستاد ارتش ..
- ۲۴۱ نامه دکتر مصدق به وزارت کشور ..
- ۲۴۱ جواب دکتر مصدق به تلگراف محمدرضا آشتیانی‌زاده ..
- ۲۴۲ نامه منسوب به دکتر مصدق در جواب نامه منسوب به آیه‌الله کاشانی ..
- ۲۴۲ نامه دکتر مصدق به هیئت وزیران دولت کودتا ..
- ۲۴۳ نامه دکتر مصدق به دادگاه نظامی ..
- ۲۴۳ نامه دکتر مصدق به دادگاه تجدیدنظر نظامی ..
- ۲۴۴ نامه دکتر مصدق به سرلشکر جوادی ..
- ۲۴۵ یادداشت دکتر مصدق پس از دریافت نامه دادگاه تجدیدنظر ..
- ۲۴۵ نامه دکتر مصدق به سرلشکر هدایت ..
- ۲۴۷ نامه دکتر مصدق به سرلشکر جوادی ..
- ۲۴۸ وکالتنامه دکتر مصدق جهت معرفی آقایان حسن صدر، بهرام مجدزاده و ...
- ۲۴۸ یادداشت دکتر مصدق از زندان لشکر دو زرهی درباره فرجام‌خواهی ...
- ۲۴۹ جواب دکتر مصدق به اظهارنامه جعفر وجدانی ..

- ۲۴۹ نامه دکتر مصدق به دیوان عالی کشور
- ۲۵۰ نامه دکتر مصدق به دیوان عالی کشور
- ۲۵۱ جواب دکتر مصدق به نامه علی هیئت رئیس دیوان عالی کشور
- ۲۵۳ نامه دکتر مصدق به ریاست دیوان عالی کشور
- ۲۵۶ نامه دکتر مصدق به علی هیئت ریاست دیوان عالی کشور
- ۲۶۱ نامه دکتر مصدق به علی هیئت ریاست دیوان عالی کشور
- ۲۶۲ اعلام جرم دکتر مصدق خطاب به علی هیئت رئیس دیوان عالی کشور
- ۲۶۵ نامه دکتر مصدق به اخوی وزیر دادگستری
- ۲۶۶ نامه دکتر مصدق به گلشائیان وزیر دادگستری
- ۲۶۹ نامه دکتر مصدق به رضا تجدد سرپرست دیوان عالی کشور
- ۲۶۹ نامه دکتر مصدق به دیوان عالی کشور
- ۲۷۰ نامه دکتر مصدق به دیوان عالی کشور
- ۲۷۰ نامه دکتر مصدق به سرلشکر آزموده دادستان ارتش
- ۲۷۰ نامه دکتر مصدق به سرلشکر آزموده دادستان ارتش
- ۲۷۲ جواب دکتر مصدق به نامه سرلشکر آزموده دادستان ارتش
- ۲۷۴ نامه دکتر مصدق به شیخ باقر نهاوندی
- ۲۷۴ کارت تبریک دکتر مصدق به مهندس جهانگیر حق شناس
- ۲۷۴ جواب دکتر مصدق به نامه مهندس جهانگیر حق شناس
- ۲۷۵ نامه دکتر مصدق به آقای علی مراد فراهبندی
- ۲۷۵ دستخط دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۲۷۵ یادداشت دکتر مصدق
- ۲۷۶ نامه دکتر مصدق به دکتر محمود مصدق
- ۲۷۶ نامه دکتر مصدق به ابوالحسن دیبا
- ۲۷۸ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۲۷۸ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۲۸۰ جواب دکتر مصدق به تبریک نوروزی آقای داریوش فروهر
- ۲۸۰ نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری
- ۲۸۰ نامه دکتر مصدق به آقای کیومرث راستین
- ۲۸۱ نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری
- ۲۸۱ نامه تشکر دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری
- ۲۸۱ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

- ۲۸۱ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۲۸۲ جواب دکتر مصدق به نامه مهندس جهانگیر حق‌شناس
- ۲۸۲ نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری
- ۲۸۲ نامه دکتر مصدق به دکتر محمود مصدق
- ۲۸۳ نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری
- ۲۸۳ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۲۸۳ نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری
- ۲۸۴ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۲۸۴ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۲۸۴ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۲۸۴ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۲۸۵ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۲۸۵ قسمتی از یک نامه خصوصی دکتر مصدق
- ۲۸۶ نامه دکتر مصدق به آقای حسن عنایت
- ۲۸۶ جواب دکتر مصدق به نامه خواهر شهید دکتر فاطمی
- ۲۸۶ نامه دکتر مصدق به خواهر شهید دکتر فاطمی
- ۲۸۷ جواب دکتر مصدق به نامه مهندس جهانگیر حق‌شناس
- ۲۸۷ پاسخ دکتر مصدق به دکتر سعید فاطمی
- ۲۸۷ پاسخ دکتر مصدق به تبریک دکتر سعید فاطمی
- ۲۸۸ پاسخ دکتر مصدق به تبریک دکتر ابراهیم یزدی
- ۲۸۸ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۲۸۸ پاسخ دکتر مصدق به نامه مهندس مهدی بازرگان
- ۲۸۹ قسمتی از یک نامه خصوصی دکتر مصدق
- ۲۸۹ نامه دکتر مصدق به حسن صدر
- ۲۹۰ پاسخ دکتر مصدق به مرقومه دکتر سعید فاطمی
- ۲۹۰ نامه دکتر مصدق به خلیل ملکی
- ۲۹۱ نامه دکتر مصدق به جامعه سوسیالیست‌ها
- ۲۹۱ جواب دکتر مصدق به نامه اللهیار صالح
- ۲۹۱ نامه دکتر مصدق به دکتر علی شریعتمداری
- ۲۹۲ نامه دکتر مصدق به
- ۲۹۲ نامه دکتر مصدق به مهندس کاوه فرمانفرمائیان
- ۲۹۲ جواب دکتر مصدق به نامه آقای حسین راضی

- ۲۹۳..... نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه محمدرحیم عطایی
- ۲۹۳..... نامه دکتر مصدق به دکتر سعید فاطمی
- ۲۹۳..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر ابراهیم یزدی
- ۲۹۴..... نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه خانم پروانه فروهر
- ۲۹۴..... جواب دکتر مصدق به مرقومه آقای داریوش فروهر
- ۲۹۵..... نامه دکتر مصدق در جواب به نامه حسن صدر
- ۲۹۵..... جواب دکتر مصدق به نامه مهندس جهانگیر حق‌شناس
- ۲۹۵..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج از کشور
- ۲۹۶..... نامه دکتر مصدق به مظفر فیروز در جواب کارت تبریک او
- ۲۹۶..... نامه دکتر مصدق به آقای حسین راضی
- ۲۹۷..... نامه دکتر مصدق به جامعه سوسیالیست‌های ایرانی در اروپا
- ۲۹۷..... نامه تشکر دکتر مصدق به جبهه ملی ایرانیان مقیم انگلستان
- ۲۹۸..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه مهندس جهانگیر حق‌شناس
- ۲۹۸..... نامه دکتر مصدق به خسرو قشقایی
- ۲۹۹..... نامه دکتر مصدق به شیخ مصطفی رهنما
- ۲۹۹..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه شورای جبهه ملی ایران مقیم امریکا
- ۳۰۰..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه اللهیار صالح
- ۳۰۰..... نامه دکتر مصدق در جواب پیام کنگره جبهه ملی ایران در اروپا
- ۳۰۱..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه محمود تفضلی
- ۳۰۱..... نامه دکتر مصدق به مدیر روزنامه باختر امروز در خارج از کشور
- ۳۰۳..... نامه دکتر مصدق در جواب به نویسنده رساله نسل جوان و جبهه ملی
- ۳۰۴..... نامه دکتر مصدق در جواب پیام فدراسیون دانشجویان ایرانی
- ۳۰۴..... نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آقای ادیب برومند
- ۳۰۵..... دستخط دکتر مصدق به ...
- ۳۰۵..... پیام دکتر مصدق به کنگره جبهه ملی ایران
- ۳۰۶..... جواب دکتر مصدق به مرقومه دکتر سعید فاطمی
- ۳۰۷..... نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه دکتر سعید فاطمی
- ۳۰۷..... نامه دکتر مصدق در جواب به نامه خانم پروانه فروهر
- ۳۰۸..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه آقای سید علی فدکی
- ۳۰۸..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر ابراهیم یزدی
- ۳۰۸..... جواب دکتر مصدق به نامه خانم پروانه فروهر

- ۳۰۹ نامه دکتر مصدق در جواب تبریک آقای داریوش فروهر
- ۳۰۹ پاسخ دکتر مصدق به نامه اکثریت دانشجویان در کنگره نمایندگان
- ۳۰۹ نامه دکتر مصدق در جواب سپهد امیراحمدی
- ۳۱۰ نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه نمایندگان کارگران دخانیات، کشتارگاه و...
- ۳۱۱ جواب دکتر مصدق به پیام دومین کنگره کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی
- ۳۱۱ نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر امیرعلائی
- ۳۱۲ نامه دکتر مصدق در جواب نامه...
- ۳۱۲ نامه دکتر مصدق در جواب...
- ۳۱۳ نامه دکتر مصدق در پاسخ نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی
- ۳۱۴ نامه دکتر مصدق به دکتر محمود مصدق
- ۳۱۴ نامه دکتر مصدق به مسئولین سازمان محلات سابق جبهه ملی ایران
- ۳۱۵ دستخط دکتر مصدق به ...
- ۳۱۵ نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه ...
- ۳۱۶ نامه دکتر مصدق در جواب نامه کمیته سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران
- ۳۱۶ جواب دکتر مصدق به نامه خانم پروانه فروهر
- ۳۱۷ نامه دکتر مصدق در جواب...
- ۳۱۷ نامه دکتر مصدق به هیأت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران
- ۳۱۹ نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آقای ادیب برومند
- ۳۱۹ نامه دکتر مصدق در جواب نامه آقای داریوش فروهر
- ۳۲۰ نامه دکتر مصدق در جواب نامه کمیته سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران
- ۳۲۳ نامه دکتر مصدق در جواب به نامه مظفر فیروز
- ۳۲۳ نامه دکتر مصدق به یکی از رهبران جبهه ملی
- ۳۲۴ نامه دکتر مصدق در جواب نامه اعضاء هیأت اجرائی و...
- ۳۲۷ نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی
- ۳۲۷ نامه دکتر مصدق به سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران
- ۳۲۷ نامه دکتر مصدق در جواب نامه هیأت اجرائی سازمانهای اروپائی
- ۳۲۸ نامه دکتر مصدق در جواب نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران
- ۳۲۸ نامه دکتر مصدق در جواب به...
- ۳۲۹ نامه دکتر مصدق به دکتر علی شریعتمداری
- ۳۲۹ نامه دکتر مصدق در جواب نامه شورای مرکزی جبهه ملی ایران
- ۳۳۱ نامه دکتر مصدق به اللهیار صالح

- ۳۳۲ نامه دکتر مصدق به سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران .
- ۳۳۲ دستخط دکتر مصدق خطاب به کارگران ایران
- ۳۳۳ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۳۳ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۳۴ نامه دکتر مصدق در جواب نامه هیأت اجرائی سازمانهای.....
- ۳۳۵ نامه دکتر مصدق به آقایان محمدتقی عینکچی و اخوان
- ۳۳۵ نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر سید علی شایگان
- ۳۳۷ نامه دکتر مصدق به حسنعلی متصور
- ۳۳۸ نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آقای شیخ مصطفی رهنا
- ۳۳۸ تسلیت نامه دکتر مصدق به خانم افتخارالملوک بیات
- ۳۳۸ نامه دکتر مصدق به دکتر غلامحسین صدیقی
- ۳۳۹ نامه دکتر مصدق در جواب نامه هیأت اجرائی سازمانهای اروپائی
- ۳۴۰ جواب دکتر مصدق به نامه مهندس جهانگیر حق شناس
- ۳۴۱ نامه دکتر مصدق در جواب نامه.....
- ۳۴۱ نامه دکتر مصدق در جواب نامه خانم پروانه فروهر
- ۳۴۱ نامه دکتر مصدق به سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران
- ۳۴۲ نامه دکتر مصدق در جواب نامه رهبران جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی
- ۳۴۲ نامه دکتر مصدق به ابوالحسن دیبا
- ۳۴۳ نامه تسلیت دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری
- ۳۴۳ نامه دکتر مصدق در جواب نامه هیأت اجرایی.....
- ۳۴۴ جواب دکتر مصدق به نامه مهندس جهانگیر حق شناس
- ۳۴۴ نامه دکتر مصدق به دکتر غلامحسین صدیقی
- ۳۴۵ نامه دکتر مصدق در جواب به نامه تسلیت.....
- ۳۴۵ جواب دکتر مصدق به تسلیت رسا
- ۳۴۵ نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آقای ادیب برومند
- ۳۴۶ نامه دکتر مصدق در جواب نامه ۲۶ ژوئیه ۱۹۶۵
- ۳۴۷ یادداشت دکتر مصدق پس از دریافت خبر فوت نحاس پاشا
- ۳۴۷ سواد جواب دکتر مصدق به تسلیت خانم مریم فیروز
- ۳۴۸ نامه دکتر مصدق به حسن عنایت
- ۳۴۸ نامه دکتر مصدق به مهندس عبدالعلی بازرگان
- ۳۴۹ نامه دکتر مصدق به سید مهدی فرخ

- ۳۴۹..... نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آقای ادیب برومند
- ۳۵۰..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر سعید فاطمی
- ۳۵۰..... جواب دکتر مصدق به کارت تبریک ارسالی آقای شیخ مصطفی رهنما
- ۳۵۰..... نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۵۱..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه آقای ایرج افشار
- ۳۵۱..... نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۵۲..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه مهندس جهانگیر حق‌شناس
- ۳۵۲..... نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه دکتر سعید فاطمی
- ۳۵۳..... جواب دکتر مصدق به نامه تبریک.....
- ۳۵۳..... نامه دکتر مصدق به دکتر غلامحسین صدیقی
- ۳۵۳..... نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۵۴..... نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۵۴..... نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۵۵..... نامه دکتر مصدق به خانم پروانه فروهر
- ۳۵۵..... نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی
- ۳۵۵..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه تبریک بانو مهین فیروز
- ۳۵۶..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه آقای داریوش فروهر
- ۳۵۶..... پاسخ نامه ۲۱ آذر آقای داریوش فروهر توسط دکتر مصدق
- ۳۵۶..... جواب دکتر مصدق به رسا
- ۳۵۷..... نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه خانم پروانه فروهر
- ۳۵۷..... نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آقای ادیب برومند
- ۳۵۷..... نامه دکتر مصدق به کمیته مرکزی جامعه سوسیالیست‌های ایرانی در اروپا
- ۳۵۸..... نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه مهندس حسینی
- ۳۵۸..... نامه دکتر مصدق به آقای ایرج افشار

نامه‌های بدون تاریخ

- ۳۵۹..... نامه دکتر مصدق به وزارت داخله
- ۳۵۹..... جواب دکتر مصدق به انتشارات ترجمان‌الدوله، فهیم‌الدوله...
- ۳۶۰..... نامه دکتر مصدق به عبدالحسین فرمانفرما
- ۳۶۱..... تکذیب‌نامه دکتر مصدق
- ۳۶۱..... یادداشت دکتر مصدق به حسین مکی

- ۳۶۱ نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۳۶۲ نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۳۶۲ نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۳۶۲ نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی
- ۳۶۳ نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی
- ۳۶۳ نامه دکتر مصدق رئیس کمیسیون مختلط همکاری مجلسین
- ۳۶۳ نامه دکتر مصدق به آقای تاج
- ۳۶۴ پیشنهاد جمعی از نمایندگان و دکتر مصدق به کمیسیون بودجه
- ۳۶۴ نامه دکتر مصدق به حسین مکی
- ۳۶۵ نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری
- ۳۶۵ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۶۵ دستخط دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۶۵ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۶۶ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۶۷ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۶۷ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۶۷ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۶۸ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۶۸ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۶۹ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۶۹ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۷۰ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۷۰ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۷۱ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۷۱ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۷۲ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۷۲ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۷۳ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۷۳ وکالت نامه دکتر مصدق به آقای نصرت الله امینی
- ۳۷۳ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
- ۳۷۳ نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

۳۷۴	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۷۴	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۷۵	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۷۵	تلگراف دکتر مصدق
۳۷۵	نوشته دکتر مصدق درباره درخواست ملاقات خبرنگار هندی
۳۷۶	جواب دکتر مصدق به مرقومه خانم پروانه اسکندری (فروهر)
۳۷۶	یادداشت دکتر مصدق راجع به شهید سید حسین فاطمی
۳۷۶	وصیت‌نامه دکتر محمد مصدق
۳۷۹	فهرست موضوعی نامه‌ها
۳۹۵	منابع و مأخذ
۴۱۳	اسناد
۴۱۹	تصاویر
۴۲۵	فهرست اعلام

سسانلی را گفت آن پیر کهن
چند از مردان حق گویی سخن
گفت خوش آید زبان را بر دوام
تا بگوید حرف ایشان را مدام
گر نسیم زیشان از ایشان گفتم
خوشدلکم کاین قصه از جان گفتم
گر ندم از شکر جز نام بهر
این بسی بهتر که اندر کام زهر^۱

مقدمه

در این مجموعه تعداد ۵۵۳ نامه و دستخط از دکتر محمد مصدق رهبر نهضت ملی ایران و یکی از مفاخر شرق و دنیای اسلام تقدیم علاقمندان می‌گردد. آغازین مکتوب تاریخ ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ هـ ق (= تیر ۱۲۸۸ هـ ش) را بر پیشانی دارد و فرجامین مراسله در اسفندماه ۱۳۴۵ ش، چند روز قبل از درگذشت آن مرد بزرگ تحریر شده است.

طیف وسیعی از افراد و جمعیت‌ها مخاطب این نامه‌ها می‌باشند که از جمله از: دوستان؛ اعضای خانواده؛ دولتمردان داخلی و خارجی؛ عالمان دینی، مطبوعات؛ همراهان و مبارزان؛ مخالفان نهضت ملی و عوامل حکومت‌های منبعث از کودتای انگلیسی-امریکایی و ارتجاعی ۲۸ مرداد ۳۲ و ... می‌توان نام برد. در تعبیر سنت تاریخی و ادب ایران زمین اکثر این نامه‌ها ذیل عناوین: اخوانیات؛ دیوانیات و سلطانیات شناخته می‌شده است.

مضمون مشترک و اندیشه و تفکری که در این مکتوبات - همچون سایر آثار آن بزرگ، چشم را می‌نوازد؛ روان را به وجد می‌آورد؛ سالک طریق استقلال و آزادی را عبرت می‌آموزد؛ آگاهی می‌بخشد؛ دلیری و حریت می‌افزاید و در سالک از بیعت با او غیرت و شهامت و یقین و افتخار

می‌آفریند عبارت است از: تعالی روحی و اخلاقی؛ آگاهی و خردمندی؛ میهن دوستی و فرهنگ پروری؛ عرق ملی و دینی؛ حرکت در خط صلاح و فلاح و تعادل؛ نگاه به درون؛ تقدم مصالح ملی و اجتماعی بر منافع فردی و گروهی؛ نقد خردمندانه خود و گذشته و جانبداری از: استقلال و آزادی؛ حاکمیت قانون؛ نهادهای مدنی؛ تفکیک قوا؛ تجمع و تحزب؛ دفاع از میهن تاریخی و جغرافیایی؛ زبانی و فرهنگی؛ دینی و عقیدتی و در چشم اندازی وسیع تر همبستگی با انسانیت مظلوم در پهنه گیتی و مبارزه با: رذائل اخلاقی و تدنی روحی و جهالت؛ تحمیق و فریب مردمان؛ خشونت؛ نگاه به بیرون؛ تضعیف مبانی ذهنی و عینی استقلال کشور و به بیانی دیگر این مجموعه نیست مگر کارنامه روشن و تابناک و مستمر و بردوام یک عمر حق طلبی و اصول گرایی؛ استعمار ستیزی و استبداد سوزی در احوال مختلف: در محکومیت و حاکمیت؛ در مجلس شورای ملی در مقام وکالت شهروندان و در زندان در مقام زندانی سیاسی؛ در وزارت و در نخست وزیری؛ در بیدادگاههای استعمار ساخته و در تبعید قلعه احمدآباد، در طول شصت سال، از عنفوان جوانی در اروپا تا پسین روزهای حیات مادی در بیمارستان مادر پرهیزکار و فرهیخته و با ایمانش مرحومه خانم نجم السلطنه، مسمی به «نجمیه».

دکتر مصدق خلف الصدق رهروان خط اصلاح طلبی در تاریخ دو سده اخیر میهن است. خطی که بر دیباچه دفتر آن نام بزرگانی چون میرزا ابوالقاسم قایم مقام فراهانی و میرزاتقی خان امیرکبیر شهیدان گرانقدر راه استقلال و ترقی و پیشرفت ملت ایران می‌درخشد. دکتر مصدق سلف صالح پویندگان آن طریق و سالکان آن راه پرفراز و نشیب تا امروز و روزهای آینده بوده و خواهد بود.

از میان منادیان و دعوت کنندگان به ترقی و تعالی و بهروزی در دو سده اخیر آنچه خط اصلاح طلبی را از دیگر خطوط - با عنایت به طیف گسترده و بعضاً متخالف آنان و بدون توجه به انگیزه‌ها و داورى در صحت و سقم دعوی آنان - متمایز ساخته است، از جمله شاخصه‌هایی است به شرح زیر که وجه اتم و اکمل آن در چهره دکتر مصدق متبلور می‌باشد:

۱- شناخت عمیق از جامعه ایرانی

خط اصلاح بر خلاف خطوط دیگر که منادیان آن چون: شاهزاده جلال الدین میرزا؛ میرزاملکم خان؛ میرزا فتحعلی آخوندزاده؛ میرزا آقاخان کرمانی؛ تقی‌زاده؛ حیدرعمو اوغلی؛ سلیمان میرزا اسکندری؛ شیخ ابراهیم زنجانی؛ سلطان زاده؛ دکتر تقی ارانی و ... و متابیین آنان قدم در کجراهه و بی‌راهه گذاردند و با تجزیه نیروها و ایجاد درگیری‌های غیر اصولی و طرح شعارهای نا صحیح یا نابهنگام، خود در عمل تبدیل به موانعی در راه توسعه و آزادی و استقلال میهن و مردم آن گردیدند، به دلیل شناخت عمیق پیشینه تاریخی و فرهنگی مردم ایران و آگاهی از مرتبه فرهنگی کشور و مردم آن در دوران معاصر، و شناخت نهادهای موجود و عملکرد آن و

همچنین آشنایی با اقشار و طبقات تشکیل دهنده جامعه از چپ روی و راست روی پرهیز داشته و از ذهنی گرایی مصونیت یافته و از ایجاد تنش‌های ناصواب و قطبی کردن‌های کاذب اجزاء تشکیل دهنده ملت استنکاف ورزیده و بردوام و مستمر بر محور شعارهای اصولی استقلال و آزادی، در اندیشه و فکر فراهم آوردن فراگیرترین جبهه ممکن از نیروها در برابر دشمنان خارجی و داخلی استقلال و آزادی مردم ایران بوده است.

۲- شناخت دقیق از نقش تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عالمان دینی

خط اصلاح طلب از نقش عالمان دینی صالح و میهن دوست نیز غفلت نورزیده و با عنایت به ضرورت بسیج ملی نیروها و توجه به توان قابل توجه آنان خصوص در دو سده گذشته کوشیده است تا از این قشر - که برخی از آنان همچون شهید مدرس خود جایگاه والایی در خط اصلاح طلبی دارند - حداکثر استفاده را در راه استقلال و آزادی ملت ایران نصیب ملت و کشور بسازد. پشتیبانی عالمان استقلال طلب و آزادی خواه که علی‌رغم توطئه‌های سیاست خارجی، دربار و عوامل آن و عناصر فریب خورده، هیچ‌گاه از نهضت ملی ایران و رهبر فرزانه آن دکتر محمدمصدق قطع نگردیدند، خود نشانگر توفیق رهبر نهضت در این امر سترگ است.

۳- شناخت غرب و دو رویه تمدن آن

خط اصلاح و نمایندگان آن با دو رویه تمدن غربی آشنا بوده و افزون بر اعتقاد راسخ به مبارزه با رویه سلطه‌گری و افزون خواهی آلوده به تجاوز سرمایه‌داری غرب، معتقد به بهره‌گیری از دست‌آوردهای عظیم آن تمدن در پهنه عمل و اندیشه؛ صنعت و سیاست؛ مناسبات اجتماعی و تأسیسات مدنی در چارچوب خصوصیات ملی و دینی مردم ایران و مرتبه کنونی فرهنگ مردم کشور بوده و می‌باشد. خط اصلاح به پذیرش مطلق یا نفی مطلق غرب باور نداشته و به دلیل پایگاه عمیق فرهنگی و دانش و آگاهی خود نه مجذوب و مرعوب آن گشته و نه در چاه ویل تعصب و مخالفت غیر منطقی با دست‌آوردهای مثبت آن فروغلطیده است. افزون بر آن چه گفته آمد، بهره‌بری مورد توجه خط اصلاح از تمدن غرب نه براساس نیازهای غرب و توقعات آن، بلکه بر اساس نیازهای واقعی کشور بنیان نهاده شده است.

۴- شناخت عمیق سیاست خارجی حاکم بر ایران در دوسده اخیر و ابزارهای آن

از ممیزات و ویژگی‌های خط اصلاح و نمایندگان برجسته آن، شناخت عمیق و دقیق از سیاست خارجی حاکم بر ایران و ابزارهای آن از جمله عوامل بومی آن راه، در دوسده اخیر باید برشمرد. چشمان بینا و اندیشه‌های استوار و پرمایه نمایندگان برجسته خط اصلاح در گردو غبار برخاسته از طوفان دخالت قدرتهای خارجی در منطقه و از تعارض منافع آنان با یکدیگر، دچار

انحراف و بدبینی و بدفهمی نگردید و به حق سیاست خارجی مسلط بر منطقه و کشور و ابزار آن را تشخیص داده و با آن به مصاف پرداخت. بی جهت نیست که سه تن از برجسته‌ترین نمایندگان این خط: قائم مقام و امیرکبیر و مصدق با توطئه چینی و دسایس همان سیاست مقتول و محبوس و تبعیدگردیدند.

۵- شناخت محورهای اساسی و ابزار مبارزه با سلطه خارجی

یکی دیگر از هنرهای نمایندگان برجسته خط اصلاح، تنظیم برنامه مبارزه بر محور دفاع از استقلال در ابعاد گوناگون و آزادی بر مبنای «نگاه به درون» است.

برای هر خط استقلال طلب و آزادی خواه که منبع قدرت خود را در داخل و نه در خارج از کشور می‌بیند و می‌جوید گریزی از بسیج تمام نیروها بر محور مشترکات آنان و پرهیز از طرح و دامن زدن به افتراقات نیست. نمایندگان برجسته خط مورد بحث از همین منظر، در مبارزات خود از طرح مطالب ناصواب و انحرافی و تفرقه افکنانه و نابهنگام دوری جسته و با عنایت به نیروهای بالقوه و بالفعل به نبرد با موانع استقلال و آزادی مردم ایران پرداخته است و کوشیده است حتی الامکان از پشتیبانی همه عناصر و اقشار استقلال طلب و ترقی خواه برخوردار گردد.

۶- شناخت و قیام به عمل صالح زمان

خط اصلاح در جهاد خود دچار ظاهر بینی و شکل‌گرایی نشده و نیروی خود و ملت را در طریق مبارزه با ظواهر نظام سلطه طلب جهانی نابود نساخته است، بلکه با تشخیص عمل صالح هر زمان به اصلاح بنیادین اندیشیده است. به عنوان نمونه همچون دکتر مصدق، در پایان دهه بیست و آغاز دهه سی با خلع ید از انگلستان غاصب به «بریدن دست دزد» و «اجرای یکی از قوانین قرآن»^۱ قیام نموده است.

۷- توفیق و توانایی تألیف جانبداری از: وطن تاریخی و جغرافیایی؛ وطن زبانی و فرهنگی:

وطن دینی و عقیدتی و وطن انسانی با یکدیگر

خط اصلاح طلب بیمن فراست و خردمندی و هوشیاری و جهان بینی خود نه تنها دچار یکسو نگری نگردیده و مشمول خیالبافی‌ها و اعتقادهای جزمی و تنگ نظرانه ملی، فرهنگی و دینی نشده است و در وادی هولناک تقابل وطن‌های مذکور در فوق فرو نغلطیده است، بلکه با توفیقی که در تألیف آن علایق بدست آورده، راهی نو و تعالی بخش و هدیه‌ای گرانبها در عصر ما به جامعه ملی و فرهنگی و اسلامی و انسانی تقدیم داشته است.

۱. تعبیرهای داخل « » از برادر ارجمند و دلسوز آقای مهدی غنی است.

توجه و جانبداری دکتر مصدق از: استقلال ایران؛ زبان فارسی و فرهنگ ایرانی؛ مبارزات استقلال طلبانه و آزادی خواهانه مردم مصر، شبه‌قاره هند، الجزایر، فلسطین، مسلمانان سایر نقاط جهان و مردم تحت سلطهٔ افریقا نشاندهندهٔ توفیق او در این تألیف است.

۸- جمع بندی از گذشته و نقد آن

هیچ حرکت موفق‌تری در تاریخ بدون جمع بندی از گذشته و نقد آن و همچنین نقد خود به صفت فردی و گروهی، در عمل و اندیشه، بگونه‌ای بردوام و مستمر، امکان دستیابی به افقهای گسترده‌تر را در پیش روی نخواهد داشت. مجموعه‌ای که در اختیار دارید این ویژگی خط اصلاح طلب را نیز می‌نمایاند و راز حیات خط مذکور را علیرغم موانع بی‌شمار هویدا می‌سازد و همچنین نشان می‌دهد چگونه کوشش می‌شده است، حتی از تبعیدگاه، با اتخاذ مشی‌های نو و بکار بستن ابزارهای نوین و رهنمودهای صحیح موانع نظری و عملی جانبداران استقلال و آزادی از پیش پا برداشته شود و دستیابی به اهداف ملی تسهیل گردد. دلبستگان و پویندگان این خط نیز در صورت علاقه‌مندی به استمرار این طریق لاجرم بر چنین بستری باید گام بگذارند.

۹- اهداف، اصول‌گرایی، اخلاق، سرچشمه‌های اندیشه و عمل و تقوای مالی

خط اصلاح طلب؛ استقلال کشور، آزادی و پیشرفت و ترقی و توسعه کشور و همچنین تعالی فرهنگی و اخلاقی مردم آن را هدف خود شناخته و در تحقق بخشیدن به اهداف مذکور بردوام کوشیده است. از توجه به اصول غفلت نورزیده و از اعمال منافی آن احتراز جسته است و رعایت موازین اخلاقی را در عرصه عمل اجتماعی بر خود فرض دانسته و نمونه‌ای از وحدت در گفتار و کردار، در صحنه زندگانی و مبارزه از خود به یادگار گذاشته است. مصدق هنگامی که اظهار می‌دارد: «در تمامی دورهٔ زندگی مصلحت ایران را با هیچ چیز نتوانستم عوض کنم و هیچ عاملی نتوانسته است مرا از صراط مستقیم منحرف کند»، سخنی به گزاف نگفته است و کارنامه حیات پربار و شرافتمندانه‌اش مُصدقِ کلام و بیان او است.

میهن دوستی او بلاشروط و حقیقی و دایمی و از سرآگاهی و شناخت است نه مشروط و مجازی و فصلی و احساسی. در رهنمود و وصیتی که به نوهٔ خود دکتر محمود مصدق نموده است، چه زیبا و جوه فوق را بتصویر کشیده است: «... اگر بخواهی در ایران زندگی کنی هرچند وقت یک بار باید دیدنی از اهل وطن بکنی و به روحیه این مردم آشنا شوی و تحصیلاتی که کرده‌ای به نفع مردم به کاربری ... غیر از این نه دنیا داری و نه آخرت، چون که در سوئیس هم پیگانه‌ای» (از نامه مورخ دهم فروردین ۱۳۳۹). در ذیل نیز به ذکر دو نمونه از اصولی بودن او بسنده می‌کنیم.

الف: در دولت قوام السلطنه به تاریخ ۱۳۲۵، وقتی نخست وزیر وقت، عده‌ای از جمله

سیدضیاءالدین طباطبایی را بدون رعایت موازین قانونی بازداشت کرد، دکتر مصدق علیرغم اختلاف مشی و سیاست با سید ضیاء، در چارچوب دفاع از قانون و آزادی و اصول به مخالفت با دستگیری او پرداخته و نشان داد که در همه احوال و در همه جا و برای همه خواستار اجرای قانون و رعایت آزادی و دموکراسی است و تنها آن جا که حقوق او و دوستان و یارانش مورد تعرض قرار می‌گیرد بر نمی‌آشوبد، بلکه از حقوق قانونی دشمنان خود نیز دفاع می‌کند.

ب: در دوران نخست وزیری، بیش از دو بار طی اطلاعیه‌ای از نیروهای انتظامی و محاکم دادگستری خواست: «روزنامه‌ها را به مناسبت درج مطالب و حمله به شخص من تحت تعقیب قرار ندهید»، و بدینگونه نمونه‌ای از دفاع از آزادی مطبوعات قبل از رسیدن به قدرت و پس از استقرار در منصب نخست وزیری و برخورداری از حمایت اقشار آگاه و با فضیلت و مجذوبین نهضت ملی، از خود در خاطر شهروندان و حافظه تاریخ به یادگار گذاشت.

دکتر مصدق همیشه به ملازمه میان پابندی به اصول اخلاقی و استقلال و رشد و توسعه جوامع و آزادی مردم نظر داشته و بارها در شکایت از اوضاع اسفبار میهن و دلایل آن، به تنزل سطح اخلاقی مردم نسبت به گذشته اشاره و تصریح دارد.

خط اصلاح طلب در زمینه نظری و عملی از جمله وامدار معلمان تفکر مبتنی بر: «برهان، قرآن و عرفان» است. انوار ساطع از منشور چنین آموزه‌ای را، همانگونه که تفصیل اجمالی را که در فوق گذشت، می‌توان در لابلای این مجموعه جستجو کرد.

عدم ذکر طهارت و تقوای مالی دکتر مصدق و وزرای همفکر او - که پس از کودتای استعماری - ارتجاعی ۲۸ مرداد ۳۲ برغم جستجو و کوشش دستگاه کودتا متهم به دیناری تصرف و سوء استفاده در بیت‌المال نشدند و از خود اسوه‌ای از پاکی و تقوای مالی در تاریخ به ثبت رساندند - کفران نعمت و ناسپاسی در برابر ارزشهای متعالی و والای انسانی است. تقوای مالی نیز یکی دیگر از مشخصه‌های خط «اصلاح طلب» است.

از اطالۀ کلام احتراز جسته و علاقه‌مندان آشنایی بیشتر با مشخصه‌های خط «اصلاح طلب» را از جمله به مطالعه و تأمل در این مجموعه فرامی‌خوانیم.

چند تذکر:

الف - برای تسهیل کار علاقه‌مندان و پژوهشگران، افزون بر فهرست عناوین و اعلام، فهرستی موضوعی نیز استخراج و ضمیمه می‌باشد که با مراجعه به آن می‌توان از موضوعات و مباحث مطروحه در نامه‌ها آگاهی‌های افزونتری یافت.

ب - تدوین این مجموعه هرگز قرین توفیق نمی‌گشت اگر همدلی و همیاری و کمکهای بی‌شائبه عزیزان و سرورانی که از سر لطف و خدمت به فرهنگ این مرزوبوم، اسناد و مدارک خود را در اختیار نگارنده قرار دادند شامل احوالم نمی‌گشت. از فرد فرد آنان سپاسگزار و توفیق و سلامتی

آنان را آرزو دارم. در بخش منابع؛ مأخذ هر سند ذکر و در صورت دریافت از سروران فرهیخته، به نام آنان تصریح رفته است. از آقای سرهنگ کیومرث راستین که بزرگوارانه و باسعه صدر مجموعه اسناد خود را در اختیار راقم قراردادند و فراوان مصدق اوقات شریف ایشان شدم و همچنین از آقای دکتر محمود مصدق تشکر مخصوص دارم. از آقای حسین شاه حسینی که بدرخواست راقم ساعاتی از اوقات شریف خود را در اختیار این بنده قراردادند و برای ملاقات نگارنده و آقای سعید زنجانی، جهت تکمیل این مجموعه با مکتوبات مرحوم دکتر مصدق به مرحوم آیه الله سید رضا زنجانی از هیچ کوششی فروگذار نفرمودند، کمال سپاس و تشکر را دارم. برای آقای سعید زنجانی که پس از مدتها انتظار و چندین بار رفت و آمد و قولهای فراوان، در نهایت حتی عکس یکی از مکتوبات دکتر مصدق به مرحوم والد خود را در اختیار گردآورنده قرار ندادند، آرزوی سلامت و توفیق در چاپ اسناد مذکور - که نه میراث شخصی بلکه میراث ملی است - را دارم.

از هموطنان عزیز که نامه یا نامه‌هایی از رهبر نهضت ملی ایران در اختیار دارند، خواهشمندم در صورت تمایل عکسی از آن‌ها را در اختیار نگارنده قرار دهند تا در جلد دوم مورد استفاده قرار گیرد.

لازم به ذکر است نامه مورخ نیمه اول ۱۳۴۳ دکتر مصدق به مصطفی شجاعیان درباره اثر او: «جهاد امروز تزی برای تحرک» به دست نیامد. متن کامل نامه دکتر مصدق به فرزندش دکتر غلامحسین مصدق مورخ دی ۱۳۴۰ چون علی‌رغم جستجوی فراوان یافت نشد، به صورت موجود در مقدمه «خاطرات و تألمات» به قلم دکتر مصدق، در ذیل درج می‌گردد.^۱ جواب دکتر مصدق به تسلیت آقای ایرج افشار در فوت همسرش (مندرج در مجله راهنما کتاب آبان - اسفند ۱۳۵۷، سال ۲۱ ش ۸-۱۲)، نیز از قلم افتاده است. امیدوارم با یاری هموطنان این نواقص و کاستی‌های دیگر در جلد دوم جبران شود.

از دوست عزیز آقای محمود رضایی مدیر محترم نشر هزاران که زحمت انجام چاپ این مجموعه را عهده‌دار شدند و در تصحیح و مقابله بخشی از این کتاب راقم را یاری رساندند تشکر و از اینکه بدفعات مجبور به تکمیل مجموعه و تحمل زیانهای ناشی از تغییر و تبدیلهای و تأخیر در دریافت «مقدمه» گردیدند عذرخواهم.

از سرکار خانم عاصمه فندرسکی و سرکار خانم مریم سلیمی که متحمل زحمت استنساخ قسمتی از اسناد این مجموعه شدند و همچنین از سرکار خانم آریتا لقایی و سرکار خانم زهرا طلایی برای استخراج قسمتی از اعلام، سپاسگزارم و آرزوی توفیق آنان را دارم.

۱. دی ۱۳۴۰؛ فرزند عزیزم، دکتر غلامحسین مصدق. «... یک واحد از یادداشتهای خود را [= خاطرات] به شرح ذیل به شما می‌سپارم که در یکی از بانکهای سوئیس بگذارید تا چنانچه نسخه دیگر آن که جزو نوشته‌هایم است براسطه غارت یا حریق خانه در احمدآباد از بین برود و مواعی هم برای طبع نباشد... بطبع برسانید...».

در پایان بر راقم فرض است از همه کسانی که قبل از این بنده در راه گردآوری آثار رهبر نهضت ملی ایران کوشیده‌اند و حاصل زحمات‌های آنان در این مجموعه مورد استفاده قرار گرفته است، خصوصاً از دست اندرکاران «انتشارات مصدق» که در این راه جزو پیشگامان بوده‌اند و گام‌های گرانبغلی در این طریق برداشته‌اند تشکر و امتنان خود را ابراز دارد.

۱۹ آبان ۷۴ سالروز شهادت دکتر سید حسین فاطمی

محمد ترکمان

نامه دکتر مصدق به سالارالسلطان

پاریس ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۲۷

تصدقت شوم [۴] خیر الکلام قلّ و دلّ، اگر این بنده بخواهم بیشتر از چند دقیقه اوقات مبارک بندگان حضرت مستطاب عالی را صرف عزایض خود نمایم یقین است در حق دیگران ظلم شده این است که به اختصار کوشیده عرض می‌کنم مژده نیابت سلطنت بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم اقدس معظم روحانفاده و اضمحلال استبداد و استقرار بساط عدل و داد ما ایرانیان را بین ملل متمدنه دنیا نه چنان مفتخر و سربلند نموده که شرح آن را بتوانم به عرض برسانم. خدا گواه است از خوشحالی دو روز است که خواب ندارم و اوقات خود را به دعای وجود مسعود مقدسشان صرف نموده و از حضرت قادر متعال درخواست دارم که ما ایرانیان بر خلاف گذشته به طفیل آن موجود مبارک چندی هم شیرین‌کام باشیم و مخصوصاً استدعا دارم در موقعی که مقتضی دانند مراتب غلامی و چاکری فدوی را به عرض برسانند [۰]. مسلم است جناب دبیرالوزاره اگر عرضی راجع به فدوی در بعضی مواقع داشته باشند [۴]، حضرت مستطاب عالی با عالم مراجع چندین ساله از بذل مراجع کامله دریغ نفرموده و بنده را از الطاف خود محروم نخواهید فرمود. خدمات و فرمایشات را در چند وقت اقامت در پاریس با کمال افتخار حاضریم [۰].

بنده حقیقی (مصدق السلطنه)

[رقم روی پاکت :]

تهران

خدمت باشراف و جلالت بندگان حضرت مستطاب اجل امجد اکرم افخم عالی آقای سالارالسلطان روحی فداه مشرف شود.

[رقم مهر ظهر پاکت] مصدق السلطنه ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۲۷

ترجمه نامه دکتر مصدق به وثوق‌الدوله

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم عالی آقای وثوق‌الدوله وزیر مالیه دام اقباله العالی از قرار اخبار روزنامه‌ها همچو معلوم می‌شود که حضرت مستطاب‌عالی بعد از استعفای از وزارت عدلیه به وزارت جلیله منتخب شده‌اند و این مطلب زیاده از حد اسباب خوشنودی چاکر گردیده‌است. بواسطه اطلاعاتی که حضرت مستطاب‌عالی از قدیم به امور مالیه دارند و این موقع را مغتنم شمرده تبریکات صمیمانه خود را به حضور مبارک عرضه می‌دارد در ضمن یادآور خاطر مبارک می‌گردد در زمانی که ریاست کمیسیون مالیه در پارلمان قدیم با حضرت مستطاب اجل بود رقعہ [ای] در باب عایدی و قیمت قارپوزآباد به وزارت مالیه مرقوم فرموده بودند و تا کنون به هیچ وجه اثری نبخشیده‌است. این بنده همیشه منتظر مراحم حضرت مستطاب اجل عالی بوده و خواهد بود. خصوصاً امروز که در این وزارت خانه اقتدار کامل دارند. پس از حضور مبارک متمنی است که در باب این کار هرطور که رای مبارک اقتضا نماید اقدامی فرمائید که اسباب آسودگی خاطر چاکر گردد.

اخلاص شعار مصدق شاگرد مدرسه علمی حقوق در لیژ.

[رقم مهر در ظہیر نامه]

ورود به کابینه وزارت مالیه

به تاریخ ۱۱ شهر ذی‌حجه ۱۳۲۷

نمره ۵۰۳۱

نامه دکتر مصدق به روزنامه ایران

اداره محترم جریده فریده ایران

در جواب سؤال آقای اسمعیل آقای تهرانی مندرج در شماره (۴۵) جریده رعد اشعار می‌دارد: اینکه سؤال نموده‌است بر طبق کدام تصویب‌نامه هیئت دولت حکم توقیف حراج جواهری که ونی سف به قاچاق وارد نموده صادر گردیده است خاطر نشان می‌نماید که توقیف یک حراج مطلبی نیست که محتاج به تصویب‌نامه هیئت محترم وزراء عظام باشد و با اینکه وزارت جلیله امور خارجه تقاضا فرموده بودند که از وزارت مالیه حکمی در توقیف حراج صادر شود به ملاحظه اینکه مسیو هسنس رئیس اداره گمرکات تصور می‌نموده که صاحبان جواهر بالاخره مقصودشان این است که هشت هزار تومان را که از آنها تقاضا شده نرسانیده و حقوق دولت را پایمال نمایند و مسئولیت حراج اشیا را به عهده خود گرفت از صدور حکم توقیف حراج صرف نظر نموده و به موجب حکم نمره ۳۳۶۴۹ ایشان را مخیر نمود که به مسئولیت خود هر

اقدامی که مقتضی است در نفع دولت بنمایند بعد از این مقدمه مقارن ساعتی که شروع حراج می‌شد ونی سف و هووودویل صاحبان جواهر به منزل شخصی بنده آمده اظهار نمودند که حواله توسط وزارت امور خارجه از این بابت به قفقاز داده‌اند در این صورت لازم است که جواهراتی که مدعی بودند ۲۵ هزار تومان ارزش دارد حراج نشده تا وجه از قفقاز برسد بنده هم نظر به اینکه شاید حواله مزبوره لاوصول باشد قبول ننموده بعد آنها با کمال عجز و الحاح تقاضا نمودند که [از] قفقاز بخواهند و اگر نرسید بعد از چهار روز حراج شود. بنده باز نظر به اینکه مسیو هسنس مسئولیت این کار را شخصاً به عهده گرفته به هیچ وجه حکمی صادر ننموده فقط اظهار آنها را در روی کاغذ بدون مارک به خط فرانسه نوشته توسط خودشان به عنوان مسیو هسنس ارسال نمود که ستاره ایران راجع به اینکه بنده به مسیو هسنس نوشته‌ام که حراج را توقیف نمایند و نیز مراسله‌ای که حراج در تحت نظر او می‌شود بدهند قویاً تکذیب می‌نمایند.

مصدق السلطنه

۴

نامه دکتر مصدق به وزارت داخله

به تاریخ ۲۹ برج دلو ۱۳۳۴

نشان شیر و خورشید و تاج

وزارت مالیه

اداره کابینه

دایره ...

نمره ۳۷۲۴۳

وزارت جلیله داخله

سابقاً رئیس گمرک انزلی راپورت داده بود که نظامیان روس موقع مراجعت مقادیر کثیره توتون و غیره با خودشان به روسیه حمل و از تأدیه حقوق گمرکی استنکاف می‌نمایند. مراتب از وزارت مالیه به وزارت خارجه اشعار و تقاضا که با مقامات مربوطه در رفع این ترتیبات مذاکره و قرار لازم بدهند. از آن وزارت خانه هم اقدامات به عمل آمده ولی منتج نتیجه نشده‌است اخیراً از رئیس گمرک در این باب راپورتی رسیده است که جالب توجه و سواد آن را عیناً ایفاد می‌دارد. متمنی است به جمله اخیر آن دقیقاً توجه فرموده به نایب‌الحکومه انزلی و رئیس نظمیة آنجا حکم مؤکدی صادر فرمایند که بر خلاف منافع دولت اقدامی نکرده و با گمرک انزلی در اجراء قوانین مقررۀ گمرکی آنچه لازمه مساعدت است به عمل آورند. از وزارت خارجه هم به کارگزار انزلی تعلیمات لازمه داده خواهد شد.

از طرف وزیر [:] مصدق

[رقم مهر] وزارت مالیه

[در حاشیه]

اداره شمال

۹ جمادی الاولی

نامه دکتر مصدق به دکتر محمود افشار

اوشی [سونیس] ۲۳ دسامبر ۱۹۱۹ دوم [دی ماه ۱۲۹۸]

هموطن عزیزم آقای افشار،

به ملاحظه صرف جای در خدمت جنابعالی قدری از اوقات مخلص که باید صرف خواب شود و به مطالعه مذاکراتی که شده بود مشغول گردید. تصور نمی‌کنم که ایراد سرکار به [Délégation هیئت نمایندگی] ایران در خصوص Préliminaires [مقدمات] وارد باشد. با اینکه در این ایام اخلاص‌مند قدری تارک هستم معذک یک مقدمه را عرض می‌کنم که از نتیجه آن مطلب فوق بر جنابعالی مدلل گردد.

قاعده اعمال حقوقیه Actes Juridiques بر دو قسمند: اعمال مقدماتی و اعمال نهایی. در حقوق جزایی این مطلب خوب ثابت می‌شود. فرض کنیم زید می‌خواهد عمر و را مسموم سازد. یک عملیات مقدماتی و یک عملیات نهایی را باید مرتکب گردد: عملیات مقدماتی خریداری دواى سم و غیره و غیره و عملیات نهایی خورائیدن سم. عملیات اولیه را که به فرانسه Actes Préparatoires گویند فی حد ذاته مورد مجازات نیست. فرض کنیم زید دوا را خریده تمام عملیات را تا به جایی که موقع خورائیدن سم رسید مرتکب شده بعد پشیمان گردید. بعد از این [Desistement انصراف] ایرادی بر او وارد نیست. پس چیست که او را مسئول می‌دارد؟ اعمال نهایی است که به فرانسه Acte Final و به فارسی هم ما «علت غائی» می‌گوییم. بعد از آن که علت غائی وارد شد، اعمال مقدماتی هم مورد مجازات است. به عبارت آخری اعمال نهایی بدون اعمال مقدماتی ممکن است و اعمال مقدماتی وقتی مؤثر و مورد مجازات است که علت غائی وارد شده باشد.

بنا بر مقدمات فوق Conference des Préliminaires de Paris [کنفرانس مقدماتی پاریس] تا یک درجه صحیح است (توضیح تا یک درجه را بعد عرض می‌کنم) زیرا از دول معظمه (از پنج دولت) هریک دو نماینده کنفرانس را تشکیل دادند که در آنجا مقدمات صلح را حاضر نمایند. البته این مقدمات بدون یک علت غائی Acte Final مؤثر نمی‌بود. Acte Final هم در روزی که نمایندگان تمام دول متخاصم در [Versailles ورسای] حاضر شده عهدنامه را امضا کردند واقع گردید. پس بنابراین درخواست نمایندگان ایران به کنفرانس صلح تقدیم نشده بلکه به Conference des Préliminaires de Paris داده شده است.

اما اینکه عرض شد تا یک درجه صحیح است این است که Acte Final باید به طوری که صفت Final آن را ممتاز می‌نماید غائی باشد و مؤثر. بعد از این مرحله دیگر مراحلی برای پیمودن در پیش نباشد. به این مرحله که رسیدند دیگر مستغنی از مراحل مقدماتی باشند (خدی

الغایات و اترک المبادی) ولی ما می‌بینیم که بعد از این مرحله مراحل یا مرحله دیگر هست. نظر به اینکه در هر مملکتی دو مجلس باید این مقدمات را تصدیق نمایند یا یک مجلس و تا این تصدیق نشود این عملیات مقدماتی هیچ‌یک مؤثر نیست.

از نقطه نظر پراتیک و مشهور امروزه مؤلفین به‌طوری که D. Bonfils [بن فیس] می‌گوید امضاء معاهده توسط نمایندگان سیاسی علت غائی است یعنی می‌گویند صلح به سبب فلان کنفرانس برقرار و کنفرانس قبل از چنین کنفرانسی (مثلاً همین کنفرانس ده‌نفری پاریس که زمینه صلح را تهیه کردند) Préliminaires صلح را تهیه می‌نمایند.

ولی از نقطه نظر اثر و نتیجه به‌طوری که دیشب عرض کردم علت غائی در Ratification [تصویب] مجلس یا مجلسین می‌باشد. تا او نباشد تمام عملیات مقدماتی بی‌نتیجه است. در این صورت کنفرانسی هم که از نمایندگان عهدنامه را امضا نموده‌اند در حقیقت ولو اینکه مشهود این‌طور نیست. در حکم کنفرانسی است که مقدمات صلح را تهیه می‌نماید. [Brochure بروشور] پاریس را که عرض شد می‌فرستم در اینجا نبود. اگر در نوشتاتل باشد با تز، بندگی خواهد شد. دیگر عرضی ندارد.

مصدق

۶

ترجمه تلگراف دکتر مصدق از نوشتاتل در جواب تلگراف مشیرالدوله

۱۴ مه ۱۹۲۰ از نوشتاتل

جناب رئیس الوزراء تهران

انتخاب توسط عالی جناب مرا بیشتر مسرور می‌سازد. خودم حرکت می‌کنم، راه قفقاز مسدود است، توسط اولین کشتی عزیمت می‌کنم، در صورت داشتن ماشین از راه بغداد بزودی خواهم رسید.

مصدق

۷

نامه دکتر مصدق به برادرش

۲۰ دوماه ژوئیه ۱۹۲۰

قربان برادر عزیزم [!] شرح حال بنده عرض نکردنی است [۰]. ملاحظه فرمائید که از زمان حرکت از باطوم به تفلیس، احمد و اشرف هر دو در ترن تب کردند احمد مبتلا به نوبه بعد از سه روز تب او قطع شد ولی تب اشرف محرقه بود که تیفوئید می‌گویند همان مرضی که خانم اختر الملوک دو سال قبل مبتلا شدند حال ملاحظه فرمایید که در تفلیس بواسطه نبودن مکان صحیح و پیدانشدن دوا و هوای گرم و نبودن طبیب خوب و بی‌کسی بر بنده شب و روز چه گذشته [۰].

یک ماه مشغول پرستاری و شب و روز مرگ خود را از خداوند درخواست می‌نمود دیگر چون عمر به پایان نرسیده دعای شده به اجابت مقرون نگردید [۰]. اما در باب مسافرت حتی در باطوم مطلب درست معلوم نبود می‌گفتند که آقای ساعدالوزاره و بعضی از اعضای میسیون سیدضیاءالدین که در تفلیس نبودند با آقای سردار فاخر در موقعی که جنگ بین دولت گرجستان و آذربایجان وقوع داشت به طرف بادکوبه رفته‌اند من هم به ملاحظه اینکه شاید بتوانیم برویم از باطوم حرکت کردم و در آنجا به مرض محرقه اشرف مبتلا شد آقای ساعدالوزاره و سایرین ۱۹ روزه خود را به بادکوبه رسانیده‌اند به واسطه انقلاب و دعوی بین بالشویکها و اهالی گنجه ۹ روز در سرحد گرجستان و آذربایجان در یک دخمه منزل کردند بالاخره گنجه بکلی منهدم و ۱۱ هزار نفر مقتول و دواکه تمام شد حرکت کردم بعد از ورود به بادکوبه هم آقایانی که می‌بایست ایران بروند قریب ۲۵ روز در بادکوبه منتظر اجازه رفتن ایران شدند. به عمله و اشخاص غیرمعروف کسی کار ندارد ولی اشخاص معروف یا باید خیلی تأمل نمایند یا اینکه اصلاً نمی‌توانند بروند مثلاً سلیم خان خواجه و مسیو هارد در بادکوبه حبس هستند که قونسول نتوانست آنها را خلاص کند آتهائی که رفتند معلوم نیست چگونه به انزلی رسیدند و بعد انزلی می‌توانند وارد شوند یا نه بالاخره اگر انزلی وارد شدند از پل منجیل دیگران می‌گذارند تهران بروند یا باید مراجعت نمایند [۰].

خلاصه اشکالات بادکوبه یک طرف خرابی پل رود کورا که در موقع جنگ خراب شده و معلوم نیست چه وقت ساخته خواهد شد و باید مسافرت زیاد از راه را پیاده بروند و با حال اشرف خیلی منافات داشت و نیز حمله که احتمال داشت باطوم دچار شود و در این صورت روابط تفلیس با تمام دنیا مقطوع می‌شود بنده را وادار کرد که دیگر نمانده همانقدر که اشرف نتوانست حرکت کند به باطوم آمده خود را در این روز به رم برساند [۰]. دو روز دیگر هم اگر خدا بخواهد نوشتاتل خواهیم بود. اما از آقای وکیل‌الملک عرض کنم که ایشان به چه زحمتی گرفتار شده‌اند اولاً خودشان در باطوم نبودند که آقا جان در تفلیس مرحوم شد دیگر با آن حال و زحمتی که برای بنده بود یک روز تمام بر حسب وظیفه در منزل ایشان حاضر شده و تا قبرستان تشییع جنازه نموده فردای آن روز آقای وکیل‌الملک از باطوم وارد شدند [۰].

عیال آقای وکیل‌الملک به مرض سل در استخوان مبتلا و خیلی حالش بد است پیروز هم در حال احتضار بود که آقای وکیل‌الملک در تفلیس ماندند که کار او تمام شود خانم را بردارند و به باطوم بروند هوای آنجا هم مسلماً خیلی بد است ولی دیگر چاره ندارند [۰]. این‌ها شرح وقایع این مدت است که از عرض راه مکتوبات مفصل نوشته چون می‌شود نرسیده باشد بطور خلاصه در آنجا تجدید می‌شود [۰].

دو روز دیگر بنده اشرف و احمد را از نوشتاتل می‌رسانم [۰]. حال اشرف حالا بد نیست ولی مسلماً در این گرما نمی‌شود مسافرت کرد خودم از این جهت افسرده شدم و حقیقتاً حیران و

سرگردان هستم که به چه وسیله می‌توان خود را به ایران رسانید و فکری برای زندگی آتیه کرد [۰]. به نظر شما چه می‌رسد چه باید کرد خیلی مایلم که شما را ملاقات کرده قراری در باب زندگی بعد با هم بدهیم. آمدن پاریس برای من خیلی آسان است اگر صلاح می‌دانید خودم پاریس خواهم آمد [۰]. چون اگر امروز فکر زندگی بعد نباشیم حال آتیه مملکت ما معلوم نیست و یک وقت در آنجا برای یک دینار معطل خواهیم بود کمالینکه الآن بنده دیناری ندارم اگر شد از مسیو برنو قرض می‌کنم تا پول از ایران برسد والا از شما تلگرافاً خواهم خواست [۰]. هرچه زودتر نظریات خود را به آدرس مسیو برنو بنویسید و بفرستید که اگر باید به طرف پاریس حرکت کنم زودتر آمده تبادل افکار بشود. دیگر بیش از این عرضی نمی‌کنم و شما را از حال خود آزرده نمی‌نمایم [۰]. پاکتهای جوف را خواهشمندم بطور سفارشی به آدرس حضرت آقای نظام‌السلطنه ارسال فرمائید [۰]. زیاده قربانت [امضاء] مصدق [مجدداً] خواهش دارم مرقوم دارید از هموطنان کی‌ها در پاریس هستند [۰]. مقصود این است که اطمینان از وصول داشته باشید.

۸

تلگراف دکتر مصدق به مشیرالدوله

... اداره پلیس جنوب که از قرار مذکور سه هزار نفر است کتباً و شفاهاً با ایالت رجوعاتی داشته و دارند و در مواقع رسمی و اعیاد هم حاضر می‌شدند. مستدعی است تکلیف معین فرمائید که روابط آنها از چه قرار باید باشد. [نمره] ۱۹ / ۲۶۳۰ / میزان [۱۲۹۹]

۹

تلگراف دکتر مصدق به سردار منصور سپهدار اعظم

توسط جناب متین‌الدوله [۴]
مقام منیع بندگان حضرت اشرف اعظم آقای رئیس‌الوزراء دامت عظمته
اوضاع کنونی فارس طوری است که امروز ما باید از هر وزارت‌خانه مأموری که فرستاده می‌شود مطلع و صحیح‌العمل و متدین باشد. در کابینه قبلی قرار بود یک نفر رئیس قشون که حقیقتاً بیش از حقوقی که دولت می‌دهد انتظار نداشته باشد از وزارت جلیله جنگ با موافقت نظر بنده بفرستند تاکنون اقدامی نشده، بیم آن است که این چند نفر سرباز بدون تفنگ و فشنگ هم مطلقاً ضایع و بی‌مصرف گردند. برای معاونت اداره مالیه هم چند نفر را نسبتاً بهتر از بعضی

اعضاء مرکزی می‌باشند به آن وزارت جلیله عرض نموده است که هریک از آنها را که مقتضی است هرچه زودتر روانه نمایند [۴] از این بابت نتیجه بدست نیامده [۰] بنده در اینجا یک فرد واحد و هرگاه در این مسایل جزئیة هم اقدام سریعی نشود چگونه می‌تواند مسئولیتی را که در پیشگاه اولیاء دولت متعهد است ایفاء نماید [۰] چون مقرر فرمودند که هرگونه مستدعیاتی است از بندگان حضرت اشرف عالی درخواست کنند این است که در این دو استدعای مختصر [۴]، خاطر مبارک را جلب و امیدوار است به زودی نتیجه مطلوبه را بدست آرد [۰] خدا گواه است بنده هیچ مقصود و منظوری ندارم غیر از خدمت و باز استدعا می‌نماید که توجه مخصوص در مأمورین این ایالت بفرمائید زیرا که مأمور بی‌اطلاع و بدسابقه بهتر است که فرستاده نشود [۰]

مصدق السلطنه

نمره ۲۰۵۲ [۴] ۲۳ قوس [۴]

[رقم مهر] تلگرافخانه مبارکه تهران [۰]

۱۰

تلگراف دکتر مصدق به رئیس الوزراء توسط متین الدوله

نشانی شیر و خورشید و تاج
اداره تلگرافی دولت علیه ایران
نمره کتاب
از شیراز نمره فیض ۱۸۱۹ عدد کلمات تاریخ اصل توضیحات تاریخ وصول اسم گیرنده
به ط نمره تلگراف ۴۸ ۱۵ دولتی/۱۹۴ ۱۶ دلو
سته ۱۳۰

توسط جناب متین الدوله [۰] مقام منبع بندگان حضرت اشرف اعظم ریاست وزرای عظام دامت عظمت از آنچه معلوم است بواسطه عدم تصویب حقوق، قشون جنوب در آخر مارس که ده روز از عید می‌گذرد منحل خواهد بود و بواسطه نبودن قوه دولتی در فارس یک جمعیت سه هزار و پانصد نفر که بیکار شدند اوضاع این مملکت را بهم خواهند زد تا این خبر منتشر نشده و سبب ناامنی نگردیده است به وسیله سریعی از وقایع غیرمنتظره باید جلوگیری نمود هرگاه حضرت اشرف از این مطلب مطلع و دستوری می‌فرمایند مستدعی است بدون تأخیر نظریات مبارک را تلگراف فرمایند که بنده به موقع اجرا گذارده از حالا اقداماتی که برای جلوگیری از اغتشاش لازم است شروع شود و اگر در این خصوص تاکنون نظراتی نشده به بنده اجازه فرمایند بدون اینکه برای دولت دیناری خرج تولید شود از تاریخ وصول تلگراف مبارک آنچه را که برای حفظ امنیت صلاح می‌داند بنماید تا بعد مشکلات تولید نگردد هرچه زودتر جواب صادر شود اقدامات بنده مفیدتر خواهد بود. نمره ۳۷-۱۴ دلو ۱۲۹۹

مصدق

[رقم مهر] تلگرافخانه مبارکه تهران

[در حاشیه صفحه اول تلگراف]

نمره ۱۳۴۱
۹۹ / دلو ۱۸

تلگراف دکتر مصدق به رئیس الوزراء

نشان شیر و خورشید و تاج
 اداره تلگرافی دولت علیه ایران
 شماره کتاب ۵۴۹
 از شیراز شماره قبض ۱۸۳۲
 به ط شماره تلگراف ۵۶
 ۵۲۲
 ۱۶ دولتی فوری ۱۷ دلو
 ۱۳۰ سنه
 اسم گیرنده
 ؟

توسط جناب آقای متین الدوله [.] مقام منبع بندگان حضرت اشرف اعظم ریاست وزراء عظام دامت عظمته نمرات ۱۳۱۲ و ۱۳۱۸ و ۱۳۲۴ زیارت [.] در جواب به عرض می‌رساند: [.] بنده هیچ وقت از حضرت اشرف گله‌مند نبوده در تلگرافات خود هم غیر از تشکر و استدعای تکرار مساعدت عرض دیگری ننموده [و] بعد از وصول نمره ۱۳۲۴ که مرقوم شد سفارت انگلیس از انتخاب آصف‌الملک و غضنفرالسلطنه ناراضی و اعتراض دارند بلافاصله به کازرون تلگراف نمود که از آنجا حرکت ننماید تا مراتب به عرض رسید هر قسم دستور فرمایند اقدام شود [.] الان تلگراف آصف‌الملک از کازرون رسید که غضنفرالسلطنه با عده همراهان حکومت قبل از وصول تلگراف رفته‌اند [.] در ثانی تلگراف نمودم اگر ممکن است آصف‌الملک در کازرون بماند چنانچه قبل از وصول تلگراف بنده آصف‌الملک هم به ملاحظه همراهانی که رفته بودند حرکت کرده باشد احضارشان سهل است [.] در این باب استدعا دارم هرچه زودتر تکلیف را معلوم فرمایند [.] سالار نصرت حاکم سابق مالیات آنجا را حاضر نشد بیش از ۲۳ هزار تومان تقبل کنند آن هم با دادن یک قوه که از عهده دولت خارج بود [.] آصف‌الملک تمام مالیات جزء جمعی را تعهد نموده است به اضافه غضنفرالسلطنه و نورمحمدخان هم ۲۱ هزار و ۹۰۰ تومان پول که تاکنون مردم می‌بردند تعهد نمودند به دولت بپردازند [.] این عملیات با صرفه دولت موافق بود حال هر قسم صلاح مملکت را بدانند امر فرمایند بموقع اجرا گذارد و اینکه مرقوم فرموده‌اند بنده مظهر نفوذ و قدرت دولت هستم و در این صورت نباید در وصول مالیات دولت خودداری شود [!؛] خجالت دارم عرض کنم قدرت بنده در این نقطه یک عده مختصر سرباز بدون تفنگ و فشنگ است با این حال چه در وصول مالیات و چه در کسر خرج آنچه توانسته نموده‌است ولی متأسفانه اقدامات بنده در کسر مخارج چون از اواخر سال شروع شد مالیه را کاملاً از یک صد و ۴۰ هزار تومان که سال قبل کمک رسیده مستغنی نمی‌نماید [.] در موضوع تفاوت عمل ابواب جمعی آقای قوام‌الملک هم ایشان مطالبی اظهار نموده‌اند که با پست ارسال و از نظر مبارک می‌گذرد تا به مواد معروضه ایشان جوابی داده نشود نمی‌توانم با مردم سختی نمایم بالفرض هم که بخواهم این قوه در بنده فاقد است [.] دولت با رعایای خود هر معامله [ای] که بفرمایند مختارند و این هم که مرقوم شده قنسول انگلیس را دخالت داده و مساعد نموده‌است که به سفارت تلگراف نماید بکلی تکذیب می‌نمایم هیچ شهادی در امور

بهتر از همین اعتداری که در باب تعیین آصف‌الملک می‌نمایند ندارم.] بنده هیچ اشتیاقی برای این خدمت نداشتم به حکم تقدیر پیش آمد و ناچار برای خدمت خود را حاضر نمود تا این تاریخ هم از وظیفه دولتخواهی و وطن پرستی قصور نشده تا وقت نگذشته ناچارم عرض کنم: [برای ناراحتی زندگی]، [خانواده بنده چهار روز است از تهران حرکت کرده‌اند هرگاه خاطر حضرت اشرف از خدماتم ناراضی است فوراً تلگراف فرمایند تا آنها را در هرجا که هستند متوقف نمایم.

مصدق

نمره ۳۸ ۱۶ دلو ۱۲۹۹

رقم مهر [تلگرافخانه مبارکه تهران]

[در حاشیه صفحه اول تلگراف] نمره ۱۳۴۱
۱۸ دلو / ۹۹

۱۲

تلگراف دکتر مصدق در جواب دستخط تلگرافی احمدشاه مبنی بر انتصاب سید ضیاءالدین طباطبائی به ریاست وزراء

ششم حوت ۱۲۹۹

از شیراز به تهران

دستخط جهان مطاع تلگرافی بوسیله تلگرافخانه مرکزی زیارت شد. در مقام دولتخواهی آنچه می‌داند به عرض خاکپای مبارک می‌رساند که این تلگراف اگر در فارس انتشار یابد باعث بسی اغتشاش و انقلاب خواهد شد و اصلاح آن مشکل خواهد بود، چاکر نخواست در دولتخواهی موجب این انقلاب شود و تا کنون آن را مکتوم داشته، هرگاه تلگراف مزبور بر حسب امر ملوکانه و انتشارش لازم است امر جهان مطاع مبارک صادر شود که تلگرافخانه انتشار دهد.

والی فارس دکتر محمد مصدق

۱۳

تلگراف دکتر مصدق به احمدشاه

نظر بآثار پیش آمدهای محتمل الوقوع و کسالت مزاجی که بفتناً عارض شده و چاکر را از تحمل زحمت فوق‌العاده و مقاومت ممنوع می‌نماید تا ورود آقای قوام‌الملک از ابوابجمعی خودشان بهر زحمتی باشد حوزه‌ی ایالتی را مراقبت می‌نماید و بعد از ورود ایشان امر مبارک خواهد بود. ۱۶ حوت ۱۲۹۹

دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق به صولةالدوله قشقائی

(روی کاغذ ایالت فارس)

۲۳ برج حوت پیچی نیل ۱۲۹۹

فدایت شوم، مراسله شریفه عز وصول داده از سلامت مزاج محترم بینهایت خوشوقت گردیده و از اینکه امور آن صفحات در نهایت نظم و امنیت است امتنان خود را عرض می‌نماید و از خداوند خواهان است که این مقدماتی که پیش آمده از فارس مرتفع نگردد.

البته جناب آقای میرزا عبدالله خان وقایع این چند روز را عرض کرده‌اند. خلاصه آن این است که از بدو تشکیل این کابینه که مخبر روتر اعضاء آن و اشخاصی که با آنها موافقت دارند یاغیان قلمداد کرده این جانب مطلقاً با مرکز مخابره تلگرافی و مکاتبه ننموده اعمال این هیئت و نیات آن را برخلاف مصالح مملکت می‌دانم و تاکنون هم چند تلگراف از پاره اشخاص که فعلاً معرفی آنها را لازم نمی‌دانند رسیده برای اینکه این جانب تلگراف تبریکی به آقاسیدضیاءالدین که خود را امروز به جای رئیس‌الوزراء رئیس دولت می‌نامد مخابره نماید مطلقاً خودداری کرده‌ام. این مطالب را فقط لازم دانست که برای اطلاع جناب مستطاب عالی زحمت بدهم. مقصود این نیست که جناب مستطاب عالی هم همان مشی این جانب را اتخاذ فرمائید. البته هرکس برای حفظ مملکت و وطن خود دلائلی دارد که اقدامات خود را باید روی دلائل خود قائم نماید.

فقط یک تلگرافی به خاکپای مبارک همایونی بلافاصله بعد از وصول تلگراف ملوکانه راجع به ریاست وزراء آقای سیدضیاءالدین عرض نموده و خطرات این مطلب را برای حالت کنونی تشریح کرده و بعد یک تلگراف تهدیدی از طرف آقای سیدضیاءالدین رسید که آن تلگراف را بلاجواب گذارده و باز عریضه تلگرافی به خاکپای مبارک عرض نمود که هر دو تلگراف از مقام ملوکانه بلاجواب مانده‌است.

دیگر از اوضاع مرکز اخبار صحیحی نمی‌رسد و مخابرات تلگرافی در مطالب سیاسی مطلقاً ممنوع است و برای اینکه اگر بعد مطالبی روی دهد از رأی و عقیده جنابعالی محروم نباشیم و بساط امنیتی که امروز هست فوق‌العاده متزلزل و در اطراف شهر شروع به ناامنی شده‌است لازم است هرچه زودتر جناب مستطاب عالی خود را به فیروزآباد یا نقطه دیگری که به شهر نزدیکتر باشد برسانید.

در باب انتخابات هم امیدوارم انشاءالله بزودی خاتمه یابد و مطابق قانون یک نفر وکیلی انتخاب شود که بتواند به این مملکت در آتیه خدمت نماید.

چون قاصد در شرف حرکت است جواب مطالب جناب اجل آقای ایلخانی دام اقباله را توسط قاصد دیگر خواهم فرستاد. زیاده سلامتی وجود محترم را طالبم.

مصدق

۱۵

تلگراف دکتر مصدق به احمدشاه پس از مخالفت با دولت کودتا

اطلاعات	تاریخ اصل ۳ [حمل]	نشانی شیروخورشید و تاج	عدد کلمات ۵۴	نمره ۸۰۰ ۲۲
---------	----------------------	------------------------	-----------------	----------------

خاکپای جواهرآسای اعلیحضرت اقدس شهریاری ارواحنا فدا! دستخط تلگرافی راجع به احضار چاکر یک ساعت از ظهر گذشته دوم حمل زیارت شده تهیه خود را دیده هرچه زودتر حرکت خواهم نمود. سواد دستخط تلگرافی را هم برای آقای قوام‌الملک که در فسا هستند می‌فرستد.

چاکر مصدق‌السلطنه

[رقم مهر]

ورود به کابینه ریاست وزراء

تاریخ ۱۸ حمل ۱۳۰۰

نمره ۸۴۸

۱۶

نامه دکتر مصدق به صولةالدوله قشقائی

شیراز ۱۶ حمل ۱۳۰۰ شمسی

فدایت شوم، چند ساعتی بیش نمانده است که از شیراز حرکت نمایم. خدا گواه است از این پیشامدی که دست داد و در این مختصر توقف روابطی که بین اخلاصمند و آقایان محترم هموطنان عزیزم حاصل شد فوق‌العاده متأثرم می‌دارد که بواسطه قضایای وارده نتوانست خدمت خود را در این نقطه از وطن عزیز ادامه دهد، باری:

فرضا دگر نشود گزر هزار ناله و آه به شکر یا به شکایت درآید از دهنی

فرشته‌ای که وکیل است بر خزانه باد چه غم خورد که بمیرد چراغ پیره‌زنی

البته واضح است که سیاست فارس تابع سیاست ایران و سیاست ایران مطیع سیاست یک جماعتی از اهل دنیا است. ولی سیاست ارادتمند مطیع وجدان خودم است.

حقیقه اگر ممکن بود که تن به قضا بدهم برای خدمت با کمال افتخار حاضر می‌شدم. ولی افسوس که پیش‌بینیهای بنده مانع شد از اینکه خود را مطیع احکام مرکز نمایم. این بود که استعفا داده و پس از قبول برحسب امر ملوکانه خود را عازم حرکت نموده می‌خواست که بواسطه عدم اطمینان از وضعیات و رفتار مرکز نسبت به شخص خود خانواده را در شیراز گذارده خود چندی در بوشهر و نقطه دیگری بماند تا سیاست مرکزی کاملاً روشن گردد. بعد به طرف تهران حرکت کند. افسوس که خانواده حاضر نشد که تنها در شیراز بماند و حرکت دادن آنها هم به طرف نقطه

دیگری غیر از تهران از استطاعت مخلص خارج بود. این است که فردای ۱۷ حمل همگی به طرف تهران حرکت و به خواست و رضای الهی شاکر و خوشوقت خواهیم بود. دیگر به این مختصر با حضرتعالی وداع می‌کنم و چون تا مدتی نمی‌خواهم با این قسمت از مملکت مکاتبه کنم بطور غیرمستقیم از مجاری حالات و سلامت وجود محترم استفسار خواهم نمود و از خداوند بقای جنابعالی را خواهانم. زیاده تصدیع نمی‌دهم.

مصدق

۱۷

نامه دکتر مصدق به صولة الدوله قشقائی

۲۱ سوال ۱۳۴۱

فدایت شوم امیدوارم ان‌شاءالله تعالی وجود محترم را کسالت و ملالی نباشد. هرچند که مستقیماً چندی است از اخبار حضرتعالی بی‌اطلاعم ولی بطور غیرمستقیم همچو نیست که در این باب لاقید بوده و کسب اطلاع نکرده‌باشم و همینقدر که از سلامت وجود عالی مطلع شده و اینکه امور از این جهت مطابق دلخواه و انتظار دوستان است کمال خوشوقتی و امتنان را داشته و خواهانم که ان‌شاءالله همیشه به همینطور بگذرد.

حالت مخلص هم بحمدالله بد نیست و عمری بدون نتیجه در این مملکت می‌گذرد. واقعاً در این وقت که هموطنان عزیزم بواسطه مرخصی عازم تهران هستند لازم می‌دانم که این مختصر را عرض و خاطر جنابعالی را از حسن رفتار و حسن سلوک آنها در مدت اقامت در تهران مستحضر نمایم.

از روی حقیقت هیچ‌یک از دستجاتی که از خارج به مرکز آمدند مثل این اشخاص رفتار نکردند و سلوک آنها طوری خواطر را جلب نموده که هیچ انتظار نداشتند از اشخاصی که تاکنون به مرکز نیامده این حسن رفتار جاری گردد. در این صورت استحقاق هر قسم توجهی از طرف حضرت عالی دارند و امیدوارم که آنها را مورد الطاف خود قرار داده و طوری تقدیر فرمایید باعث تشویق سایرین گردد.

مصدق

همواره بشارت سلامت حضرت عالی را انتظار دارم.

۱۸

جواب دکتر مصدق به نامه رئیس مجلس شورای ملی

تهران ۱۲ اسد ۱۳۰۰

قربانت شوم [؟] حضرت آقای پرنس ارفع الدوله در تاریخ دهم ژوئن شرحی به بنده مرقوم و ضمناً تقاضا فرموده‌اند که به عرض مبارک برسانم که مجمع اتفاق ملل ۱۳۳۷۶ فرانک سوئیس

بابت سال قبل و ۱۲۵۰۰۰ فرانک هم بابت هذه السنه از سهم دولت ایران طلب دارد که غالباً مدیریت کل درصدد مطالبه برآمده و حضرت معظم‌له هم هر قدر تلگراف به تهران نموده‌اند تا زمان ارسال مرقومه ایشان منتج به نتیجه نشده‌است و مخصوصاً استدعا نموده‌اند که حضرت اشرف بندگان آقای مشیرالدوله و حضرت اشرف عالی در صورت امکان توجیهی فرمایند که بیش از این در انظار خارجه حضرت معظم‌له خجل و شرمنده نباشند این است که خاطر مبارک را از استدعای ایشان مستحضر می‌دارد که اگر پیشرفت داشته باشد بذل مرحمتی فرمایند دیگر موقوف به رأی و اراده عالیه هست [.]

۱۹

نامه دکتر مصدق به قوام‌السلطنه [رئیس‌الوزراء]

به تاریخ ۳۰ برج میزان ۱۳۴۰
ضمیمه

نشان شیر و خورشید و تاج
وزارت مالیه
اداره ...
دائرة ...
نمره ...

خصوصی است

قربانت شوم [!]: جناب مستطاب آقای حاج ظهیرالاسلام شرحی راجع به پانصد تومان طلب خودشان از حضرت اشرف والا شاهزاده امیراعظم حکمران استرآباد که به نیابت ترک دعوای آب منزلمان دارند به بنده مرقوم داشته‌اند خواهشمندم تلگرافی از طرف بندگان حضرت اشرف اعظم آقای رئیس‌الوزراء دامت شوکت به حضرت والا شاهزاده امیراعظم صادر فرمائید که طلب مزبور را زودتر تلگرافاً برات نمایند بدیهی است بذل این لطف اسباب مزید امتنان بنده هم خواهد بود.
[در ذیل نامه آمده‌است] تلگراف صادره با جوابش به آقای مصدق‌السلطنه داده شده‌است
دکتر محمد مصدق

۲۰

کشف تلگراف رمز دکتر مصدق به وزارت داخله

نشان شیر و خورشید و تاج
وزارت داخله
سواد استخراج تلگراف آذربایجان
مورخه ۱۸ شعبان ۴۰
نمره

مقام منبع وزارت جلیله داخله

نمره (۵۳) عز وصول داد. به راپورتهای حکومت سابق اردبیل مراجعه فرمایند مطلب معین

است. حضرات در آستارا و اردبیل تشکیلاتی دارند. در اردبیل سابقاً کشف و مؤسسين که از اتباع روس بودند از قرار راپرت حکومت محل به روسیه تبعید ولی کمیته آستارا مجلس سری و این مؤسسات هم از همان محرم نام آقایی است که غالباً در آستارای روس و مأمورین این طرف دسترسی ندارند معهداً تعلیمات اکیده به حکومت اردبیل داده شد که جداً مراقب شده از توسعه نفوذ حضرات ... سرحدی جلوگیری نماید. ۲۶ حمل نمرة ۱۳۹ مصدق السلطنه
[در حاشیه] اداره شمال به وزارت خارجه اطلاع می‌دهد ۱/۲۷

۲۱

سواد تلگراف دکتر مصدق به رئیس الوزراء

نشان شیر و خورشید و تاج
ریاست وزراء
ورقه تلگرافی
نمبره
سواد تلگراف سری
مقام منبع معظم ریاست جلیله وزراء عظام دامت شوکته
راپورتی که از اداره راه‌آهن تبریز رسیده خلاصه آن برای استحضار خاطر مبارک عرض می‌شود.

خط آهن ماکو در اثنای جنگ عمومی در سال ۱۹۱۵ میلادی شروع و در سال ۱۹۱۷ خاتمه یافته. دولت تساری روسیه بدون تحصیل امتیاز و یا اجازه از دولت علیه با قوه نظامی راه مزبور را ساخته و قیمت اراضی هم که خط آهن از آنجا عبور کرده به مالکین آنها تاکنون پرداخت نشده. دولت تساری روسیه برای مالکیت راه آهن ماکو هیچ عنوان و دلیل موجهی نداشته حالا دولت ساویت روسیه برای پاره [ای] ملاحظات نظامی و اقتصادی با عناوین مختلفه و بدون داشتن مدرک مشروع در صدد تصرف آن می‌باشد.

نور نمرة ۲۳۵۶
سواد مطابق اصل است.
مصدق السلطنه

۲۲

نامه دکتر مصدق به ریاست وزراء

نشان شیر و خورشید و تاج
ریاست وزراء
سواد استخراج تلگراف تبریز
مورخه ۱۰ جوزا ۳۰۱
نمبره ۳۲۵
مقام منبع ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمته
راپرت تلگرافی میان‌دوآب و راپرت دیگری هم که از سردار ناصر حاکم مراغه واصل شد برای

استحضار خاطر مبارک عیناً درج می‌شود.

راپرت نهم جوزا: [

الآن که دو ساعت به ظهر مانده است نصرالله خان سرهنگ با پنج نفر وارد قره‌ورن و از قراری که می‌گویند جزء پنج نفر همراه که دارد تمام عده‌اش محو و تلف شده‌اند. اگر یک قوه کافی از تبریز و یا شرفخانه بوسیله کشتی به دانالو نرسد باید اولیای معظم دولت خرابی این ولایت را مد نظر گرفته بکلی صرفنظر بکنند. علاج فوری و فوری لازم است. در قوای میان‌آب روح جنگی باقی نمانده بطوری مرعوب شده‌اند که بتوان [توان] از این قوا امید استقامت و خدمت کرد. سیم صاین قلعه را هم خراب کرده‌اند.

فدوی کرم‌علی

بعد عنوان، سرهنگ نصرالله خان دو ساعت به ظهر مانده با پنج نفر وارد، راپرت را البته خودش خواهد رسانید. از قراری که می‌گویند اکراد تمام کنار رودخانه را گرفته امشب یا فردا شب باین طرف و طرف صاین قلعه حمله خواهند آورد وحشت اهالی این صفحه از دیروز فوق‌العاده، تمام اهالی تا شش فرسخی فرار، از قوه ولایات هم کاری ساخته نمی‌شود. هر کس عیال خود را برداشته می‌رود. با این وضع اگر به این طرف رودخانه تخطی کنند مراغه هم در تهدید و باید برای اینجا فکر کرد. از هشت رود ابتدا سواری نیامد. صولت‌الدوله هم امروز کاغذش رسیده از فدوی توپ و تفنگ تقاضا می‌کند. حالیه باید هرچه در تبریز سواری باشد بغوریت تمام را روانه و از شرفخانه هم در صورت تقاضا ممکن است بوسیله کشتی عده‌ای فوری برسانند. یک ساعت به ظهر ۹ جوزا نمره ۵۷ - فدوی اسکندر

فرمانده کل را هم از راپرتهای فوق مطلع نمودم ۹ جوزا نمره ۳۸۷
سراد مطابق با اصل است

۲۳

تلگراف دکتر مصدق به مشیرالدوله

نشان شیر و خورشید و تاج
اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از تبریز نمره قبض ... عدد کلمات تاریخ اصل توضیحات تاریخ وصول اسم گیرنده
به تهران نمره تلگراف ش ۱۲ جوزا اسمعیل

توسط حضرت آقای متین‌الدوله مقام منبع ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمته
بنده عقیده دارم که در این عرض خود به شهادت ضمیر منیر مبارک از اقامه هر گونه ادله و
براهین بی‌نیاز از ۲۵ برج دلو مأموریت آذربایجان که بعهدہ این بنده محول گردیده با آن شوق
و شغفی که به خدمت این قسمت از وطن عزیز خود داشت و مسلم نموده بود که در زیر سایه
قدردانی اولیاء دولت وظیفه که انجام آن را مقدس می‌داند بتواند در این موقع مهم توجهات

دولت جلیله را نسبت به خود جلب نماید، چنانچه از ساعت تقبل این خدمت همه را در پی انجام وظیفه بوده و از مرکز بدون درنگ حرکت و بدبختانه در راه مبتلای کسالت معذالک با همان حال طی مسافت نموده پس از ورود تبریز بطور کلی بستری هر چهار روز کمی خوب و باز افتادم با این که این کسالت مزمن بالمره ناتوانم نموده باز دقیقه‌ای غفلت نکرده مشغول بودم و البته خاطر مبارک از سابقه و لاحق آذربایجان کاملاً مسبوق است که چه اندازه خرابی در کارها موجود و بنده با میل مفروطی که در تهیه وسایل آسایش این آب و خاک دارم از هیچ مشکلی قصور ننموده با وسایل ناقصی که بوده بدون هیچ غفلت موفقیت حاصل نموده متأسفانه در این چند روز اخیر بالمره از حال رسیدگی به کار افتادم برای تشخیص مرض از وجوه اطبا مجلس شده بالاخره مرض را برونشیت تشخیص دادند و بالاتفاق مقرر داشته‌اند نه تنها به کار رسیدگی نکنم بلکه تکلم هم ننمایم. در این صورت تصدیق خواهید فرمود که آذربایجان با این اهمیت موقع هیچ ممکن نیست به طبیعت واگذار شود و اندک تسامح و غفلت مسئولیت شدیدی را برای زمام‌دار وقت ایجاد خواهد کرد و چون به انجام وظیفه نهایت درجه اهمیت را داده و وجداناً نمی‌توانم در موقع عجز یک مقامی را لغو و آلت معطله گذارم با اعتراف به ناتوانی که از عدم مساعدت طبیعت حاصل شده از آن مقام منیع استدعای معافی از این مأموریت می‌نماید.

مصدق السلطنه

۱۱ جوزا نمبر ۳۸۸۱

محل مهر تلگرافخانه تهران

۲۴

تلگراف دکتر مصدق به رئیس‌الوزراء (قوام‌السلطنه)

نشانی شیر و خورشید و تاج	نشانی شیر و خورشید و تاج	نشانی شیر و خورشید و تاج	نشانی شیر و خورشید و تاج	نشانی شیر و خورشید و تاج	نشانی شیر و خورشید و تاج
اداره تلگرافی دولت علیه ایران	اداره تلگرافی دولت علیه ایران	اداره تلگرافی دولت علیه ایران	اداره تلگرافی دولت علیه ایران	اداره تلگرافی دولت علیه ایران	اداره تلگرافی دولت علیه ایران
نمبره کتاب	نمبره قبض ۳۱۸۱	عدد کلمات ۲۹۳	توضیحات ۲۳	تاریخ وصول شب ۲۴ جوزا	اسم گیرنده ؟
از تبریز	نمبره تلگراف ۳۱۶	دولتی	سنة ۱۳۰۱		

توسط جناب آقای متین‌الدوله مقام منیع ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمته

مژده زمامداری حضرت اشرف مثل این بود که روحی به بدن علیل و بی‌روح بنده دمید. نمی‌دانم به مملکت یا به حضرت اشرف کدام یک تبریک عرض کنم. خاطر مبارک از مسافرت بنده بهتر از هر کس مسبوق است که هر گاه از توقف تهران منزجر نبودم و وسایلی هم برای مسافرت خارج فراهم بود امکان نداشت که قدم از قدم بردارم. در یک چنین موقعی که دولت وقت به بنده تکلیف خدمت این ایالت را فرموده و وعده همه قسم همراهی و مساعدت داد چون و چرا ننموده بی‌تامل با سرعت هرچه تمامتر خود را به حوزه مأموریت رسانیده با کمال جدیت به انجام وظایف اشتغال نمود.

مع‌التأسف عدم مساعدت طبیعت از یک طرف و عدم توجه و مساعدت اولیای مرکزی از

طرف دیگر بنده را واداشت که تاکنون دو دفعه بتوسط وزارت جلیله جنگ و دو دفعه هم مستقیماً از مقام منبع ریاست جلیله وزراء عظام معافیت خود را استدعا نماید. بالاخره در جواب آخرین تلگراف بنده مطلب موکول به تشکیل کابینه گردید، همین قدر عرض می‌کنم که تا امروز خوب یا بد به شهادت آنهایی که دیده‌اند از بنده بانداشتن وسایل آنچه برآمده خودداری نشده و در هر حال که بوده‌ام سالم یا ناخوش ذره در انجام وظیفه غفلت ننموده‌ام و چون با نبودن وسیله و عدم مساعدت طبیعت از بنده خدمتی ساخته نیست آرزومند بودم که شخص حضرت اشرف قبول زمامداری فرمایند تا با مرحمت و التفاتی که همیشه درباره بنده داشته‌اند معافیت بنده را از این خدمت به فوریت تصویب فرمائید که چندی به راحتی و آسایش خیال استعلاج نمایم.

۲۳ جوزا نمرة ۴۴۸۴

مصدق السلطنه

محل مهر تلگرافخانه تهران

۲۵

تلگراف دکتر مصدق به قوام السلطنه

نشان شیر و خورشید و تاج

نمره کتاب ۲۴۵ اداره تلگرافی دولت علیه ایران سنه [۱] ۱۳۰
 از تبریز نمره قبض ۳۳۱۶ اداره تلگرافی دولت علیه ایران سنه [۱] ۱۳۰
 به ط نمره تلگراف ۳۶۵ عدد کلمات تاریخ اصل توضیحات تاریخ وصول اسم گیرنده
 ۴۱۰ ۲۸ دولتی فوری ۲۸ جوزا ۲؟

توسط حضرت آقای عمیدالسلطنه مقام منبع ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمته دستخط نمره ۲۷۹۸ زیارت و از حسن ظنی که درباره بنده همیشه داشته و حال هم اظهار فرموده‌اند بی نهایت متشکرم ولی معلوم می‌شود که از حالت مزاجی بنده حضرت اشرف تاکنون کاملاً استحضار حاصل فرموده‌اند. بنده از هفتم حمل الی حال بستری و بالاخره هر دوایی در مرض بنده غیر مؤثر و پس از یاس کامل فعلاً ده روز است که از خونی که از حلق خارج می‌شود شخصاً بواسطه گذاردن یخ در سر و درگردن جلوگیری نموده فعلاً هم نتیجه قطعی معلوم نیست. کسالت‌های دیگر هم که بنده را عصبانی و اسباب آنها را فقدان وسایل انجام وظایف می‌دانم بوده و حال هم هست که اگر زندگی بنده بترتیبی که هست باقی بماند باعث اتلاف بنده خواهد بود. بنده بصورت حاضر نه فقط صلاح شخص خود را بلکه خدا گواه است صلاح دولت را هم نمی‌دانم لذا عرض می‌کنم یا اجازه فرمایند بنده به هر شکل باشد خود را تا نقطه که اتومبیل نمی‌رود رسانیده و از آنجا با سرعت تمامتر شرفیاب شده معایب کار را عرض نموده و با یک امیدواری کاملی مراجعت نمایم. در غیاب خود اشخاصی را هم تعیین می‌نمایم که تا هر درجه که ممکن باشد کارها به خوشی بگذرد. تصور فرمایند که در این عرض مقصود فرار از کار است به مشرف و انسانیت قسم که از این عرض هیچ مقصودی غیر از خیر مملکت ندارم. ضمناً چند روزی هم به واسطه آسایش خیال و تغییر آب و هوا ممکن است حالت بنده بهتر گردد، چنانچه این شق را

تصویب نمی‌فرمایند و تصور می‌فرمایند که فقط بودن بنده در آذربایجان مفید است بنده را تا زمانیکه قوه و پول نیست از مسئولیت امنیت خلاص فرمایند. هر وقت قوه برای آذربایجان غیر از قوایی که در فرونت‌ها برای جنگ هستند در تحت اختیار بنده تعیین شد و وجهی هم برای اداره مالیه رسید البته بنده هم می‌توانم در امنیت آذربایجان اقدام نمایم. این هم البته در صورتی است که حال مزاجی بنده مساعد باشد، چنانچه این دو شق را قبول نفرمایند صراحتاً عرض می‌کنم که از توقف بنده غیر از تلف شدن برای خود و برای دولت تصور دیگری نخواهد بود. چون اوضاع حاضره حائز کمال اهمیت است نتوانست تا تشکیل کابینه تامل نموده مستدعی است هر چه زودتر تصمیم مبارک را ابلاغ فرمایند.

مصدق السلطنه

۲۸ جوزا نمره ۴۷۶

محل مهر تلگرافخانه تهران

۲۶

نامه دکتر مصدق به سپهبد امان‌الله جهانبانی

تبریز ۲۰ سرطان ۱۳۰۱
فدایت شوم! [بعد از استعلام از سلامت و صحت وجود محترم خاطر عالی را مستحضر می‌دارد که روز ۲۵ سرطان مخلص به طرف تهران حرکت خواهد نمود.] از راه میانجی لااقل یکصد نفر سوار لازم است ولی از راه هشت‌رود بیست نفر کافی است چنانچه تصدیق می‌فرمائید که از راه هشت‌رود برود بیست نفر تعیین فرمایید و اگر مقتضی است از میانجی مسافرت کند یکصد نفر لازم است.] در صورتی که بواسطه وضعیت و احتیاج بقوه ممکن نباشد عرضی ندارم ممکن است خود مخلص بیست نفر سوار عشایری تهیه کرده از راه هشت‌رود برود.] در هر حال طریق مسافرت را به نظریات حضرت والا محول می‌دارد که هریک را صلاح دانند مرقوم دارند که اگر راه میانجی صلاح باشد زودتر درشگه یا کالسکه تهیه شود.

۲۷

تلگراف دکتر مصدق به قوام‌السلطنه

نشان شیر و خورشید

ریاست وزراء

ورقه تلگرافی

مقام منبع ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمته

از اینکه استعفای بنده مورد قبول یافت بی‌نهایت متشکر و بطوری که در نمره قبل به عرض رسید ۲۴ سرطان حرکت می‌نماید. آقای مؤسس خان پیشکار مالیه هم چندی است بواسطه

کسالت مزاجی خانواده خود تحت نمره ۲۵۱۲ تحصیل مرخصی نموده و به ملاحظه اینکه در راهها امنیت نبود حرکت ممکن نشد و باز مجبور شدند که در تبریز بمانند. اینک چون یک عده قوای نظامی تا میانج همراه است برای ایشان وسیله است که خانواده خود را زودتر به مرکز برسانند چنانچه به انتظار اجازه ثانوی می‌مانند موقع از دست می‌رفت این است که استدعا می‌نماید به وزارت جلیله مالیه مقرر فرمایند مرخصی سابق ایشان را تصویب فرمایند.

مصدق السلطنه

۲۱ سرطان نمره ۵۷۷

در حاشیه:

نمره ۵۵۲

۲۲ سرطان ۳۰۱۷

استخراج تلگراف تبریز

حضرت آقای وزیر مالیه هم ملاحظه خواهند فرمود ۴/۲۲

۲۸

نامه دکتر مصدق به یکی از وزراء

ششم حوت ۱۳۰۱

قربانت گروم [۴] اگرچه در هیچ مورد خصوصاً در مقام اشخاصی مثل حضرت عالی بنده معتقد به توصیه نیستم ولی هرگاه در یک مورد توجه و تذکر لازم باشد تصور می‌کنم نباید فروگذار نمود و آن مورد جناب اجل آقای آقامیرزا حسن خان است که با سوابقی که در آن وزارت جلیله دارند و خود حضرت عالی هم درباره ایشان اخیراً وعده فرموده‌اید البته مقتضی است که هرچه زودتر از بذل لطف و مساعدت درباره جناب معزیه الیه دریغ نفرموده و بنده را از توجهاتی که می‌فرمائید قرین امتنان و تشکر بفرمایند چون یقین دارم که تا هر درجه ممکن شود مساعدت خواهید فرمود این است که در مقام تصدیع برآمده و انتظار دارم که مراحم خود را درباره ایشان مبدول فرمائید [۰].] زیاده عرضی ندارم.

[امضاء] مصدق

۲۹

تکذیب‌نامه دکتر مصدق و استفتاء از حجة الاسلام سیداسدالله خارقانی

روزنامه اقدام در شماره (۱۲۳) مورخه ۱۰ ثور صفحه سیم ستون دوم شاید به تحریک بدخواهانی که از دولت خواهی من صدمه دیده‌اند پاره مفتریات غرض‌آمیز بر علیه این جانب انتشار داده که فوق‌العاده موجب تأثر من شده است مخصوصاً از تنقید کتابی که تالیف نموده‌ام

بیشتر روحاً متألم هستم.

در سنه ۱۳۳۲ هجری که برای اخذ دیپلم خود بتألیف کتابی ناچار بودم با کمک فکری و معاضدت بعضی از آقایان حجج اسلام ادام‌الله بقائهم کتابی بعنوان وصیت و مدارک حقوق اسلامی بزبان فرانسه تألیف کرده‌ام و مزایای قوانین شریعت غرای احمدی را مطابق مذهب جعفری صلوة علیه بسایر ادیان با فلسفه عالی در اروپا انتشار داده‌ام.

من بتصور اینکه مدیر روزنامه اقدام شاید در نتیجه عدم اطلاع بحقیقت امر و القآت دشمنان این جانب مبادرت بیک چنین اقدامی نموده عین تألیف مزبور را نزد مشارالیه فرستادم که باشتباه خود معترف گردیده در صدد تکذیب برآید تا بحال از طرف مشارالیه با وجود وعده [ای] که داده بود اداء وظیه نشده چون سکوت خود را در این امر بیش از این جایز نمی‌داند باستظهار مظلومیت و حقانیتی که در خود مشاهده می‌کنم لازم دیدم که تعقیف قضیه را از مجاری قانونی درخواست نمایم این است که راجع بتمام مواد مندرجه در جریده اقدام عرضحال جزائی به پارک بدایت تقدیم کرده‌ام و عجالاً برای احتراز از کشمکشهای قلمی که جز خلط مبحث و مغالطه و غرض‌رانی نتیجه دیگر ندارد بطور اجمال تمام مواد مندرجه در جریده مزبوره را قویاً تکذیب می‌کنم تا در محکمه صالحه حقانیت این جانب مکشوف و مغرضین تسلیم مجازات گردیده و ثابت شود که بشرافت هرکس نمی‌شود شبیخون زد.

در پایان مقال اضافه می‌کنم که چون اخلاقاً معتقد بریاکاری نیستم تاکنون بانتشار ترجمه کتاب خود مبادرت ننموده لیکن حالاً که مغرضین زحمات مرا می‌خواهند بعکس جلوه‌گر کنند بعون‌الله تعالی عنقریب ترجمه آن را بفارسی طبع و نشر و مغرضین را به آیه کریمه (ولا تلبسواالحق بالباطل و یکتواالحق و انتم تعلمون) متوجه می‌نمایم. مصدق‌السلطنه

* * *

خدمت ذی‌شرافت حضرت حجة‌الاسلام والمسلمین

آقای آقاسیداسدالله خارقانی ادام‌الله بقائه

بعرض عالی می‌رساند در ده سال قبل که در اروپا بنده به تألیف کتاب وصیت و مدارک حقوق اسلامی مشغول بودم البته در نظر مبارک هست که بعضی از مشکلات بنده را با مکاتبه خود حضرت حجة‌الاسلام عالی حل فرموده‌اند و بعد از اتمام و طبع هم یک نسخه از آن را خدمت ذی‌شرافت تقدیم داشتم که از همان ایام آن را ملاحظه و در دو سه مجلس از مندرجات آن صحبت می‌فرمودید. چون در این ایام جریده اقدام با عدم بصیرت و اطلاع از مندرجات آن و فقط از قرار معروف آن را در یکی از شماره‌های خود تنقید نموده برای رفع اشتباه از افکار و اذهان عمومی استدعا دارم معلومات و اطلاعات خود را نسبت بمندرجات آن مرقوم فرمایید تا بعد از ترجمه و طبع قارئین خودشان قضاوت نمایند. امیدوارم از این مرحمت بنده را قرین تشکر فرمایند. [محل امضاء] مصدق‌السلطنه

۳۰

نامه دکتر مصدق به رئیس الوزراء

۱۳۰۲ اسد ۸

قربانت گُردم [!]

بعد از تجدید مراسم ارادت خاطر محترم را زحمت می‌دهد در باب مطلبی که فرمودید بنده با اداره مربوطه مراجعه کرده اینک صورت بودجه اعضاء سفارت برلن را لفاً ایفاد می‌دارد. با ملاحظه این صورت هر طور می‌فرمایند اطاعت خواهد شد. بنده همیشه بانجام فرمایشات عالی علاقه‌مند بوده خالصترین ادعیه خود را برای عزت و سلامت آن وجود محترم تقدیم می‌دارم. [امضاء] مصدق

۳۱

نامه دکتر مصدق به وزیر داخله

بتاریخ ۲۹ برج میزان سنه ۱۳۰۲

نشان شیر و خورشید و تاج

وزارت امور خارجه

ضمیمه

نمره

اداره

دایره

قربانت شوم

حکومت قزوین آقارضا رعیت بنده را بدون علت معلومی حبس کرده است هرگاه حکومت مزبور مطیع آن وزارت جلیله است تلگرافی کتباً یا رمزاً صادر فرموده علت را تحقیق فرمائید و الاً بنده ناچارم که بوزارت جلیله جنگ از حکومت قزوین شکایت نمایم. چنانچه تلگراف صادر می‌شود امروز قبل از ظهر مرحمت فرمائید که مخابره شود. عرضی ندارم. [امضاء] مصدق

۳۲

یادداشت دکتر مصدق به ریاست اداره اول وزارت امور خارجه

ریاست محترم اداره اول

در هیئت محترم صبح ۱۶ شنبه قرائت شد مقرر فرمودند تلگراف شود که این مراسله را بفرستند جنابعالی هم مراجعه به سابقه نمایند اگر با سابقه ارسال این مراسله اشکالی ندارد این تلگراف را ... فی التاریخ [رقم امضاء] مصدق

[در حاشیه]

هشت فقره راپورت کاربردازی بغداد از سابقه که در کابینه بود برای اطلاع ادارهٔ محترم اول ضمیمه شد. بعضی تلگرافات نیز هست که ممکن است مراجعه فرمایند [۰]. زرین نقش.

۳۳

نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی

۱۴ جوزای ۱۳۰۳

مقام منبع ریاست جلیله مجلس شورای ملی
قرائت صورت مجلس مفصل مجلس مقدس شورای ملی از ۱۰ جدی ۱۳۰۰ تا ۴ دلو همان
سنه برای بنده ضرورت دارد اگر با مقررات مجلس شورای ملی مخالف نیست استدعا دارم اجازه
آن را صادر فرمایند. [امضاء] مصدق السلطنه

در حاشیه
۳۳۷۷
۱۵ جوزا

۳۴

نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی

۴ عقرب ۱۳۰۳

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه
مرقومه محترمه زیارت شد. غیبت بنده از کمیسیون بواسطه کسالت بوده که باین لحاظ از
مجلس مقدس شورای ملی تا آخر برج میزان درخواست مرخصی نمود. اینک که بهبودی حاصل
شده از سه شبه آتیه در کمیسیون نظامنامه داخلی شرف حضور خواهدداشت و هرگاه کسالت
مزاجی اجازه نداد که مرتباً در جلسات حاضر شود معافیت خود را درخواست می‌نماید که
بواسطه غیبت بنده در انعقاد جلسات تأخیر و تعطیلی رخ ندهد. [امضاء] مصدق

۳۵

نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی

۲۶ اردیبهشت ۱۳۰۴

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه
چون موقع کمیسیون عدلیه در روز شنبه و دوشنبه مصادف با موقع کمیسیون فوائد عامه و
چند نفر از آقایان محترم اعضاء کمیسیون عدلیه در کمیسیون فوائد عامه هم عضویت دارند
مستدعی است مقرر فرمایند کمیسیونی از رؤساء محترم کمیسیونهای مجلس شورای ملی

تشکیل شده وقتی را تعیین فرمایند که مصادف نباشد. [امضاء] مصدق
 [در حاشیه]
 برای روز سه شنبه خبر کنند.

۳۶

نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی

۲۶ اردیبهشت ۱۳۰۴

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه
 برای کمیسیون عدلیه یک نفر منشی لازم است که در ساعات مقرر کمیسیون حاضر باشد.
 مستدعی است امر و مقرر فرمایند که منشی مزبور در جلسات کمیسیون حضور بهم رساند.
 [امضاء] مصدق

[در حاشیه]

در صورتیکه اجازه و تصویب فرمایند ممکن است میرزا محمد آقای تاج (بالفعل که مواقع انعقاد کمیسیون عدلیه
 و بودجه مختلف است) در مواقع انعقاد جلسه کمیسیون عدلیه حاضر باشد. [امضاء؟] ۴/۲/۳۰

۳۷

نامه دکتر مصدق به کمیسیون عدلیه

۱۸ خرداد ۱۳۰۴

کمیسیون محترم عدلیه
 با نهایت اشتیاقی که برای شرفیابی امروز داشت بواسطه فوت یکی از منسوبان از این
 سعادت محروم گردید و مخصوصاً لازم می‌دانست که شفاهاً علت عدم حضور در جلسات را
 بواسطه ضعف مزاج و عدم تحمل گرما بعرض برساند دیگر موقوف برای کمیسیون محترم
 خواهد بود. [امضاء] مصدق

۳۸

نامه دکتر مصدق به کمیسیون عدلیه

۲۳ خرداد ۱۳۰۴

کمیسیون محترم عدلیه
 چون تصرف یک مقامی بلاعوض بعقیده این بنده مشروع نیست و تا هوا قدری اعتدال پیدا
 نکند بواسطه ضعف مزاج بحضور در کمیسیون محترم مفتخر نخواهد شد با نهایت تأسف از

ریاست استعفاء و هرگاه بواسطه کمی اعضاء لازم است که بجای این بنده دیگری انتخاب شود با کمال تأثر و تأسف استعفای خود را از عضویت نیز تقدیم می‌نماید و الا در صورتی که مخالف قانون نباشد مستدعی است این بنده را تا زمانی که بتواند بحضور در کمیسیون مفتخر گردد جزو غائبین با اجازه ثبت فرماید.

[در حاشیه]

کمیسیون استعفای از ریاست آقای مصدق را پذیرفته و تصویب شد که ایشان را غایب با اجازه ثبت نمایند.

۳۹

نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج

مجلس شورای ملی
نمره ...

تاریخ ۲۳ خردادماه ۱۳۰۴

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

محترماً تصدیق می‌دهد پس از شور اول سه باب از قانون تجارت در قسمت ورشکستگی پیشنهادی دولت که مشتمل بر ۱۴۸ ماده بود مطابق رأی مجلس شورای ملی طبع و توزیع گردیده و دوازده روز مدت معین شد برای جلب نظر آقایان نمایندگان و پس از انقضاء مدت مزبور در تاریخ ۲۳ اردیبهشت هذّه‌السنه شور ثانی شروع و با توجه بنظریه آقایان نمایندگان و اصلاحاتی که در شور ثانی بعمل آمده مطابق اختیاراتی که در ۱۰ عقرب ۱۳۰۳ از طرف مجلس شورای ملی بکمیسیون عدلیه داده شده بود این قسمت از لایحه مزبور که مشتمل بر ۳ باب و یکصد و چهل و پنج ماده بود تصویب و بامضاء اعضاء محترم کمیسیون عدلیه رسیده صورت قانونی را حائز و بضمیمه این راپورت بآن مقام محترم تقدیم می‌گردد که برای اجراء بوزارت عدلیه ابلاغ شود.

[امضاء] مصدق

۴۰

نامه دکتر مصدق به ریاست موقتی مجلس شورای ملی

نمره ۹

۱۳ مرداد ۱۳۰۵

مقام منبع ریاست موقتی مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

ورقه جوف را حکومت جلیله تهران برای این جانب فرستاده‌اند هرگاه ورقه فرموده را بعنوان اعتبارنامه که در ماده ۴۹ قانون انتخاب مطرح است قبول می‌فرمایند بنده خود را مکلف می‌دانم

در شعبات حضور بهم رسانده و الاً به بنده تکلیف وقتی وارد است که نمایندگی این جانب لااقل در شعبه مربوطه تصویب شود.
 ۱۵ مرداد / ۱۳۰۵

در جلسه هیئت رئیسه قرائت گردید مقرر شد که به ایشان نوشته شود که برای حضور ایشان در شعبه مانعی به نظر نمی‌رسد بنا بر این در اوقات مقرر در شعبه مربوطه می‌توانند حضور بهم رسانند. [امضاء]

۴۱

نامه دکتر مصدق و جمعی از نمایندگان (منفردین) به رئیس مجلس

هو

بتاریخ نه شهریور ۱۳۰۵

مقام منبع ریاست محترم مجلس مقدس دامت شوکته
 نظر به حسن اعتمادی که نسبت به شخص آقای مستوفی داشته در این موقع که تمایل مجلس را خواسته‌اند ما امضاکنندگان ذیل منفردین مجلس اعتماد خودمان را بشخص آقای آقامیرزا حسن خان مستوفی اظهار می‌نمائیم.
 [امضاءها:] دکتر محمد مصدق، اقل محمد تقی طا، حیدرقلی حشمت، فیروزآبادی، میرممتاز، محمدابراهیم اهری، صادق خواجه‌نوری، حائری‌زاده، محمد معظمی، مدرس، حسن ملک، م. بهار، معتمدالتولیه و ...

۴۲

نوشته دکتر مصدق خطاب به رئیس مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
 مجلس شوری ملی

شهریور ۱۳۰۵

مقام منبع ریاست جلیله مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه
 رأی بنده در باب تمایل مجلس تابع اکثریت است.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۴۳

گزارش انتخاب هیئت رئیسه کمیسیون امور خارجه به رئیس مجلس شورای ملی به امضای دکتر مصدق

[۱۳۰] ۶/۲/۱۰

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی

کمیسیون امور خارجه با حضور آقایان:

تقی‌زاده، فرشی، امیراسعد بختیاری، امیر تیمور، معتمد و ثوق، ثقة‌الاسلامی، دیوان‌بیگی، اعتبار،

دکتر مصدق و کی استوان بریاست سنی آقای فرشی تشکیل گردیده و انتخاب هیئت رئیسه بشرح ذیل بعمل آمد:

آقای دکتر مصدق - رئیس
آقای اسعد بختیاری - نایب رئیس
آقای تقی‌زاده - مخیر
و کی استوان - منشی

به اکثریت آراء انتخاب شدند

امضای رئیس: دکتر محمد مصدق

۴۴

نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی

۳۰ مهرماه ۱۳۰۶

مقام منبع ریاست جلیله مجلس شورای ملی
تلگرافی از حجج اسلام اصفهان از قم توسط این جانب رسیده که تقدیم می‌نماید و استدعا دارد که جوابی که مقتضی است زودتر صادر گردد.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

کپی این تلگراف قبلاً رسیده و جواب داده شده ضمیمه دوسیه مربوط می‌شود. دوم آبان ۱۳۰۶ طوسی

۴۵

پاسخ دکتر مصدق به حاج آقا نورالله اصفهانی

۳۰ مهرماه ۱۳۰۶

بشرف عرض عالی می‌رساند:

تلگرافی که باامضای حضرت حجة الاسلام عالی و حضرات آقایان حجج الاسلام ادام‌الله اضلالهم بعنوان مجلس شورایملی رسیده بود بنده میخواستم در مجلس قرائت کنم بعد از مشاوره با مقام ریاست صلاح ندانستند که درین باب مذاکراتی شود با بعضی آقایان دیگر هم که کپیبه داشتند مذاکره شد آنها هم تقریباً موافق بودند و علت هم این است که اگر مجلس را برای استماع این اظهارات موثر تصور کنید چون در مجلس همچو تلگرافی خوب تلقی نمیشد بجای حسن اثر سوء اثر حاصل میشد چنانچه حرفهای مجلس موثر نباشد چرا اقدامی بشود که اشخاص دیگر خوب تلقی نکنند بالاخره چون این ادله چندان ضعیف نیست بنده هم اینطور صلاح دانستم که طبق نظریه مقام ریاست خدمتشان تقدیم کنم و قول بگیرم که در ظرف این

چند روز هر اقدامی مقتضی است بفرمایند و هر جوابی که صلاح است صادر فرمایند و حضرات آقایانی هم که کپیہ داشتند مشغول اقدامات هستند و البته نتیجه را بعرض خواهند رسانید.

در خاتمه مراسم ارادت و بندگی خود را حضور محترم حضرات آقایان حجج اسلام ادام‌الله بقائهم تجدید و تقدیم و از خداوند سلامت آن ذوات محترم را خواهانم.
دکتر محمد مصدق

۴۶

تلگراف دکتر مصدق به حاج آقا نورالله اصفهانی

خدمت ذی‌شرافت حضرت آیه‌الله آقای حاج آقا نورالله ادام‌الله تعالی با تقدیم عرض بندگی و تجدید مراسم ارادت مترصدم که تحت توجهات عالیہ مذاکرات در نفع مملکت و جامعہ مقدسہ روحانیت خاتمه یابد، فرمایشات را با کمال افتخار مترصدم.
۱۸ آذر ۱۳۰۶ - دکتر محمد مصدق

۴۷

نامه دکتر مصدق به دبیرالممالک طوسی

۲۸ آذرماه ۱۳۰۶

فدایت شوم، اهالی باغ‌میشہ تبریز شرحی توسط این‌جانب حضور آقایان محترمین مجلس شورای ملی نوشته‌اند، چون نمی‌دانم که تاکنون این قبیل مکاتبات چگونه با آقایان محترمین رسیده‌است خدمت حضرت تعالی تقدیم می‌کنم که هرطور معمول است بفرمایند.
[امضاء] دکتر محمد مصدق

۴۸

نامه دکتر مصدق در جواب نامه تیمورتاش وزیر دربار

۲۵ اردی‌بهشت ۱۳۰۷

قربانت شوم [؟] خط‌دست مبارک شرف وصول داده و به قول شاعر [؟]:
صیاد پی صید دویدن عجب نیست صید از پی صیاد دویدن مزه دارد
در حقیقت نیکی فطرت و پاکی طینت حضرت اشرف عالی مستلزم این اندازه توجه به عرایض خیرخواهانه و بی‌غرضانه بنده می‌باشد و خدا را به شهادت می‌طلبم که فقط نظریاتم

خیرخواهانه است و بس.

امروز در مجلس با آقایان مذاکراتی شد و همه را به فرمایشات و اوامر بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری ارواحنا فداه امیدوار نمودم و از الطاف حضرت اشرف عالی هم صمیمانه متشکر هستم.

قرار شد هر کس مسموعات خود را که اطمینان کامل داشته باشد نوشته فردا بدهند که تقدیم کند ولی آنچه که مسلم است تبعید حاج محمدعلی... است که دیگر هیچ کس منکر نمی‌شود. فقط برای عدم مداخله در انتخابات تبعید گردیده است.

احضار فوری او به جامعه ثابت می‌کند که انتخابات بکلی آزاد است. هرگاه مقرر فرمایند از طرف اداره جلیله نظمیه مشارالیه را که تاکنون شاید از شاهرود نگذشته باشد احضار نمایند به نظر بنده یک دلیل قطعی آزادی است.

اگر باعث تصدیع خاطر مبارک نباشد استدعا دارم چند دقیقه اجازه فرمایند که در دولتسرا شرفیاب شده و صورت‌ها را تقدیم و یک عرایض دیگری هم که حضرت اشرف اقدس والا شاهزاده وزیر مالیه اطلاع دارند عرض کند. این شرفیابی هم فقط از جهت ادای وظیفه می‌باشد. در خاتمه سلامت وجود مبارک را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

صورت را بنده فردا بعد از ظهر تقدیم می‌کنم ولی هیچ منافات ندارد که اگر ممکن باشد صبح قبل از تشریف فرمائی به دربار چند دقیقه شرفیاب شوم.

۴۹

جواب دکتر مصدق به تیمورتاش وزیر دربار

۲۵ اردیبهشت ۳۰۷

قربانت شوم [!] با کمال افتخار پنجشنبه ساعت هشت و نیم مشرف خواهم شد.

دکتر محمد مصدق

۵۰

نامه دکتر مصدق به وزارت معارف

آقایان محترم اهالی سولقان در باب تأسیس یک باب مدرسه در محل مزبور شرحی به این جانب نوشته‌اند که برای اطلاع و استحضار اولیاء آن وزارت جلیله تقدیم می‌شود چون این جانب در جلسه علنی مجلس شورای ملی اظهار نموده که از بابت ماهی یکصد تومان اضافه

حقوق نمایندگی تا آخر دوره ششم چیزی دریافت نخواهد نمود و کتباً هم شرحی به اداره مباشرت مجلس نوشته است و نظر به اینکه کمک یک مبلغ معینی برای تأسیس مدرسه بدون اینکه مداومت داشته باشد برای اهالی مفید نخواهد بود هرگاه آن وزارت جلیله قبول فرمایند اضافه حقوق خود را از تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۰۵ تا آخر دوره ششم که اگر حیات باشد متجاوز از یکهزار و پانصد تومان می شود برای تأسیس این مدرسه به اختیار آن وزارت جلیله میگذارد که هر طور مقتضی بدانند اقدام فرمایند.

دکتر محمد مصدق

۵۱

نامه دکتر مصدق به دکتر میلیسپو رئیس کل دارائی

۱۹ مرداد ۱۳۲۳

نامه شماره ۶۰۷۵ مورخ ۱۵ مرداد ۳۲۳ شما شرف وصول یافت، قبلاً لازم است که این سوء تفاهم از اذهان عامه مرتفع شود که از امریکا میسیونری در ایران نیست و دولت یک مستشار و عده‌ای مستخدم از آن مملکت برای خدمات مالی استخدام نموده و چنانچه یکی از آنها در انجام وظایف غفلت و یا کاری بر خلاف وظیفه نمود باید مورد اعتراض واقع شود و الا انتظارات دولت و ملت از آنها عملی نشده و از استخدام آنان نتیجه‌ای که مطلوب است عاید نمی شود. اعتراض به متخلف برای این نیست که مستخدمین امریکایی بروند بلکه از این نظر است که دیگران درس عبرت بگیرند و رفتارشان طوری باشد که تا مدتی بمانند - و اما راجع به موضوع مراسله بواسطه کمی حافظه ممکن است این جانب از بیانات شما چیزی در مجلس نگفته باشم ولی چیزی به آنها اضافه ننموده‌ام - لازم بود آنچه برخلاف واقع به شما نسبت داده شده بفرمایید تا عامه مطلع شوند که بیانات شما دارای چه اثر بوده و حذف آنها از چه نظر است و اینکه مرقوم فرمودید داوطلبانه به شما قول دادم موضوعاتی که در مجلس اظهار می‌کنم قبلاً به خودتان اطلاع دهم تا اگر توضیحات لازمه داده نشد در مجلس طرح نمایم مورد تکذیب است، ۵ شنبه ۱۵ تیر قبل از انعقاد جلسه مجلس شورای ملی آقای سرتیپ‌زاده به من گفتند که برای روز شنبه ۱۷ تیرماه از شما دعوت می‌کنم که با آقای دکتر میلیسپو ملاقات کنید - از نظر اینکه می‌خواستم در آن جلسه مذاکراتی راجع به عملیات شما بکنم دعوت ایشان را رد نمودم که با نهایت آزادی هر چه لازم است بگویم، چون ایشان گفتند که به آقای دکتر قول داده‌ام خواهش مرا رد نکنید پس از اظهارات خود در مجلس در همان جلسه به ایشان نوشتم که چون آنچه لازم بود گفتم دیگر مانعی نمی‌بینم که روز شنبه در نقطه ثالثی با آقای دکتر ملاقات کنم بنابراین چه مرا وامی داشت که داوطلب بشوم و از خود سلب اختیار کنم و به شما قول بدهم که هر چه در مجلس می‌خواهم

بگویم یا از مطالبی که باید به کسی نگفت و غفلتاً در مجلس اظهار کرد قبلاً به شما اظهار کنم. اینها جزئیات است و نباید در این باب به قدری بحث کرد که کلیات از بین برود. البته تصدیق می‌فرمایید چیزی که مرا به ملاقات شما سوق داد همان اجرای قانون اساسی بود که تصور می‌کردم نظریات من شما را قانع کند، پس از اینکه با من موافقت ننمودید و هیچ دلیل عقلایستی هم در اثبات نظریه خود اقامه نکردید دیگر جا نداشت که من با شما تماس پیدا کنم و چنانچه خاطرتان باشد در آخر جلسه بدون هیچ قید و شرط از شما جدا شدم.

راجع به قانون ۱۳ اردیبهشت از جناب آقای نخست وزیر سؤال نمودم و منتظرم که جواب مرا در مجلس بدهند و برای اینکه وقت مجلس تضییع نشود و دیگر در فروغ از شما انتقاد نکنم موافقم که تا ۲۵ مرداد جواب مطالب ذیل را لطف کنید. امیدوارم که جواب شما جامعه را قانع کند و من دیگر در این باب اظهاری نکنم.

۱ - علت این که ۴۰ هزار تن از سهمیه ایران در ۱۹۴۳ وارد نشد چیست؟

۲ - وارد نشدن ۱۳ هزار تن از سهمیه ششماهه اول ۱۹۴۴ به چه علت است - ممکن است باز وارد کرد یا موقع از دست رفته است؟

۳ - از وارد شدن این سهمیه‌ها چه مبلغ به عواید گمرکی ضرر متوجه می‌شود؟

۴ - در صورتی که در ۱۳۲۲ طبق ترازنامه از نتیجه معاملات فلزات متجاوز از ۱۵ میلیون ریال به بانک ملی نفع رسیده، تبصره ماده واحده لایحه شماره ۳۲۱۳ دولت که از این قرار است: «تا زمانی که طلایی که به موجب این قانون در خارجه خریداری شده کلاً یا جزئاً در خارجه می‌باشد آنچه طلا برای بانک ملی ایران از خارجه وارد می‌شود بابت طلای مزبور محسوب خواهد شد» و بانک را از یک عایدات هنگفتی محروم داشته‌اید از چه نظر است؟

۵ - با اینکه به تجربه رسیده که از ورود آرد به شهر تهران نمی‌توان جلوگیری کرد و ندادن جواز موجب قاچاق و فساد اخلاق است اعلانی که اخیراً برای وارد شدن غله به شهر منتشر شد نسخ فرموده‌اید.

۶ - از تعهدات مازاد سال ۱۳۲۲ [۱] در هر محل چه مقدار وصول شده و چه مقدار به خبازهای آن محل و چه مقدار به متفقین رسیده است؟ - صورت ریز کلیه مازادی که در کشور وصول و به خبازهای شهرستانها و سیلو شهر تهران و متفقین داده شده ضرورت دارد.

۷ - اطلاعات شما راجع به ادعای دولت انگلیس از بابت مخارجی که در آن جنگ نموده است چیست؟

۸ - در صورتی که سایر دول بدون اجازه کمیته خاورمیانه می‌توانند به وسیله «کلی پست» از آمریکا کالا وارد کنند و رود کالا به وسیله «کلی پست» برای ایران چرا محتاج به اجازه است؟! ... آقای دکتر، من هیچ وقت نمی‌خواهم که شما از کار کنار بروید زیرا که برای کار شما از خارج و داخل داوطلبی ندارم - از شما اگر این جامعه متضرر شود هیچ متوجه من نمی‌شود زیرا در

آوردن شما مؤثر نبوده‌ام ولی اگر شما بروید چون در رفتن شما مؤثرم ممکن است ضروری که بعد به جامعه می‌رسد متوجه من هم بشود. گرچه انشاء این مراسله از من ولی اخبار از عقیده ملت است. اگر یکی از مستخدمین که امروز به واسطه بالا رفتن قیمت اشیاء حقوقش مساوی با اجاره خانه نیست به قدر احتیاج خود خسارت رساند و جداناً مسئول نیست زیرا که در مخصصه «اکل میته» جایز است ولی از شما که حقوق بسیار دارید اگر ضروری برسد قابل عفو نیست. به راستی قسم اگر از مطالب سؤال شده یکی راست باشد خسارتی که از آن به ملت رسیده از آنچه از بدو مشروطیت از تمام مستخدمین رسیده متجاوز است. مطالب من بسیار مهم است و جواب صحیح شما را سربلند می‌کند و الا شما را از بین می‌برد، با جواب صحیح مخالفین تسلیم می‌شوند و الا موافقین قادر نیستند که دفاع کنند، هیچ کس نمی‌تواند بگوید با این همه خسارت باز باید شما در کار بمانید و این مراسله در تاریخ زندگی شما بسیار مؤثر است. چون مرقوم فرمودید رونوشتی از مراسله خودتان به جراید می‌فرستید که منتشر شود این جانب هم جواب خود را منتشر می‌کنم تا عامه از آنچه بین ما می‌گذرد مطلع شوند.

۵۲

نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی

ریاست مجلس شورای ملی

پنج شنبه ۱۱ آبان ماه که بعضی از آقایان نمایندگان محترم برای قائم مقام نخست وزیر به این جانب اظهار حسن ظن نمودند از نظر اهمیت موقع و اینکه با وضعیت امروز خدمت به مملکت برای هرکس واجب عینی است این جانب امتناع ننموده و قبول کار را مقید به این نمودم که از مجلس قانونی بگذرد که این جانب برای استعفای سه ماه قبله مشمول ماده ۲ قانون سال ۱۳۰۶ نشوم و چون مقامی را که اشغال می‌کنم بدون اخذ حقوق و غیر موظف است لذا محتاج نیست که اصل ۳۲ قانون اساسی تفسیر شود و بر فرض لزوم این جانب راضی نمی‌شدم که برای شخص خود اصلی از اصول قانون اساسی تفسیر شود و از اینکه خواستم در طرح جدید اسمی از مراجعت این جانب به مجلس پس از کناره‌جوئی از کار برده شود فقط از این نظر بوده که در موقع استفاده اصل مزبور را طور دیگر تفسیر نکنند و راه ورود این جانب را به مجلس مسدود نمایند. [.]

البته تصدیق می‌فرمایند که موکلین من صاحب این نظر نبوده‌اند که برای مدت کوتاه کار قبول کنم و موقعی که دفاع از وطن فریضه من و هریک از نمایندگان است کرسی خود را خالی بگذارم.

صاف و بی‌پرده عرض می‌کنم که عدم امتناع برای این بود که بآن کسیکه همیشه فدائی وطن

بوده است نسبت محافظه کاری و خالی کردن شانه از کار ندهند و در مواقعی که در مجلس با لویح دولت مخالفت می‌کنم امتناع مرا پیراهن عثمان نمایند و بگویند چرا کار که تکلیف شد از قبول آن خودداری نمودم.

چون بعضی از آقایان محترم با قانون خاصی که نظر این جانب تامین شود موافق نیستند و وضعیت مهم مملکت هم ایجاب می‌کند هرچه از مجلس می‌گذرد بدون مباحثه و مورد توجه اکثریت قریب به اتفاق باشد و این جانب هم تا نظری که صرفاً در نفع مملکت تشخیص داده شده تامین نشود هیچ کاری قبول نمی‌کند و بیش از این هم اقتضا ندارد که کار کشور بلا تصدی بماند با عرض تشکر از حسن ظنی که نسبت به این جانب از طرف عموم آقایان نمایندگان محترم اظهار شده از مقام ریاست مجلس درخواست می‌نمایم که این نامه در جلسه خصوصی قرائت شود و مجلس شورای ملی تمایل خود را به کسی اظهار فرماید که خدمت نخست‌وزیری را بدون هیچ قید و شرطی قبول نماید.

۲۲ آبان ۱۳۲۳ - دکتر محمد مصدق

نامه آقای دکتر مصدق به شاه

۲۳ آبان ماه ۱۳۲۳

پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

در جلسه خصوصی بعضی از نمایندگان مجلس که راجع به امور جاریه و استعفای نخست‌وزیر و تعیین قائم‌مقام او مذاکره بود جمعی نسبت به فدوی اظهار حسن ظن نمودند این بنده هم با تجربیات تلخی که از دوره چهارم تقنینه دارد هیچ‌گاه نمی‌خواست از مجلس شورای ملی قبول خدمت کند و سه چیز سبب شده باز فدوی را به آزمایش مجبور کرد.

۱ - اوضاع خراب مملکت که امروز قبول خدمت برای هرکس واجب عینی است.

۲ - تکذیب سیاست منفی که من غیر حق از دیرزمانی بفدوی نسبت داده‌اند و همه میدانند که تا دوره پنجم تقنینه این بنده همیشه دارای سیاست مثبت بوده و چون اوضاع با نظریاتم موافقت نداشت از آن زمان رویه منفی اتخاذ نموده‌است.

۳ - امتنان از قبول کار سبب شد که تا آخر دوره چهاردهم تقنینه نتواند با لویح دولت مخالفت کند زیرا که در جواب می‌گفتند بهتر بود که کار قبول کند و لویح را با نظریات خود تنظیم نماید. این بود که حاضر شد برای مدت قلیلی این ماموریت را بدون اخذ حقوق قبول کند تا برای بازگشت به مجلس مانعی نباشد.

عده زیادی از نمایندگان با نظریات فدوی موافقت نمودند به شرط اینکه مدت تصدی کار

محدود نشود و هر وقت که مقتضیات ادامه کار را اجازه نداد فدوی استعفا نمایم این بنده هم موافقت نمود به شرط اینکه آقایان نمایندگان وعده دهند که با نظریات فدوی برای پیشرفت امور مملکت مساعدت نمایند و لوایحی که به مجلس پیشنهاد می‌شود با همان حسن ظنی که از ابتدا اظهار می‌کنند تصویب نمایند.

عده دیگر با تصویب قانون خاصی به این عنوان که باید اصل ۳۲ قانون اساسی تفسیر شود موافقت نموده‌اند در صورتی که اصل مزبور که از این قرار است؛ «چنانچه یکی از وکلا در ادارات دولتی موظف مستخدم شود از عضویت مجلس منفسل می‌شود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف به استعفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود.» اگر شامل مقام نخست‌وزیری بشود چون فدوی آنرا موظف قبول نمی‌کند مشمول اصل مزبور نخواهد بود.

چنانچه اکثریت مجلس هم با تعبیر اصل ۳۲ موافقت کند این بنده رضا نمی‌دهد زیرا هستند کسانی که بهتر از فدوی در این مقام به کشور خدمت کنند و چه لزوم دارد که اصلی از اصول قانون اساسی از نظر شخص معینی تفسیر شود بنا بر آنچه به عرض پیشگاه شاهنشاهی رسید و بنا بر اینکه موکلین فدوی صاحب این نظر نبوده‌اند که برای مدت کوتاهی کار قبول کنند و موقعی که دفاع از وطن فریضه این بنده و هریک از نمایندگان است کرسی خود را بلا تصدی گذارد. این است که قبول خدمت موکول به تشخیص این موضوع از طرف مجلس خواهد شد که آیا بازگشت فدوی به مجلس که غیر موظفاً مقام نخست‌وزیری را قبول می‌نماید پس از پایان تصدی مانعی خواهد داشت یا خیر.

البته در صورتی که طبق تشخیص و رأی مجلس مانعی نداشته باشد با کمال افتخار در این موقع خطیر برای انجام خدمت‌گزاری حاضر خواهد بود و الا از پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی درخواست می‌نماید که فدوی را معاف فرمایند.

دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق به روزنامه اقدام بضمیمه طرح مقدماتی او در دفاع از حقوق مطبوعات

آقای مدیر محترم روزنامه اقدام

راجع به توقیفهائی که از طرف دولت و یا فرمانداری نظامی در مورد روزنامه‌ها مدتی است به عمل می‌آید کراراً از طرف بعضی از آقایان مدیران جراید به این جانب مراجعاتی شده و تقاضا نموده‌اند طرحی تهیه و تقدیم مجلس کنم، تا اینکه نواقص قوانین مطبوعاتی مرتفع و

مرجع رسیدگی معلوم شود و مطبوعات که رکن مشروطه‌اند از تزلزل فعلی درآیند و چنانچه برخلاف مقررات چیزهایی نشر دهند مسئولین در مراجع صلاحیت‌دار دعوت به محاکمه بشوند. برای این کار لازم بود که در قوانین مطبوعاتی مطالعاتی شود و طرحی که مقصود مراجعه‌کنندگان را تأمین کند تنظیم گردد. چون مذکور شد که اخیراً در وزارت دادگستری با جلب نظر نمایندگان مطبوعات طرح مقدماتی این کار تهیه شده این جانب ترجیح دادم که آن را زمینه مطالعه خود قرار دهم و با مراجعه به قوانین بعضی از ممالک اصلاحاتی به سلیقه خود در آن بنمایم، اکنون که طرح مقدماتی این جانب تهیه شده نسخه‌ای از آن را ارسال و تقاضا می‌نمایم که از نظر جلب افکار عمومی موضوع را مورد بحث و مطالعه قرار دهند و هر نظریه که اتخاذ می‌کنند در ظرف یک هفته برای این جانب ارسال فرمایند تا چنانچه باز اصلاحی لازم داشت به عمل آید و به صورت طرح قانونی تقدیم مجلس شود.

دکتر محمد مصدق

اینک طرح مقدماتی اینجانب:

ماده اول. جرائم مطبوعاتی جرائمی است که به وسیله مطبوعات اعم از استمراری و اتفاقی مرتکب شوند و اشخاص ذیل مسئولین جرائم مطبوعاتی شناخته می‌شوند:

۱. مدیر روزنامه و یا نویسنده منفرداً و یا مشترکاً حسب‌المورد در مطبوعات مرتب‌الانتشار.
 ۲. نویسنده چنانچه معلوم و یا قانوناً مسؤولیتی متوجه او نشود ناشر و در صورتی که ناشر معلوم و یا مسؤولیتی متوجه او نشود طبع‌کننده در مطبوعات اتفاقی.

ماده دوم. به جرائم مطبوعاتی اعم از جنحه و جنایت دادگاه جنایی را بحضور هیئت منصفه و خارج از نوبت رسیدگی خواهد کرد.

ماده سوم. دادسرای شهرستان هر محل جرائم مطبوعاتی را تعقیب و پس از تنظیم کیفرخواست پرونده را برای رسیدگی توسط دادستان استان به دادگاه جنایی ارسال خواهد داشت.

ماده چهارم. توقیف و ضبط نشریه‌های استمراری و اتفاقی در موارد ذیل:

۱. آنجا که مضر به اساس مذهب اسلام باشد.

۲. آنجا که هتک احترام از مقام سلطنت شده باشد.

۳. آنجا که نقشه و طرح حرکت قشون یا دیگر اسرار نظامی مکشوف شده باشد.

۴. آنجا که موجب هیجان کلی و اختلال آسایش عمومی باشد.

۵. آنجا که دعوت به مقاومت در مقابل قوای رسمی مملکت باشد.

۶. آنجا که اشاعه صور قبیحه بر ضد عصمت و عفت عمومی باشد.

به امر دادستان استان به عمل خواهد آمد. و دادستان نامبرده در ظرف ۲۴ ساعت باید به دادگاه جنایی اعلام کند. دادگاه جنایی مکلف است در جلسه اداری و به قید فوریت و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی و قرار فسخ یا استواری صادر نماید. و این قرار قابل فرجام نیست. در

صورت فسخ، دادگاه مستقیم نظر خود را اجرا و نشریه مطبوعاتی توقیف یا ضبط شده آزاد می‌شود و در صورت استواری نشریه مطبوعاتی به حال توقیف می‌ماند تا پس از جریان محاکمه تکلیف آن در حکم محکمه جنایی معلوم شود.

ماده پنجم. احکام و قرار داد جنایی در مورد جرائم مطبوعاتی قبال فرجام است و دیوان کشور خارج از نوبت رسیدگی خواهد کرد.

ماده ششم. این قانون از تاریخ تصویب اجرا می‌شود و قوانین دیگری که مخالف این قانون باشند در آن قسمتی که مخالف است ملغی است.

۵۵

جواب دکتر مصدق به دومین نامه دکتر میلیسپو

۱۱ دی ۱۳۲۳

اداره روزنامه داد!

در هیجدهم مرداد ماه ۱۳۲۳ این جانب از آقای دکتر میلیسپو رئیس کل دارایی ۸ سؤال نمودم که به هیچ‌یک جواب نداده‌اند و فقط به یکی از اعتراضاتی که در جلسه ۲۸ آذرماه مجلس شورای ملی به ایشان نموده‌ام - جوابی ناقص در شماره ۳۳۸ آن جریده شریفه داده و بعد به عنوان اعتراض متقابل مطالبی به من نسبت داده‌اند که از تمام آنها بی‌خبرم و لازم می‌دانم نظریات خود را به معرض افکار عامه گذارم و قضاوت آن را به عهده خوانندگان آن روزنامه محول نمایم. راجع به دو میلیون لیره که این جانب گفته‌ام آقای دکتر از بابت ادعای دولت انگلیس پرداخته‌اند شرح قضیه این است که در اوایل دوره ششم تقنینیه بین بعضی از نمایندگان مجلس مذاکره می‌شد که مرحوم فروغی با موافقت رئیس کل مالیه آن را تصدیق نموده‌است؛ لذا موقعی که برنامه کابینه مرحوم «مستوفی‌الممالک» در مجلس مطرح شد این جانب نسبت به دو نفر از وزرای عضو کابینه یعنی آقای حسن وثوق (وثوق‌الدوله) و آقای محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) مخالفت نمودم و آنچه آن روز گفته‌ام امروز تکرار می‌کنم و از صورت مذاکرات آن روز مجلس به نظر خوانندگان می‌رسانم بدین قرار:

دوم - مکاتبه‌ای است که فروغی با سفارت انگلیس نموده و در آن قریب ۲۰ کرور تومان دعوای آن دولت را نسبت به ایران تصدیق کرده است - حقیقتاً چقدر معامله خوبی است که بعضی برای اختناق و فروش ایران پول بگیرند و آقای فروغی اصل را با فرع تصدیق نماید (عراقی - این کاغذ پنجره است) اگر در سایر ممالک وزیران با هیچ سفارتی مکاتبه نمی‌کنند و به هیچ سفارتی سند کتبی نمی‌دهند مگر اینکه بعد از تصویب مجلس باشد؛ متأسفانه در این مملکت فروغی و امثالش اول ممضی این قبیل نوشتجات می‌شوند تا بعد مجلس تصویب

نمایند به عبارت اخیری اول ریش دولت را به دست می‌دهند تا بعد ریش ملت هم دست آید...
الی آخر»

مخالفت من با مرحوم فروغی در دو موضوع بود: یکی راجع به مراسله‌ای بود که شهرت داشت سفارت شوروی نوشته و دیگری مراسله سفارت انگلیس است که راجع به مراسله اولی مرحوم مستوفی‌الممالک طبق مذاکرات جلسه ۳۱ شهریور ۱۳۰۵ این‌طور فرموده‌اند «چون در ضمن بیانات پریروز آقای دکتر مصدق اشاره به یک مراسله‌ای فرمودند که آقای فروغی به سفارت شوروی نوشته‌اند که آن مراسله یک لطمه‌ای وارد می‌آورد و قضایای کاپیتولاسیون را تجدید می‌کند بنده این اطلاعاتی که ایشان دارند به هیچ وجه ندارم و هیچ همچو چیزی گمان نمی‌کنم باشد و امروز کاپیتولاسیون به هیچ وجه مابین ایران و روسیه برقرار نیست و اتباع روسیه را هم در عدلیه محاکمه می‌کنند و بنده به هیچ وجه اطلاعی ندارم که کاپیتولاسیون مابین ایران و روسیه برقرار باشد و عملاً هم امروز کاپیتولاسیون مابین ایران و روسیه برقرار نیست» و بعد در جواب سؤال مرحوم «خطیبی» نماینده گروس که اظهار نمود «اشارات آقای دکتر مصدق دو جمله بود یک جمله دیگرش را نفمودید؟» مرحوم مستوفی اظهار فرمودند: «در آن قسمتش اطلاع ندارم ممکن است تحقیقات بکنم و جواب عرض کنم» که از این بابت آن مرحوم بعد اظهاری فرمودند و خود مرحوم فروغی هم که از مسافرت اروپا مراجعت نمود پس از مذاکرات مفصل با این جانب حاضر نشد که در مجلس گفته‌های مرا تکذیب کند و لطمه‌ای که به حیثیات او وارد شده بود جبران نماید و با اینکه گفته می‌شد که دولت انگلیس به حقی که برای خود قائل بوده رسیده است، این جانب نخواستم بدون مدرک به آقای دکتر میلیسپو نسبتی بدهم و در ضمن پرسش‌های ۱۸ مرداد خود از ایشان فقط این‌طور سؤال کردم: «اطلاعات شما راجع به ادعای دولت انگلیس از بابت مخارجی که در آن جنگ نموده‌است چیست؟» و این سؤال عام بود یعنی شامل هر گونه عملی است که به این ادعا مربوط شود. از تصدیق و تادیبه مدعا به و تهاتر، که متأسفانه رئیس کل دارایی به هیچ یک از سوالات هشت‌گانه این جانب که تمام در مصالح مملکت و از نظر تیرئه خود ایشان شده بود جواب ندادند و نخواستند خود را تبرئه کنند و فقط به اعتراض من که در مجلس راجع به پرداخت دو میلیون لیره نموده جواب ناقص دادند که در آن روزنامه درج شده‌است.

چون پرونده این قبیل امور در محلی گذارده نمی‌شود که مثل من کسی به آن دسترسی پیدا کند و بر فرض اینکه ایشان وجهی تادیبه ننموده باشند عدم پرداخت وجه دلیل عدم تصدیق این ادعا نمی‌شود، اگر آقای دکتر میلیسپو هیچ گونه دخالتی در این موضوع ننموده‌اند و به کلی از آن بی‌خبرند خویست بالصراحه تکذیب کنند و استخوانی لای زخم نگذارند و اطلاعات خود را منتشر نمایند و این جانب تصور نمی‌کنم آقای دکتر بخواهند مطلب را روشن کنند و اما راجع به اعتراض متقابل که آقای دکتر خواسته‌اند بفهمانند که ادعای یک نفر انگلیسی و یک نفر روسی با

نظر و نفوذ این جانب پرداخته شده است مجبورم آنچه را نوشته‌اند تکرار کنم و جواب قسمتهای مربوطه را بدهم، می‌نویسند: «تنها ادعای دولت انگلیس را که در نظر دارم در مدت توقف سابق خود در ایران پرداخته‌ام ادعایی است که از طرف سفارت انگلیس راجع به یک نفر انگلیسی و یک نفر روسی ارسال گردید و مربوط به امتیازی برای کشتی‌رانی در دریاچه رضائیه بود - ادعای مزبور در زمانی که جناب آقای دکتر مصدق وزیر امور خارجه بودند به وزارت امور خارجه ارائه گردید - معزای‌الیه با آنان موافقت فرمود و مصراً تقاضا داشتند که این جانب نیز با آن فوراً موافقت نمایم.

ادعای مزبور با وجود تأکیدات جناب آقای دکتر مصدق مورد بررسی کامل قرار داده و در تقدیم آن به مجلس شورای ملی اصرار ورزیدم تا اینکه مجلس نیز تأدیه آن را اجازه داد. رئیس کل دارایی»

آقای دکتر نوشته‌اند: «ادعایی است که از طرف سفارت انگلیس راجع به یک نفر انگلیسی و یک نفر روسی ارسال گردید» در صورتی که این ادعا مورد توجه هر دو سفارت بوده و ممکن است که به آقای دکتر فقط ادعای سفارت انگلیس ارسال شده‌است - ایشان مدعی هستند که ادعای مزبور زمانی که این جانب وزیر خارجه بوده‌ام به وزارت خارجه ارائه شده در صورتی که این جانب در سال ۱۳۰۲ فقط چند ماه در کابینه مرحوم مشیرالدوله عهده‌دار پست وزارت خارجه بیشتر نبوده و به شهادت پرونده‌ها موضوع بحث مدتی قبل از تصدی این جانب مورد تقاضا بوده‌است - آقای دکتر مدعی هستند که «موضوع با موافقت و اصرار این جانب مورد مطالعه و موافقت فوری ایشان واقع شده‌است» من از ایشان خواهانم که کوچکترین مدرکی در این باب ارائه کنند - در صورتی که این جانب مطابق یادداشتی که در ۱۴ میزان ۱۳۰۲ به اداره مربوطه داده‌ام مخصوصاً تصریح کرده‌ام که آقای مستشار کل مالیه بر طبق مذاکراتی که در جلسه ۱۳ میزان هیئت دولت در حضور آقای رئیس‌الوزراء و آقای وزیر مالیه (فروغی) به عمل آورده‌اند لازم دانسته‌اند از کار دعاوی «بوداگیانس» و «استیفوس» مطلع گردند و در یادداشت خود این‌طور دستور داده‌ام «لازم است ترجمه بعضی از نوشتجات را که عامل و مؤثر ضد دعاوی آنهاست تهیه کرده برای آقای مستشار کل مالیه بفرستید» که طی همین دستور در ۲۴ میزان از طرف اداره مربوطه شرحی به آقای دکتر نوشته و نوشتجاب برای ایشان فرستاده شده‌است - البته خوانندگان محترم از این دستور این‌طور استنباط نخواهند نمود که این جانب مصراً تقاضا نموده‌ام که آقای دکتر با آن موافقت نمایند - ایشان باز تکرار فرموده‌اند که ادعای مزبور را با وجود تأکیدات این جانب مورد بررسی قرار داده و در تقدیم آن به مجلس شورای ملی اصرار ورزیده‌اند، در صورتی که چند ماه بعد از تصدی این جانب یعنی در ۱۴ حمل ۱۳۰۳ مرحوم فروغی که قائم مقام من بوده‌اند در قسمت اخیر مراسله‌ای که یکی از نمایندگان خارجه نوشته مرقوم می‌فرمایند «دولت متبوعه دوستدار برای اینکه به کلی به دعاوی «مسیو بوداگیانس» و «مسیو استیفوس»

شریک او خاتمه داده شود تصمیم نموده مبلغی از بابت قیمت اموال و کشتی‌هایی که مشارالیهما در دریاچه ارومیه داشته‌اند و مخارجی که می‌گوید برای نگاهداری آنها و ساختن ایستگاه و غیره‌ها در دریاچه مزبور نموده‌اند بپردازد» و البته خوانندگان از قسمت اخیر مراسله این‌طور نتیجه خواهند گرفت که مرحوم فروغی پس از اینکه چند ماه وزیر خارجه بوده تازه در ۱۴ حمل می‌نویسد «دولت تصمیم نموده مبلغی از بابت مطالبات آنها بپردازد» که تصمیم دولت شش ماه بعد یعنی در جلسه ۱۳ میزان ۱۳۰۳ مجلس شورای ملی به صورت قانون در آمده و ماده واحده پیشنهادی دولت بدین طریق تصویب شده‌است:

«مجلس شورای ملی به وزارت مالیه اجازه می‌دهد که کشتی‌ها و کاروانسرا و مایملک دیگر «بوداغانس» و «استیفوس» را در دریاچه ارومیه به مبلغ ۳۲۰ هزار تومان خریداری نماید. تبصره - دعاوی موجوده بین ورثه «امامقلی میرزا» و «بوداغانس» را دولت در ضمن این معامله خاتمه می‌دهد».

بنا بر آنچه گذشت معلوم نیست این‌جانب در قطع و فصل دعاوی یک نفر انگلیسی و یک نفر روسی چه اعمال نفوذی نموده‌ام که آقای دکتر میلیسپو تحت تأثیر واقع شده‌اند.

۱۱ دیماه ۱۳۲۳ - دکتر محمد مصدق

۵۶

نامه دکتر مصدق به روزنامه اطلاعات

اخیراً آقای دکتر مصدق طرحی راجع به قانون مطبوعات تهیه و برای مطالعه ارباب جراید به روزنامه‌ها فرستاده بودند که مناسفانه به واسطه کثرت مطالب ما موفق به درج آن نشدیم لکن این طرح در تمام جراید طبع و مورد بحث واقع شد و اغلب نظریات خود را نسبت به این موضوع ابراز داشتند و عقاید مختلفی در پیرامون آن اظهار گردید. امروز نامه زیر را آقای دکتر مصدق در تعقیب طرح مزبور به اداره فرستاده و تقاضای درج آنرا کرده‌اند که عیناً طبع می‌گردد:

اداره روزنامه اطلاعات

به مناسبت مقالاتی که در بعضی از روزنامه‌ها در اطراف طرح مقدماتی این‌جانب راجع به قانون مطبوعات منتشر شده و از حدود انتقاد و بحث نظری تجاوز نموده‌اند تقاضا می‌نمایم مراتب ذیل را در آن جریده شریفه درج فرمایند:

این‌جانب طرح مقدماتی خود را برحسب تقاضای عده‌ای از آقایان مدیران محترم جراید تهیه نموده و چنانکه در مقدمه آن متذکر شده‌ام چیزی که موجب شد این مواد را اختیار کنم این بود که گفتند مواد مزبور در وزارت دادگستری با جلب نظر نمایندگان مطبوعات تنظیم و مقبول آنان واقع شده‌است و این‌جانب بدون اینکه در اساس آن تغییراتی دهم در بعضی از فروع تصرفاتی نموده و باز لازم دانستم که قبل از تقدیم به مجلس نظر اشخاص ذی‌نفع یعنی آقایان مدیران جرائد را جلب کنم.

علت اینکه برای قبول این زحمت حاضر شدم این بود که امیدوار بودم با گذشتن آن در مجلس کار مطبوعات به جریان قوانین عادی و دادگاههای عمومی خواهد افتاد و زمینه الغای حکومت نظامی فراهم می‌شود و از این راه خدمتی به اصول آزادی خواهد شد. اکنون مشاهده می‌شود که بعضی از روزنامه‌ها با آن موافقت ندارند و برای گذراندن چنین قانونی لازم بود که ارباب جرائد در مقابل مخاطراتی که هستی آنان را تهدید می‌کند اختلافات را کنار بگذارند و با یک روح صمیمیت نظریات خود را اظهار نمایند این است که با کمال تأسف از گناهی که در قبول این خدمت ملی مرتکب شده‌ام استغفار می‌کنم و از روزنامه‌هایی که بی‌غرضانه اظهار نظر نموده‌اند تشکر و خواهش می‌نمایم که دیگر زحمت مطالعه آن را بخود ندهند زیرا که از این طرح منصرف هستم و البته ارباب مطبوعات صلاح خود را بهتر می‌دانند.

دکتر محمد مصدق

۵۷

نامه دکتر مصدق به سفیر اتحاد جماهیر شوروی در تهران

۲۲ اسفند ۱۳۲۳

جناب آقای ماکسیموف سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی

پیغام جنابعالی توسط یکی از هموطنان به این جانب رسید و با اینکه تاکنون درک زیارت جنابعالی را ننموده‌ام از لحاظ سمتی که در ایران دارید و احترام دولت متبوع شما اجازه می‌خواهم که بعد از عرض معذرت از تأخیر عرض جواب که علت آن کسالت و پیش‌آمدهای ایام اخیر بوده‌است کتباً توضیحاتی عرض کنم تا در نقل قول تحریفی نشود و عرایض این جانب بدون تغییر به آن جناب برسد.

راجع به نفت شمال ایران که ابتکار پارلمانی این جانب موجب بدبینی و دلتنگی مأمورین اتحاد جماهیر شوروی گردید و حتی رادیوی مسکو اسناداتی به این جانب داد که استحقاق آن را ندارم، لازم است عرض کنم که به دلایل تاریخی و تجربیات تلخی که از امتیازات داریم موکلین من اصولاً با هرگونه امتیازی که راجع به منابع ثروت مملکت به داوطلبان غیرایرانی در قلمروی ایران داده شود خوش‌بین نیستند و در جلسه ۱۹ مرداد ۱۳۲۳ که به‌طور ناگهان دولت برای سؤال بعضی از نمایندگان راجع به مذاکرات امتیاز نفت با شرکت‌های امریکایی به مجلس آمد و یکی از اعضای فراکسیون حزب توده چنین اظهار نمود: «بنده و رفقایم با دادن امتیازات به دولت‌های خارجی به‌طور کلی مخالفیم همان‌طور که ملت ایران توانست راه‌آهن خود را احداث کند یقین دارم که با کمک مردم و سرمایه داخلی ما می‌توانیم تمام منابع ثروت این مملکت را استخراج کنیم». چون این بیان مطابق فکر من بود لازم دانستم در این باب مطالعات عمیق کنم و از روی

مدارک نظریات خود را مستلاً در مجلس بیان نمایم بنابراین مشغول تهیه لایحه‌ای شدم برای اینکه هر وقت پیشنهاد امتیاز شرکت‌های امریکایی در مجلس مطرح شود از آن استفاده نمایم. خوشبختانه ورود جناب آقای کافتارادزه به تهران سبب شد که داوطلبان امریکایی از پیشنهاد خود صرف‌نظر کنند و فرصتی به دست نیامد که نظریات خود را در موضوع معادن نفت ایران در مقام مخالفت با شرکت‌های امریکایی بیان نمایم وقتی که مباحثه بین جناب ایشان و کابینه ساعد علنی شد بسیار متأسف شدم از اینکه به دوستی ایران و شوروی که برای ایرانیان عوضی ندارد خللی برسد و از محبوبیتی که اتحاد جماهیر شوروی بر اثر رویه قابل ستایش ارتش سرخ تحصیل کرده‌است بکااهد و چون معتقدم که اتحاد جماهیر شوروی حق بزرگی بر ما دارد و ما را از مخاطره حیاتی نجات داده‌است میل نداشتم ترتیبی پیش آید که از امتیاز شوروی در مجلس عنوانی بشود و این‌جانب از نظر مخالفت نظریاتی اظهار نمایم، این بود که برای جلوگیری از چنین حادثه‌ای در جلسه هفتم آبان ۱۳۲۳ مجلس شورای ملی نطق خود را ایراد نمودم و برای اینکه راهی برای مذاکره باز شود طرحی اتخاذ و خاطر نشان نمودم که مخازن نفتی ما بدون اینکه امتیازی داده شود مورد استفاده صنایع شوروی واقع گردد.

این‌جانب به این ترتیب تکلیف نمایندگی خود را ادا کردم و از این حیث وجدانم آرام بود و از قبول مقام نخست‌وزیری که در آن موقع با اکثریت قریب به اتفاق به من تکلیف کردند امتناع نمودم و برای عدم قبول دلایلی داشتم که همان وقت اعلام نمودم اما قبول بفرمایید رعایت دوستی ایران و شوروی و ملاحظه اینکه مبادا با عقاید صریحی که نسبت به مسئله نفت اظهار کرده‌بودم روابط بین دو کشور را دچار بحران کند در تصمیم من بی‌اثر نبوده‌است - در عین حال از وقتی که کابینه وقت ساقط شد در این اندیشه بودم که کمک مؤثری در حل مسأله‌آمیز اختلاف کنم و اطلاع داشتم که می‌خواهند قانونی از مجلس بگذرانند که هرگونه مذاکره در موضوع نفت ایران تا مدتی بعد از خاتمه جنگ موقوف و ممنوع باشد و تشخیص من این بود که مبتکرین این فکر می‌خواهند باب مذاکره را مسدود کنند؛ در قبال این زمینه به نظرم رسید از یکی از نمایندگان مجلس که با محافل شوروی ارتباط داشت نظریات نمایندگان دولت شوروی را استفسار کنم که اگر برای معامله انحصاری خرید نفت حاضر باشند موقع مذاکرات در برنامه دولت پیشنهاد کنم و دولت آن را جزو برنامه خود نماید و وقتی که پس از مراجعه به مقامات شوروی اطمینان داد که شما فقط طالب محصول نفت ایران هستید و کیفیت تحصیل آن برای شما فرق نمی‌کند هنگام شور در برنامه کابینه بیات در جلسه هفتم آذرماه ۱۳۲۳ مجلس شورای ملی در ضمن نطق خود طرحی که در مجلس قابل قبول باشد و بتوان مقصود مرا که مبتنی بر افکار عمومی ایران است و نظریات شما، هر دو را تأمین کند تهیه نمودم که منابع معدنی نفت به دست ایرانی استخراج شود و از این رو ماده اول طرح من اعطای امتیاز را به هریک از دول و یا شرکت‌های خارجی منع می‌کند و بر طبق ماده دوم دولت می‌تواند با هر دولتی که طالب

انحصار خرید نفت باشد و طرز استخراج آن داخل مذاکره شود و با اطلاع مجلس شورای ملی قراردادی که مقتضی باشد منعقد نماید و بسیار خوشوقت بودم که کار بفرنجی که مملکت را دچار تشنج کرده بود به این ترتیب تمام و به دوستی ایران و شوروی خدمتی توانستم بکنم ولی وقتی که دانستم مأمورین دولت شوروی اهمیت طرح مرا درک نکرده‌اند و از آن نتوانستند استفاده کنند و بلکه تظاهراتی در اطراف آن نمودند که قهراً به مقام معنوی اتحاد شوروی در ایران و بلکه در تمام شرق ممکن است لطمه بزند و موجب مسرت سایر دول بشود بسیار متأسف شدم.

جناب آقای سفیر! امیدوارم که نفرمایید من به مقام و موفقیت دولت شما بیش از خودتان علاقمندم. علاقه من به موفقیت دولت شما از نظر مصالح ایران است و چنانکه در مجلس علناً اظهار داشتم گذشته شما ثابت کرده است که هر وقت دولت شوروی از صحنه سیاست ایران غایب شده روزگار ایران تباه شده است! تصدیق بفرمایید که قلوب ملت ایران از معادن نفت گران‌تر و کانی است که در آن می‌توانید استخراج محبت نمایید.

اگر رویه پسندیده‌ای که بعد از اشغال ایران ارتش و مأمورین شما اتخاذ نموده‌اند تعقیب و قلوب مردم را بیش از پیش مسخر کنید و فریب القائات سخن‌چینان را نخورید بین دولتین همکاری و حسن تفاهمی ایجاد خواهد نمود که بازار کسانی که از سوء تفاهم می‌خواهند استفاده کنند از رواج می‌افتد شما که برای حق و عدالت شمشیر از نیام کشیده‌اید و در ایران خود را طرفدار حق نشان داده‌اید صلاح نیست که غیر از این رویه دیگری اتخاذ فرمایید و مطمئن باشید که با تعقیب این رویه جامعه را شیفته خود خواهید کرد.

جناب آقای سفیر!... من که به شما این عرایض را می‌کنم لازم نمی‌دانم که از کاربرد سیاسی خود چیزی عرض کنم همین قدر می‌توانم اظهار کنم که در تمام دوره زندگی مصلحت ایران را با هر چیز نتوانستم عوض کنم و هیچ عاملی نتوانسته است مرا از صراط مستقیم منحرف کند از هر چیز صرف‌نظر کردم که با بیدادگری مبارزه کنم حبس و تبعید شده و حتی مواجه با مرگ گردیده‌ام و تمام این مشقات به عقاید راسخ من نتوانسته است خللی وارد کند. من ایران را دوست می‌دارم همان طوری که شما خاک اتحاد شوروی را دوست دارید - باور بفرمایید که آنچه تاکنون در مجلس گفته‌ام و هر قدمی که برداشته‌ام هیچ محرکی جز ایمان و علاقه‌ای که به کشور خود دارم نداشته‌ام - عقاید سیاسی خود را مخصوصاً در قسمت سیاست خارجی ایران در مجلس علناً بیان کرده‌ام و تکرار آن را در این جا زائد می‌دانم و فقط می‌خواهم به شما اطمینان بدهم که آنچه در زمینه عقاید خود گفته‌ام ندای ایمان و صدای قلب من است و هرکس که بخواهد در رویه من تأثیر کند فقط با یک عملی که به معتقدات من نزدیک باشد می‌تواند مرا شیفته خود سازد.

و اما راجع به معرفی شخصی که این جانب را از موافقت شما با فرمول نفت مطمئن ساخت و یکی از اعضای فراکسیون توده است چون به او قول داده‌ام که نام او را نزد ثالی افشاء نکنم از

معرفی او به کسی که حامل پیغام بود خودداری کردم لیکن از خود شما نمی‌توانم پنهان کنم چون طرف قضیه هستید و او به نام شما توضیحاتی به من داده‌است بنابراین اگر یکی از کارکنان سفارت که آشنا به زبان فارسی یا فرانسه باشد به من مراجعه کند او را معرفی خواهم کرد. در خاتمه تمناً دارم که آن جناب احترامات فائقهٔ مرا قبول فرمایید.

امضاء دکتر محمد مصدق

۵۸

نامه دکتر مصدق به نخست وزیر

۲۴/۱/۲۸

جناب آقای نخست وزیر

شرحی از طرف هزار نفر کارمندان ادارات دولتی اصفهان بامضای آقای شیرنشان باین جانب رسیده که عین آن را برای استحضار خاطر محترم ارسال و توجهات جنابعالی را به اصلاح وضعیت آنها جلب می‌نمایم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

[رقم مهر ورود به نخست‌وزیری]

نمره ۲۲۱۷ مورخه ۲۴/۲/۲

۵۹

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۲۴ اردی‌بهشت ماه ۱۳۲۴

جناب آقای حسین مکی

تیمسار محترم آقای سرتیپ ضرابی رئیس ادارهٔ کل شهربانی وعده فرمودند که پروندهٔ این‌جانب را در خود شهربانی به اختیار جنابعالی بگذارند که از هر یک از برگ‌ها که لازم باشد استفاده فرمایید [.]

[رقم امضاء] دکتر محمد مصدق

۶۰

نامه دکتر مصدق و چند تن از نمایندگان اقلیت (دورهٔ چهاردهم)

ادارهٔ روزنامهٔ اطلاعات

چون در بعضی از جراید، مخالفین دولت را کمتر از آنچه هست قلمداد نموده‌اند. لزوماً به

استحضار عامه می‌رسانیم که در جلسه ۲۹ خردادماه ۱۳۲۴ مجلس شورای ملی عده حاضر در مرکز مطابق تشخیص اداره تقنینیه ۱۱۴ نفر بوده و موقعی که نمایندگان اقلیت از جلسه خارج شدند نمایندگانی که در جلسه ماندند فقط ۵۸ نفر بوده که ممکن است بعضی از آنها هم با دولت موافق نبوده‌اند و نه ۶۸ نفر که بعضی از جراید انتشار داده‌اند. از طرف نمایندگان اقلیت: دکتر مصدق، رضا حکمت، محمدرضا تهرانیچی، مهندس فریور.

۶۱

نامه دکتر مصدق و رضا حکمت از سوی نمایندگان اقلیت دوره چهاردهم به رئیس مجلس

ریاست مجلس شورای ملی!

۱۳۲۴ خرداد

نامه شماره ۶۱۱۰ مورخ ۳۲۴/۳/۲۷ جناب آقای صدر توسط آقای طوسی به نمایندگان اقلیت ابلاغ شد، لزوماً به استحضار عالی می‌رسانیم: وظیفه حتمی هر نخست‌وزیر این است که پس از معرفی وزراء به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بلافاصله و قبل از شروع به کار در مجلس شورای ملی حاضر شده کابینه را معرفی و نظریات مجلس را نسبت به دولت خود استنباط نماید.

معلوم نیست تاکنون از چه نظر جناب ایشان در انجام این وظیفه مهم خودداری نموده‌اند!! نمایندگان اقلیت از مقام ریاست مجلس درخواست می‌کنند که به جناب آقای صدر اعلام فرمایند دولت خود را هر چه زودتر بیاورند. بدیهی است که اگر مشاهده فرمودند وضع مجلس با دولت ایشان مساعد است و اکثریت قابل توجهی هست که بتواند پشتیبان دولت و گذراندن لوایح ایشان باشد می‌مانند و الاً وظیفه هر شخص وطن‌پرست این است که در این قبیل موارد به ضرر کشور راضی نشود و برای جلوگیری از اتلاف وقت و بحران از کار کناره نماید و نیز به جناب ایشان ابلاغ فرمایید که از اتخاذ تصمیماتی که شایسته دولت معرفی نشده می‌باشد خودداری فرمایند.

از طرف نمایندگان اقلیت: دکتر محمد مصدق - رضا حکمت

۶۲

نامه دکتر مصدق و چند تن از نمایندگان اقلیت به ریاست مجلس شورای ملی

به تاریخ بیستم تیرماه ۱۳۲۴

ریاست محترم مجلس شورای ملی!

پیرو مذاکرات مکرری که در طی این مدت به عمل آمده نظر به اینکه اقلیت معتقد است که

جناب آقای صدر قادر به حل معضلات موجوده و حفظ مصالح حیاتی کشور نیستند برای جلوگیری از اتلاف وقت و رفع اختلاف در این موقع خطیر نمایندگان اقلیت حاضر خواهند بود در جلسه علنی مجلس شرکت نمایند مشروط بر اینکه ریاست محترم مجلس به هر نحو مقتضی می‌دانند اطمینان حاصل نموده و به نمایندگان اقلیت نیز اطمینان دهند که پس از طرح برنامه آقای صدر بلافاصله برکنار شوند انتظار داریم این حسن نیست نمایندگان اقلیت که برای رفع بلا تکلیفی ابراز می‌شود و کاملاً بر وفق مصالح کشور و خیر عامه است مورد توجه نمایندگان اکثریت واقع و بدین وسیله موجبات توافق بیشتری برای انجام امور کشور فراهم گردد.

امضاء: دکتر مصدق - امیرنصرت اسکندری - حکمت - فریور - تهرانچی

۶۳

نامه دکتر مصدق به حکیمی نخست‌وزیر

جناب آقای نخست‌وزیر!

اخیراً هیئت وزیران تصویب نامه‌ای دایر بالغای انحصار خرید و فروش پارچه‌های نخی صادر نموده که بنظر این جانب محتاج باصلاح است و چون ناچارم که برای استراحت چند روز از شهر خارج شوم نظریات خود را بدین وسیله بااطلاع جنابعالی می‌رسانم تا اگر مقتضی دانند اصلاحی که لازم است در آن بعمل آورند.

قبل از جنگ احتیاج سالیانه اهالی ایران بپارچه‌های نخی در حدود یکصد و بیست میلیون متر بوده و در موقع جنگ سهمیه وارداتی که از طرف کمیته خاورمیانه برای ایران تعیین گردیده در حدود ۳۰ میلیون متر بوده است که اگر آن را با ۱۰ میلیون متر محصول داخلی بطور تساوی بین ۱۰ میلیون نفر حداقل جمعیت ایران تقسیم کنیم بهر نفر چهار متر در سال بیشتر نمی‌رسد و چنانچه میزان قماش که در آتیه وارد کشور خواهد شد با میزان مورد احتیاج اهالی کشور برابری می‌کرد جای نگرانی باقی نمی‌ماند و واردکنندگان نمی‌توانستند استفاد هنگفتی بنمایند ولی متأسفانه بر طبق مذاکراتی که نمایندگان کمیته تدارکات خاورمیانه در موقع برچیدگی نمایندگی در ایران نموده‌اند قماش که بایران وارد خواهد شد تا مدتی بواسطه احتیاج اروپای شرقی بیش از ۳۰ میلیون متر در سال نخواهد بود. بنابراین با هرگونه بی‌نظمی و اختلال که در امور پخش دولتی موجود بود لااقل نصف از قماش وارده با قیمت ارزان بین اهالی مستحق کشور توزیع می‌شد و قسمت دیگر آن در بازار آزاد داد و ستد می‌گردید. ولی اکنون که خرید و فروش قماش را دولت بدون هیچ شرطی آزاد و جیره بندی آن را ملغی نموده است آن مقدار قماش هم که بقیمت ارزان به مردم داده می‌شد واردکنندگان که عده آنها خیلی محدود و غالباً هم بازرگانان خارجی هستند بقیمت گرانی بمردم فروخته و استفاده معتناهی خواهند نمود زیرا هر متر پارچه

با در نظر گرفتن ۴۵٪ حق انحصار مصوب هیئت وزیران و مختصر عوارض گمرکی بین دوازده تا چهارده ریال وارد کشور می‌شود و چنانچه واردکنندگان بتوانند با قیمت فعلی بازار آزاد با قماش که بقیمت مزبور وارد می‌کند بفروشد بیش از یک میلیارد و نیم ریال بمردم خسارت وارد خواهد شد.

بنابراین مقتضی است در مفاد تصویب‌نامه صادر تجدید نظر نموده و ترتیبی فرمایند که واردکنندگان و فروشندگان قماش تابع مقرراتی باشند که بتوانند این کالا را که از احتیاجات اولیه و ضروری این کشور است بیش از نرخی که دولت بر اساس قیمت تمام شده و سود عادلانه تعیین می‌کند بفروش برسانند و از این راه خساراتی متوجه اهالی کشور نگردد.

۶۴

نامه دکتر مصدق به نخست وزیر

۲۴/۱۰/۱۰

تهران

نخست وزیری

نامه شماره $\frac{۱۸۰}{۲۴/۱۰/۶}$ جمعیت قیام روستا راجع به قانون تبدیل دیپلمه‌های کشاورزی از قراردادی برسمی را برای استحضار و صدور پاسخ مقتضی ارسال می‌دارم. [رقم امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

[رقم مهر]

ورود بدفتر ریاست وزراء

شماره ۱۸۱۵۱

تاریخ ۲۴/۱۰/۱۵

۶۵

مراسله دکتر مصدق و جمعی از نمایندگان مجلس به حکیمی نخست‌وزیر

۱۶ دی‌ماه ۱۳۲۴

جناب آقای حکیمی نخست وزیر!

عطف به شایعات منتشره در این چند روزه اخیر بدین وسیله امضاء کنندگان زیر صریحاً اعلام می‌داریم که دولت حق اخذ هیچ‌گونه تصمیم که جزئاً یا کلاً مستقیماً یا غیرمستقیم دخالت یک یا چند دولت خارجی را در امور داخلی ایران تصریحاً یا تلویحاً ایجاب نماید، ندارد و هرگونه موافقتی در این امور بدون تصویب مجلس شورای ملی خالی از اعتبار و خارج از

وظایف و اختیارات دولت است.

امضاءکنندگان: تیموری - دکتر فلسفی - صادقی - فرمان‌فرمایان - ذکائی -
مهندس فریور - رحیمیان - صدراعظمی - حبیب‌الله‌داری - فرمند -
تهرانچی - شهاب فردوسی - تیمورناش - پروین گنابادی - فداکار -
گرگانی - دکتر محمد مصدق

۶۶

نامه دکتر مصدق به حکیمی

صبح جمعه ۲۱ دی ماه ۱۳۲۴

برای درج در روزنامه محترم اطلاعات ارسال می‌شود

جناب آقای حکیمی نخست وزیر

روزنامه اطلاعات در شماره ۱۸۱۵۹۵۳ ر ۱۸ دی ماه ۲۴ خبر ذیل را منتشر کرده است.

«رادیو لندن (امروز قبل از ظهر) سفارت کبرای ایران در لندن به مستر استه‌تینوس رئیس کمیته مخصوص تنظیم برنامه سازمان ملل متفق اطلاع داده که موضوع ایران در فهرست کارهای جلسه سازمان مزبور وارد نشده است ولی کوشش‌هایی مبذول خواهد شد که کمیسیون بررسی موضوع ایران هرچه زودتر تشکیل شود.»

این جانب نتوانستم درک کنم که آقای تقی‌زاده از چه نظر موضوع ایران را جزو فهرست کارهای جلسه سازمان نموده‌اند زیرا اگر دولت نتواند قضیه آذربایجان را به‌طور مستقیم حل کند تنها امیدی که برای ما هست همان طرح در سازمان ملل متفق است.

لذا درخواست می‌کنم آن جناب فوراً به آقای تقی‌زاده تلگراف فرمایند دری را که بسته‌اند باز کنند و از خر شیطان پائین بیایند.

دکتر محمد مصدق

۶۷

نامه دکتر مصدق به روزنامه اطلاعات

۲۴/۱۰/۲۳

اداره روزنامه اطلاعات

در شماره ۵۹۵۴ نوزدهم دی ماه ۱۳۲۴ آن روزنامه محترم جزو اخبار مجلس راجع به اعلام

جرم این جانب بر علیه جناب آقای بدر وزیر سابق دارائی چنین درج شده:

«سپس خطاب به نمایندگان اعضاء کمیسیون عرایض اظهار داشتند خوب است آقایان

متوجه این مطالب شده و در رای خود تجدید نظر بکنند و مثل آقای امینی در اول جوانی نامی

به زشتی برای خود تهیه نکنند»

در صورتیکه روزنامه رسمی شماره ۲۶۷ بیانات این جانب را به شرح ذیل منتشر نموده است: «بنده خواهش می‌کنم که آقایان اعضاء کمیسیون عرایض و مرخصی این عرایض را متوجه شوند و اگر این راپورت را هنوز که نداده‌اند می‌خواهند بدهند درش تجدید نظر بکنند و مثل یک آقای امینی کسی برای خودش در اول عمر نامی به زشتی باقی نگذارد» چون از این مذاکرات مقصود این جانب توهین نبوده و بلکه خواسته‌ام جناب آقای امینی نماینده محترم را به مواد قانون مجازات عمومی که در مجلس قرائت شد جلب کنم خواهشمندم در تصحیح آنچه که برخلاف واقع منتشر شده، اقدام فرمایید که موجب تشکر خواهد بود.

دکتر محمد مصدق

۶۸

نامه دکتر مصدق در پاسخ ایراد روزنامه اطلاعات

اداره روزنامه اطلاعات!

چون در شماره ۵۹۵۸ مورخ ۲۴ دی ماه آن روزنامه محترم تحت عنوان «تغییر دولت» چنین اظهار شده است: «یکی از مخالفین دولت اکنون شخص آقای دکتر مصدق می‌باشند که ما همواره به نظر احترام به افکار و آراء شخص ایشان نظر داشته‌ایم ایشان در یک مورد دولت آقای حکیمی را مورد اعتراض قرار دادند که در قضیه آذربایجان چرا این مسئله را جنبه بین‌المللی دادند و اخیراً اعتراض نمودند که چرا دولت قضیه ایران را به سازمان ملل متفق مراجعه نکرده است در این مورد فرض کنید دولت خواسته باشد از نظر آقای دکتر مصدق پیروی کرده باشد چگونه جمع بین این دو نظر نماید؟!»

جواباً لازم می‌دانم نظریات خود را تکرار کنم و سوء تفاهمی که ممکن است از مندرجات بعضی جراید دست دهد رفع نمایم.

در جلسه ۱۹ دی‌ماه مجلس شورای ملی نظریاتم این بود: «بین دولت راجع به طرز اداره نمودن قسمتی از مملکت با یک عده از اهالی آنجا اختلاف حاصل شده است. قبلاً باید با اهالی، دولت داخل مذاکره شده شاید اختلاف را بتوان با خود آنها حل کرد و چنانچه به این طریق نتیجه نداد با دولت اتحاد جماهیر شوروی مذاکره کنیم که مانع مرتفع و اختلاف حل شود. بنابراین صلاح نیست که دولت انگلیس و امریکا به نام سه دولت با ما داخل مذاکره شوند و در سایر نقاط ایران هم که هیچ وقت اختلافی نداشتیم ایجاد اختلاف کنند، ما باید این اوراق را رد کنیم و به هیچ وجه حاضر نشویم که در آن مذاکره نماییم»

بنا بر آنچه عرض شده این جانب اعتراض نمودم که دولت راه بین‌المللی غلطی را انتخاب

نموده‌است و چون بعد از بیانات ۱۹ دی‌ماه در مجلس خبر ذیل را نقل از رادیو لندن در روزنامه اطلاعات خواندم:

«سفارت کبرای ایران در لندن به مستر استه‌تی‌نینوس رئیس کمیته مخصوص تنظیم برنامه سازمان ملل متفق اطلاع داده که موضوع ایران در فهرست کارهای جلسه سازمان مزبور وارد نشده‌است ولی کوشش‌هایی مبدول خواهد شد که کمیسیون بررسی به موضوع ایران، هرچه زودتر تشکیل شود»

این بود که بلافاصله به آقای نخست‌وزیر نوشتم که «این‌جانب نتوانستم درک کنم که آقای تقی‌زاده از چه نظر موضوع ایران را جزو فهرست کارهای جلسه سازمان نموده‌اند زیرا اگر دولت نتواند قضیه آذربایجان را به‌طور مستقیم حل کند تنها امیدی که برای ما هست همان طرح در سازمان ملل متفق است»

این‌جانب تصور می‌کنم که سفارت کبرای ایران این اقدام را از این نظر نمود، که در سازمان بروی ما بسته شود تا ناچار شویم با نقشه شومی که برای محو استقلال ما ترسیم شده بود موافقت کنیم و من یقین دارم که اگر وقت نگذشته باشد و آیین‌نامه داخلی سازمان اجازه دهد این در بروی ما باز می‌شود - هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که بین مذاکراتی که با دو دولت می‌شد و مراجعه به سازمان ملل متفق فرق بسیار نیست زیرا سازمان مزبور نمی‌خواهد با ما قراردادی منعقد کند و قراردادی که از قرارداد وثوق‌الدوله بدتر منعقد نماید.

این‌جانب عقیده ندارم که قبل از مذاکره با اهالی محل و یا با دولت شوروی به این سازمان مراجعه کنیم و ماده ۳۳ منشور ملل متفق می‌گوید:

«طرفین هر اختلاف که دوام آن ممکن است باعث تهدید نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی گردد باید قبل از هر چیز حل آن را از مجرای مذاکرات - بازپرسی - میانجیگری - آشتی - داوری - تصفیه قضایی - مراجعه به مؤسسات یا قراردادهای محلی و یا به وسایل مسالمت‌آمیز دیگری به انتخاب خود جستجو نمایند.»

ملاحظه می‌کنیم که ماده مزبور در درجه اول مذاکرات را در نظر گرفته است و چون راه مذاکرات این دولت مسدود است از این جهت بکرات از جناب آقای حکیمی نخست‌وزیر درخواست نموده‌ام از کار کناره‌جویی کنند تا دولتی روی کار آید که بتواند رفع اختلاف نماید و باز صریحاً عرض می‌کنم، گره‌ای که ممکن است با دست باز نمود نباید آن را با دندان کور کرد، و تا از طریق مذاکرات مایوس نشویم مراجعه به سازمان ملل متفق را برخلاف صلاح مملکت می‌دانم و آن دولتی هم که می‌تواند وارد مذاکرات شود این دولت نیست و آقای نخست‌وزیر هرچه زودتر کناره‌جویی کنند بهتر است و صلاح نیست که بیش از این در بقای خود اصرار نمایند.

دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق به اتاق بازرگانی تهران

۲۷ دی ماه ۱۳۲۴

چون انتشار بعضی از مقالات راجع به نظریات این‌جانب در امور اقتصادی آن روزنامه محترم ممکن است در افکار عامه ایجاد سوء تفاهم کند رونوشت نامه‌ای که به اتاق بازرگانی تهران نوشته‌ام برای درج در آن روزنامه محترم ارسال می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

۲۷ دی ماه ۱۳۲۴

اتاق بازرگانی تهران

با استحضار از مفاد نامه شماره ۲۱۵ مورخ ۲۵ دی ماه ۲۴ تصدیق می‌دهد این‌جانب در ضمنی انتقاد از رویه اقتصادی دولت در مجلس شورای ملی به هیچ وجه قصد تهمت یا اهانت نسبت به اعضاء محترم اتاق بازرگانی تهران نداشته و مطلبی که مخالف با حقیقت جریان امر باشد اظهار نکرده‌ام. اما این نکته که پاره [ای] از تصمیمات اقتصادی دولت در نتیجه مذاکره با اتاق بازرگانی و با توجه به نظریات و پیشنهادهای آن اتاق اتخاذ شده است قابل تردید نیست و این موضوع در اغلب روزنامه‌ها و در مجله اتاق بازرگانی تهران هم نوشته شده است و بعلاوه در ضمن بعضی از تصویب‌نامه‌های اخیر وظایفی بعهدہ اتاق بازرگانی تهران محول شده است که البته با اطلاع و موافقت قبلی آن اتاق بوده است.

اگر در مورد شکرهای موجود در گمرک‌خانه‌ها به‌طوریکه اظهار داشته‌اید اعضاء اتاق بازرگانی تهران شخصا ذی‌نفع نباشند ولی در مورد آزادی ورود قماش که جناب آقای هژیر وزیر دارائی در بدو تشکیل این دولت تصویب‌نامه آن را به شماره ۱۵۸۴۶ از هیئت وزیران گذرانیدند و مورد اعتراض این‌جانب واقع شد، مخصوصاً در موضوع قماشهایی که سفارش آنها مطابق قراردادهای رسمی برای فروش به دولت بوده ولی طبق تصویب‌نامه مزبور برخلاف اصل عدم شمول مقررات بماسبق معامله آن‌ها به بازرگانان واگذار شده است شکی نیست که بعضی از اعضاء محترم اتاق بازرگانان تهران از قبیل آقای عبدالحسین نیک‌پور در معامله ۳۷۶۶۷ یارد آقای محمدرضا خرازی ۸۵۱۲۷ یارد آقای مهدی لاری ۳۱۴۳۲ یارد آقای عباس اخوان ۱۲۲۱۰۰ یارد شخصاً ذینفع و طرف معامله و مذاکره با دولت بوده‌اند.

این قماش‌ها به‌طوری که اطلاع دارید از محل سهمیه محدود واردات قماش از امریکا با پرداخت دلار به نرخ رسمی ۳۲/۵۰ ریال از حساب ارزی دولت خریداری شده و به بهای سیف هر یارد به‌طور متوسط در حدود ۲۰ سنت به نرخ دلار ۳۲/۵۰ معادل ۶/۵۰ ریال تحویل خرمشهر گردیده و از طرف دولت در قبال دریافت سود فرضی صددرصد که در واقع همان

تفاوت بین نرخ رسمی و نرخ آزاد دلار می‌باشد و نه سود حقیقی به بازرگانان واگذار شده و میلیونها تومان بدولت خسارت رسیده‌است زیرا بهای هر یارد قماش امریکایی پس از پرداخت ۶/۵۰ ریال بابت سود فرضی (یا تفاوت نرخ دلار) به دولت و تقریباً ۶ ریال بابت حقوق و عوارض گمرکی و انحصاری و ۱ ریال بابت مخارج حمل داخلی و متفرقه روی هم رفته ۲۰ ریال برای بازرگانان تمام می‌شود، در صورتی که نرخ عمده‌فروشی این قماش‌ها در بازار تهران کمتر از یاردی ۴ ریال نیست و بالتبجه بازرگانان ذی‌نفع در هر یارد قماش مورد احتیاج عموم اهالی است ۲۰ ریال سود واقعی می‌برد و دولت ۶/۵۰ ریال سود فرضی.

اما در باب شکرهای متعلق بی‌بازرگانان که مقدار آن را در حدود ۱۰۳۷ تن قلمداد نموده و توضیحاتی در باب طرز خرید و حمل و بهای تمام شده و تثبیت نرخ فروش و نام واردکنندگان آنها داده‌اند توجه آن اتاق را به مراتب ذیل معطوف می‌دارد:

۱- ورود قند و شکر به کشور بموجب قانون انحصار دولتی قند و شکر و کبریت مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۱۹ و بر طبق سهمیه‌های اقتصادی که از سال ۱۳۱۱ تا کنون بااستناد قانون انحصار بازرگانی خارجی مصوب ۱۳۱۱/۴/۱۹ منتشر شده است در انحصار عملی دولت می‌باشد بنا بر این اشخاصی که بدون تحصیل اجازه قبلی از دولت اقدام بخريد و حمل شکر از خارجه کرده‌اند تجارت غیرمجاز نموده و دولت می‌تواند به استناد ماده ۱۱ قانون انحصار تجارت خارجی شکرهای آنها را ضبط یا اقلأً به نرخ رسمی معاملات دولتی خریداری و توزیع نماید و مجوز قانونی برای تحویل این شکرها به بازرگانان در قبال دریافت سود بازرگانی از قرار هر کیلو ده ریال ضعیف به نظر می‌رسد.

مبلغ مورد مطالبه دولت در این مورد (برخلاف مورد معامله قماش) چون دولت هیچ‌گونه دخالتی در امر معامله کالا نداشته‌است حقاً نمی‌تواند عنوان سود بازرگانی داشته باشد، بلکه یک نوع مالیات یا اضافه حقوق ورودی است که بدون اجازه مجلس شورای ملی به واردات کشور تحمیل می‌شود.

۲- شکرهای مورد بحث خارج از سهمیه دولت نیست و عنوان مبادلات مرزی هم ندارد، زیرا بنگاه یوک‌سی‌سی با آنکه متصدی حمل و فروش آن نبوده است معادل آن از سهمیه شکر دولت کسر کرده است.

اما واردات موضوع مبادلات مرزی یا معاملات محلی مرزنشینان مطابق مقررات اقتصادی کشور (ماده ۹ قانون اصلاح قانون انحصار بازرگانی خارجی و ماده ۱۰۰ آیین‌نامه صدور و ورود کالا) اجناسی است که ساکنین قراء مرزی در مقابل فروش مازاد محصول محل تا میزان هزار ریال در هر مورد برای رفع احتیاجات خود وارد می‌کنند، اینگونه اجناس اعم از انحصاری و غیرانحصاری از قید تشریفات پروانه ورود بازرگانی و اجازه وزارت دارایی و اجرای مقررات ارزی و غیره معاف است و به محض ورود به مرز با پرداخت حقوق و عوارض گمرکی مرخص

می‌شود. شکرهای مورد بحث توسط بازرگانانی که نامه‌ها و تلگراف‌های آنها به اطاق بازرگانی تهران رسیده‌است وارد شده و خرید کالا هم طبق اسناد معامله با پرداخت ارز صورت گرفته است نه به وسیله مبادله یا با محصول منطقه مرزی از قبیل سیب‌زمینی و لوبیا.

این شکرها را بازرگانان نه مرزنشینان برخلاف مقررات حمل و توزیع شکر توسط متفقین از موجودی‌های بنادر عربستان و عمان و سواحل شرقی آفریقا خریده و اهالی بنادر مزبور را بوسیله استرضای خاطر مشایخ محل از سهمیه خودشان محروم نموده و به وسیله کشتی‌های بادی به ایران حمل کرده‌اند و به این جهت متفقین بابت سهمیه محمولات ایران محسوب داشته‌اند.

۳- توضیحاتی که در باب بهای خرید این شکرها داده‌اید مورد تصدیق این‌جانب می‌باشد و مطابق تحقیقاتی که شخصاً در این باب نموده‌ام این شکرها با اینکه پس از ورود به ایران بابت سهمیه دولت محسوب شده است معیناً از قرار هر کیلو از ۱۶ تا ۲۸ ریال سیف بنادر ایران طبق اسناد معامله و حمل خریداری شده است و حال آنکه بهای خرید شکر موضوع سهمیه دولت هر کیلو ۴ ریال است؛ بنابراین بازرگانان در نتیجه این معاملات که برخلاف مقررات داخلی و بین‌المللی نموده‌اند به زیان کشور اقدام کرده و بدون افزایش مقدار واردات مبلغ بیشتری ارز از کشور خارج کرده و به موازنه ارزی کشور لطمه زده‌اند.

۴- اولین شکری که بموجب تصمیم اخیر دولت از گمرک خارج شده است ۹۳۳ کیسه شکر سفید متعلق به شرکت تضامنی برادران کازرونی تیمسار به وزن بیش از ۸۰ تن و به ارزش ۱۶۴۰۰۰۰ ریال بوده‌است بهای سیف شکر مزبور مطابق اسنادی که به گمرک ارائه و به موجب آن درآمد شش درصد بهای واردات پرداخته شده است از قرار هر کیلو بیست ریال می‌باشد مطابق این حساب هر کیلو شکر پس از پرداخت ۱۰ ریال سود بازرگانی و ۴/۵۰ ریال بابت حقوق و عوارض گمرکی و انحصاری و مالیات راه روی هم رفته در حدود ۳۴/۵۰ ریال برای واردکننده تمام شده است، در صورتی که بهای عمده‌فروشی شکر سفید مطابق نرخ رسمی اتاق بازرگانی و شهرداری تهران هر کیلو ۵۰ ریال می‌باشد و بالتیجه سود شرکت نامبرده از همین یک فقره کالا که مورد احتیاج و مصرف عامه مردم می‌باشد بالغ بر ۱۲۴۰۰۰۰۰ ریال می‌گردد یعنی متجاوز از ۷۰ درصد.

از میزان سود این یک فقره کالا که به‌طور نمونه ذکر شد اهمیت موضوع و علت فشار صاحبان شکر به مقامات مربوطه و سرّ دفاع حامیان آنها کاملاً کشف می‌شود و از روی این نمونه می‌توانید سود سایر واردکنندگان شکر را هم که اسامی آنها را در ضمن نامه خود ذکر فرموده‌اید «از قبیل آقا سیدصادق نسبت به ۲۶۰ تن و آقای حاجی حنیا سعدی نسبت به ۱۹۲/۵ تن و آقای علی‌اکبر لاری نسبت به ۷۳/۵ تن و آقایان احمد گله‌داری - مشیر دیوانی - اتفایه - قریشی - فریدونی - ارفعی - جلالی - بلوکی - میررضی - محمد دانشمند - سعدی - شکیبا

- مهرچی - رفسنجانى - نسبت به ۴۳۷/۵ تن» قیاس نماید.

۵- این‌جانب اصولاً با الغای انحصارهای دولتی و با آزادی عمل بازرگانان در مورد ورود و فروش کالاهایی که از حیث میزان تولید و شرایط توزیع و حمل تحت نظارت دولت‌ها و شمول تضيیقات و محدودیت‌ها نباشد از قبیل کاغذ و دارو کاملاً موافق و پیش‌قدم بوده و هستم، زیرا در مورد این‌گونه اجناس وجود رقابت آزاد عامل مؤثر برای اعاده اوضاع به حال عادی و استقرار موازنه بین عرضه و تقاضا و بالتبجیه تعدیل قیمت‌ها و تقلیل هزینه زندگی می‌باشد و مجالی برای سوءاستفاده و احتکار و گرانفروشی باقی نمی‌گذارد، ولی نسبت به قند و شکر و قماش نظر به وضع فعلی تولید و معامله و توزیع این کالاها در سایر کشورها و عدم کفایت میزان واردات مجاز آنها به ایران برای رفع حوائج کشور فعلاً عقیده به آزادی عمل بازرگانان ندارم و تصمیمات اخیر دولت را مخالف با مصالح عمومی کشور و رفاه حال جامعه می‌دانم.

در خاتمه از بازرگانان خیرخواه و مال‌اندیش و واقف به مقتضیات وقت انتظار دارم نسبت به نظریات و اظهارات این‌جانب عادلانه قضاوت نموده و با توجه بلزوم مبارزه با مفاسد اجتماعی و ترجیح مصالح عمومی بر منافع شخصی با رویه اقتصادی این‌جانب موافقت فرمایند تا با تفاق همدیگر انشاءالله بتوانیم قسمتی از مفاسد اقتصادی و اجتماعی کشور را که منشاء اشکالات سیاسی است مرتفع سازیم و وظیفه ملی و فریضه دینی خود را انجام دهیم.

دکتر محمد مصدق

۷۰

نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی

اول بهمن ۱۳۲۴

کمیسیون دادگستری در جلسه اخیر خود آقای سهیلی را برای خریداری اثاثیه وزارت خارجه طبق ماده ۱۵۲ قانون کیفر عمومی مجرم شناخته و رأی به تعقیب مشارالیه داده چون آقای بدر وزیر دارایی وقت طبق پرونده، فروشنده اثاثیه بوده و با تبانی و مواضعه قبلی که با آقای سهیلی به عمل آمده اثاثیه را به ضرر دولت به آقای سهیلی فروخته آقای بدر هم شریک جرم شناخته می‌شود لذا طبق ماده مزبور نسبت به آقای بدر اعلام جرم می‌نمایم.

دکتر مصدق

۷۱

نامه دکتر مصدق در جواب نامه اتاق بازرگانی تهران

۹ بهمن ماه ۱۳۲۴

اداره روزنامه اطلاعات

یک نسخه از جوابی که این‌جانب به اتاق بازرگانی تهران نوشته‌ام برای درج در آن روزنامه محترم

دکتر محمد مصدق

ارسال می‌شود.

۸ بهمن ۱۳۲۴

اتاق بازرگانی تهران!

در جواب نامه مورخ ۲۴/۱۱/۴ زحمت عرض می‌دهد منظور از اظهارات این جانب در مجلس شورای ملی که دنباله آن به مکاتبه با آن اتاق و توضیحات آقای شادمان در روزنامه اطلاعات کشیده شده‌است، اساساً انتقاد از رویه اقتصادی دولت و اقدامات جناب آقای هژیر وزیر دارایی وقت بوده‌است نه اعتراض به بازرگانان در این صورت معلوم نیست به چه جهت اتاق بازرگانی تهران به عنوان رفع اهانت موهوم از خود در مقام دفاع از وزیر سابق دارایی برآمده و ضمناً مطالبی را که مربوط باصل موضوع انتقاد این جانب نیست به طور مستقیم و غیرمستقیم در روزنامه‌ها منتشر می‌کند - این جانب برای جلوگیری از خلط مبحث و رفع هرگونه ابهام و اشتباه مجدداً موضوع انتقاد خود را با تفکیک رئوس مطالب به شرح ذیل اظهار و تقاضا می‌کنم اگر برای رد آنها اتاق بازرگانی تهران یا دیگران دلیل کافی دارند اظهار فرمایند مشروط بر اینکه از موضوع خارج نشده و پیرامون مطالب غیراقتصادی نگردند:

اول - قماش و قند و شکر از کالاهائی است که در حال حاضر نظر به اوضاع اقتصادی دنیا موجبات ورود آزاد آنها به کشور فراهم نیست و از حیث میزان تولید و شرایط فروش و صدور و حمل تحت نظارت دولت‌ها و مشمول تزییقات و تحدیدات بین‌المللی می‌باشد.

دویم - سهمیه‌هایی که برای ورود این اجناس به ایران تشخیص داده شده است باضافه میزان تولید داخلی آنها در حدود نصف میزان مصرف داخلی در سالهای عادی است و کفاف حوائج عمومی کشور را نمی‌دهد (طبق مندرجات آمار گمرکی سال ۱۳۲۳ و شماره ۴ مجله اتاق تجارت تهران و اظهار آقای هژیر در مجلس میزان عادی مصرف سالیانه قماش ۱۲۰ میلیون متر - سهمیه واردات ۲۰ میلیون متر محصول داخلی در حدود ۱۰ میلیون متر میزان عادی مصرف سالیانه قند و شکر ۱۲۰ هزار تن سهمیه واردات ۵۲ هزار تن محصول داخلی ۲۳ هزار تن می‌باشد).

سیم - اگر سهمیه‌های محدود این اجناس و اخبار ورود و فروش آن به بازرگانان (آن هم چند نفر بازرگان تهران که وسایل مخصوص این کارها را دارند) واگذار شود نظر بعدم موازنه بین عرضه و تقاضا و فقد رقابت آزاد ممکن نیست واردکنندگان به سود بازرگانی معمولی اکتفا نموده و کالا را به بهای معتدلی در دسترس مصرف‌کنندگان بگذارند.

چهارم - تا موقع اعاده اوضاع اقتصادی به حال عادی و امکان استقرار موازنه بین عرضه و تقاضا دولت مکلف است برای جلوگیری از سوءاستفاده بازرگانان امر ورود و فروش این اجناس را در تحت نظارت خود نگاه دارد و دستگاه اقتصادی خود را برای انجام این منظور مرتب نماید به وسیله جلب مساعدت معتمدین محل و یا به وسیله تشکیل شرکت‌های مخصوص و وسایل

دیگر اقدام به توزیع عادلانه کالا بین اهالی کشور بنماید. اگر سابقاً عمل جیره‌بندی خوب اداره نمی‌شد و مقداری از قماش‌های دولت در بازار به فروش می‌رسید باز هم بهتر از وضع فعلی بود که همه افراد کشور از خرید قماش به نرخ جیره‌بندی محروم شده و تمام واردات قماش در بازار به نفع واردکنندگان و به ضرر جامعه فروش می‌رسد.

پنجم - فساد دستگاه اقتصادی دولت و سوءاستفاده بعضی از مأمورین جیره‌بندی و توزیع مجوز این نیست که دولت از انجام وظایف خود در قبال جامعه خودداری نموده و فاسد را به افسد تبدیل کند. دستگاه مالی دولت هم مخصوصاً در قسمت مالیات بر درآمد خالی از فساد و علت نیست بلکه شهرت سوءاستفاده مأمورین آن اداره از مأمورین توزیع و جیره‌بندی بیشتر است، پس دولت باید مالیات بر درآمد را هم ملغی نموده و خاطر آقایان بازرگانان را به کلی آسوده سازد. وانگهی اگر برای دولت وسایل توزیع عادلانه کالا در تمام کشور به نحو کامل فراهم نیست بازرگانان هم به طریق اولی چنین وسایلی در اختیار خود نداشته و جز نفع شخصی منظور دیگری ندارند.

ششم - در صورتی که وزارت دارایی واقعاً قادر به اصلاح امر پخش و جیره‌بندی قماش نبود و ناگزیر بود از رعایت مصالح اقتصادی کشور و رفاه حال جامعه صرف‌نظر کند باز هم از لحاظ منافع مالی دولت مقتضی بود قماش‌های موضوع سهمیه ایران را که کشورهای مبداء به قیمت‌های نازلی می‌فروشدند به حساب دولت خریده مانند قماش‌های موجودی فعلی خود به ترتیب مزایده عمومی بفروشد تا لااقل تفاوت فاحش بین بهای خرید و بهای فروش عائد خزانه دولت گردد، به این وسیله زیان پرداخت حقوق کارمندان اداره پخش و جیره‌بندی که در هر حال به عهده دولت باقی است جبران شود. در این صورت مانعی نخواهد داشت که به بازرگانان هم اجازه ورود قماش خارج از سهمیه دولت داده شود تا به طوری که ادعا می‌کنند کم‌بود قماش مورد احتیاج دولت را از اکناف و زوایای بازارهای دنیا به قصد استفاده بازرگانان تهیه و به کشور وارد کنند و به نرخ آزاد بدون دخالت دولت بفروشند نه اینکه چند نفر بازرگان بدون مشارکت سایر بازرگانان و به ضرر عامه مصرف‌کنندگان از ورود و فروش قماش موضوع سهمیه دولت استفاده سرشار نمایند.

هفتم - بر فرض لزوم الغاء انحصار قماش و تفویض سهمیه قماش در آتیه به بازرگانان باز هم عطف این تصمیم به ماسبق مجوزی نداشته و ماده ۳ و ۵ تصویب‌نامه شماره ۱۵۶۶ که به موجب آن معامله قماش‌های موضوع قراردادهای سابق دولت هم در قبال پرداخت تفاوت نرخ دلار به عنوان حق واگذاری به بازرگانان واگذار شده است به کلی بی‌مورد بوده و گویا به همین جهت متن کامل تصویب‌نامه مزبور برخلاف معمول در روزنامه رسمی کشور و سایر روزنامه‌ها منتشر نشده و فقط مفاد ماده اول و دوم آن برای انتشار به روزنامه‌ها داده شده است.

اما اینکه یادآوری نموده‌اید که اتاقهای بازرگانی مکلفند در پیشرفت اقدامات اقتصادی با

دولت توحید مساعی نموده و دولت هم باید برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی نظر اتاقهای بازرگانی را استعمال نماید.

البته این همکاری و تبادل نظر در امور کلی و مسائل عمومی لازم است ولی در مورد معاملاتی که اعضاء اتاق بازرگانی و بستگان آنها شخصاً ذی‌نفع و طرف معامله هستند مقتضی نیست که دولت بر طبق نظریات آنها تصمیمی اتخاذ کند و تصمیم خود را شامل تعهدات گذشته آنها هم بنماید.

بعلاوه بموجب تبصره ۳ ماده واحده قانون مصوب ۱۸ دی‌ماه ۱۳۲۳ دولت مکلف است هرچه زودتر شورای عالی اقتصادی را که طرح آن در سابق ریخته شده با اصلاحاتی که لازم بدانند تشکیل دهد، نقشه اقتصادی عملی متناسب با احتیاجات فوری کشور تنظیم و به مجلس شورای ملی تقدیم نماید ولی متأسفانه دولت به این تکلیف قانونی خود عمل نکرده و به صرف مشورت اتاق بازرگانی تهران اکتفا نموده است.

تصمیمات اقتصادی دولت‌های قبل از شهریور ۱۳۲۰ هم که مورد انتقاد آن اتاق از لحاظ انحطاط اقتصادیات کشور و عدم رعایت مصلحت عامه می‌باشد برخلاف آنچه اظهار داشته‌اید بدون اطلاع و مشورت اتاقهای بازرگانی وقت و بعضی از اعضاء اتاقهای بازرگانی فعلی تهران نبوده بلکه بعضی از اعضاء اتاق بازرگانی تهران علاوه بر راهنمایی دولت شخصاً عامل اجرای این تصمیمات بوده و بعضی دیگر از سهمیه‌های محدود بعضی از اقلام واردات از قبیل شیشه‌آلات و چینی‌آلات استفاده کامل و انحصار بضرر مصرف‌کنندگان نموده و برخی دیگر کارخانه‌های مختلفه با استفاده از فعالیت‌های گمرکی و تصدیق صدور و با تسهیلات ارزی وارد کرده و محصولات همان کارخانه‌ها را در نتیجه منع یا تحدید ورود محصولات مشابه خارجی به قیمت‌های گزاف فروخته و مقدمات فقر عمومی و مفاسد اقتصادی و اجتماعی فعلی را که منشاء اشکالات سیاسی است از همان موقع فراهم نموده‌اند.

راجع به سکوت این‌جانب نسبت به مداخله بازرگانان خارجی در اقتصادیات کشور اگر منظور آن اتاق قراردادهایی است که سازمان اقتصادی با بازرگانان خارجی برای ورود کالاهای انحصاری به منظور فروش به دولت منعقد نموده است به طوری که اطلاع دارید این قراردادها از طریق مناقصه عمومی منعقد گردیده و بعضی اوقات مناقصه به نام بازرگانان خارجی اصابت نموده و عمل دولت قابل اعتراض نبوده است به هر حال این موضوع ارتباطی با الغاء انحصار قماش ندارد.

موضوع لزوم تشویق فعالیت‌های شخصی و بکار انداختن سرمایه‌های راکد بازرگانان البته مورد تصدیق این‌جانب می‌باشد ولی آیا تصور نمی‌فرمایید از لحاظ رفاه جامعه و ترقی کشور اگر این فعالیت‌ها و سرمایه‌های بازرگانان در امور مربوط به تولید کالا و اصلاحات کشاورزی و ازدیاد محصولات داخلی و تهیه کار برای بیکاران و افزایش و بهبود صادرات به کار افتد بهتر از

خرید قماش از سهمیه دولت و فروش با سود گزاف به مصرف‌کنندگان بی‌بضاعت خواهد بود؟ محاسبه بهای سیف قماش امریکایی را که این‌جانب از قرار یاردی ۲۰ سنت بنرخ دلار ۳۲/۵۰ ریال برابر ۶/۵۰ ریال نموده و مورد تکذیب آن اتاق واقع شده است عیناً از مجله رسمی اتاق بازرگانی تهران (شماره ۱۴ مورخ آذر ۲۴ صفحه ۳۸) نقل شده است و به‌علاوه آقای دکتر نصر نماینده اقتصادی دولت در امریکا هم قماش موضوع سهمیه سال ۱۹۴۴ دولت را به نرخ متوسط یاردی ۶/۵۰ ریال تحویل خرمشهر خریده است نرخ دلار آزاد هم در تاریخ صدور تصویب‌نامه شماره ۱۵۸۶۶ که ملاک محاسبه حق واگذاری است به‌طوری که در شماره ۷۸۷۲ مورخ ۲۴/۸/۲۲ روزنامه ایران تعیین گردیده ۵۹ ریال بوده است نه ۵۴ ریال - و سودی را هم که برای دولت از بابت حقوق و عوارض گمرکی و انحصار قلمداد فرموده‌اند در هر حال عاید دولت می‌گردد اعم از اینکه دولت خود قماش وارد کند و به نرخ جیره‌بندی توزیع نماید یا بازرگانان وارد کرده و به نرخ آزاد به فروش برسانند.

اما نرخ فروش قماشهای امریکایی که ادعا نموده‌اید متری ۲۵ ریال بیشتر نیست و واردکنندگان مورد نظر حاضرند به همین نرخ به این‌جانب بفروشند البته می‌دانید این‌جانب نماینده مجلس شورای ملی هستم و شما هم موکلین سابق من بوده‌اید و اکنون به واسطه عقایدی که اظهار نموده‌ام از عقیده سابق خود به این‌جانب عدول فرموده‌اید این‌جانب نه تنها در کار خرید و فروش کالا دخالت نمی‌کنم و وسایلی هم برای این کار ندارم بلکه به واسطه مسئولیت سنگینی که از قبول نمایندگی تا ۲۱ اسفند دارم از رسیدگی به امور شخصی خود هم خودداری می‌نمایم ولی هرگاه این اشخاص حاضرند تمام قماش‌های خود را متری ۲۵ ریال بفروشند چه مانع است که بجای پیشنهاد فروش به این‌جانب مراتب را در روزنامه‌ها اعلان و محل فروش را تعیین نمایند و اتاق بازرگانی تهران طبق اختیارات خود ترتیبی عرضه بدهد که قماشها در حدود این قیمت به دست مصرف‌کنندگان برسد. ولی آنچه تا کنون در بازار عرضه شده است کمتر از نرخى که این‌جانب حساب کرده بودم و مورد تردید آن اتاق واقع شده است نبوده بلکه گران‌تر هم به فروش رسیده است - برای اثبات این مدعا نمونه سه رقم قماش امریکایی را که روز جمعه پنجم بهمن ماه در بازار خیابان رفاهی از فروشنده موسوم به رادیو به قرار متری ۴۰ و ۴۵ و ۶۰ ریال خریداری شده تلوا ارسال می‌شود حداقل نرخ قماش امریکایی موجودی دولت هم که در مزایده به فروش می‌رسد ۳۴ ریال است و انگهی چنانچه واردکنندگان قماش به سود مختصر صدی ۱۵ اکتفا می‌کردند می‌توانستند طبق اختیاری که به موجب ماده سیم تصویب‌نامه شماره ۱۵۸۶۶ به آنها داده شده است قراردادهای رسمی خود را باطل نموده و با دولت معامله کنند و حال آنکه هیچ‌یک از واردکنندگان قماش از این اختیار استفاده‌ای نکرده‌اند. از آنچه عرض شد تصدیق خواهند فرمود که در استفاده سرشار بازرگانان مشمول تصویب‌نامه مورد انتقاد این‌جانب هیچ‌گونه تردیدی باقی نمی‌ماند و خسارت دولت و ضرر

جامعه هم از اجرای آن قابل تردید نیست و بند ۳ و ۵ آن یکطرفی است، یعنی اشخاص و مؤسساتی که سفارش دولت را در خصوص قماش نخ‌ی قبول کرده‌اند در صورتی که مایل باشند می‌توانند در مقابل تأدیه صددرصد قیمت سیف اجناس وارد شده از از گمرک مرخص و در داخله کشور معامله کنند ولی اگر قماش غیرامریکایی (قماش انگلیسی و یا هندی) صرف نکند دولت نمی‌تواند واردکنندگان به معامله را ملزم نماید - از معاملات قماش بازرگانان استفاده می‌کنند ولی حقوق کارمندان قماش را دولت باید از بودجه دارایی تأدیه نماید و انفصال آنها هم مورد ندارد اظهارات آن اتاق و مدافعات آقای شادمان معاون اقتصادی آقای هژیر در روزنامه اطلاعات نمی‌تواند حقایق را از انظار مستور داشته یا معکوس جلوه دهد و جامعه هم در تشخیص کسانی که در فکر مصالح عمومی یا منافع شخصی هستند عادلانه قضاوت می‌کند و فریب مدعیان خدمتگذاری خود را نمی‌خورد.

دکتر محمد مصدق

۷۲

نامه دکتر مصدق به قوام السلطنه

مستقیم - خصوصی است

آبان ماه ۱۳۲۵

جناب اشرف آقای قوام نخست وزیر

پس از مراجعت از نیمه راه مسافرت اروپا از اوایل اردیبهشت این جانب در احمدآباد ساوجبلاغ سکونت اختیار کرده و در حال انزوا گرفتار مریض‌داری بودم و بالاخره خود نیز دچار کسالت شده و ناچار بتهران آمده و مدتی است تحت معالجه می‌باشم و اگر با چنین حالی در مقام تصدیع برآمده‌ام هیچ محرکی غیر از ادای وظیفه اجتماعی ندارم و انتظار دارم که عرایض این جانب را خیرخواهانه تلقی فرموده و در آن امعان نظر مخصوص بفرمایند.

متعاقب صدور فرمان انتخابات غلیان فوق‌العاده‌ای در افکار عمومی پدیدار گردیده و مراجعاتی از طبقات مختلفه باین جانب شده و اظهار نگرانی کرده‌اند، مردم می‌گویند هنگامی که دولت در بعضی حوزه‌ها عملاً بازرسی ندارد و در سایر حوزه‌ها هم خود دولت بعنوان حزب دخالت کند انتخابات آزاد نخواهد بود و چنین انتخاباتی با وضعیت کنونی ایران بسیار خطرناک است و مجلسی که با این طرز تشکیل شود مظهر افکار عمومی ایران نیست و در مقابل بیگانگان برای دولت تکیه‌گاه نخواهد بود. زیرا مامورین بیگانه بهتر از هر کس ناظر باوضاع و از منشاء انتخاب نمایندگان آگاهند و چنین مجلسی را از قوه مجریه جدا نمی‌کنند و توقع دارند که دولت مجلس را برای پیشرفت مقاصد سیاسی آنها مطیع و منقاد کند و چنانچه مجلس نسبت بتوقعات یکطرف مقاومتی نشان داد و یا برویه او اعتراض نمود آن را اثر تحریک طرف مقابل داند و عصبانی شوند و جنبه تعرض‌آمیز اتخاذ کنند که زندگی را بر هر ایرانی حرام کند. در صورتی که

ملت ایران خواهان دوستی با همسایگان است و اگر بگذارند نمایندگان حقیقی خود را انتخاب کنند از راه صفا و شرافت می‌تواند سیاست همسایگان را فراهم نماید و انتظار ما از اولیاء امور آن است که مرتکب سهو و خطا نشوند و ما را دچار سرنوشت شوم و فاجعه جبران‌ناپذیر نکنند. هیچ‌کس منکر مضار ادامه فترت و مخالف لزوم تشکیل مجلس نیست، بشرط اینکه مجلس محصول آراء طبیعی مردم و مبین تمایلات ملت ایران باشد و چون با اوضاع و احوال کنونی چنین مجلسی بوجود نخواهد آمد باید در اجرای قانون انتخابات تأخیر شود تا مقتضیات انتخابات آزاد فراهم گردد. این است نظریات مردمی که با این جانب داخل مذاکره شده‌اند.

اما بعقیده خود این جانب آنچه تا کنون بر ما آمده از نبودن مجلس است چنانچه در تأخیر انتخابات نتوانم با مردم هم‌عقیده شوم از اظهار عقیده و عرض این نکته ناگزیرم و دولت اعم از اینکه مانند دوره دیکتاتوری اسامی داوطلبان و کالت را بفرمانداران تلگراف کند و یا اینکه مانند دوره ۱۴ تقنینیه عده‌ای را با تزویر و حيله در حوزه‌های انتخابیه تحمیل و یا نامزدهای خود را تحت عنوان تشکل حزب تقویت کند نتیجه یکی است و آن این است که قاطبه مردم از حق انتخاب کردن، حقی که قانون اساسی برای تعیین مقدراتشان بآنها داده‌است محروم می‌شوند.

خدا را گواه می‌گیرم که از این تذکرات نظر و غرضی نسبت بهیچ دسته و حزب معینی ندارم. البته در مملکت مشروطه باید احزاب عرض اندام کنند و انتخابات را بدست گیرند بشرط اینکه متکی به نیروی ملی و معنوی باشند و پیشرفت خود را منحصرأ بوسیله تبلیغات معمول در کشورهای مترقی جایز دانسته و آزادی را در حدود مقررات قوانین برای تمام افراد و احزاب بشناسند نه اینکه بعضی وسایل مردم را مرعوب و میدان عمل را انحصار بخود نمایند.

وقتی که در موقع انتخابات، دولت اقدام به تشکیل حزبی کند مردم چنین تصور می‌کنند که ممکن است دولت بنفع طرفداران خود از قدرت دولتی استفاده کند و اگر این تصور صورت عمل پیدا کند بدعتی برای آینده خواهد شد که دیگران هم مبادرت به تشکیل حزب کنند و ملت ایران در ادوار آینده از حق آزادی انتخابات محروم شود. بنابراین راجع به تشکیل حزب دموکرات جنابعالی باید سعی بفرمائید که کسی نتواند چنین تصویری را بکند و هرگاه در عمل دیده شود که جنابعالی بمنظور مصالح کشور اقدام به تشکیل حزب فرموده‌اید و قصد آن نیست که بر خلاف افکار عمومی بنفع اعضاء حزب دموکرات حق آزاد بودن مردم در انتخاب نماینده سلب گردد مسلماً نتایج نیکویی نصیب جنابعالی خواهد شد که در تقویت حزب دموکرات در آینده تأثیر خوبی خواهد داشت.

ممکن است گفته شود که در ممالک راقیه نیز دولت‌ها متکی باحزابند مثل اینکه در انگلستان دولت از حزب معینی تشکیل می‌شود و انتخابات را هم همان دولت اداره می‌کند. بعقیده این جانب مقایسه کشور ایران با ممالک انگلوساکسون قیاس مع الفارق است. زیرا در آن ممالک بر اثر دوام مشروطیت قوانین جزء عادات جاریه شده و درباره همه یکسان اجرا می‌شود، چنانکه

اغلب پیش آمده که در زمان حکومت یک حزب انتخابات بنفع حزب مخالف آن تمام شده، ولی در این کشور سالها وقت لازم است تا قوانین مانند دیگر کشورها مورد احترام واقع شده و آمر و مأمور بتوانند سمت رهبری حزب و سیاست دولت را که در شخص واحد جمع شود از هم تفکیک نمایند.

در انگلستان هر حزبی در انتخابات فاتح شد خالق دولت است و در آنجا سابقه ندارد که حزب مخلوق دولت باشد.

البته تصدیق می‌فرمایند که این دفعه اوضاع قابل مقایسه با زمان سابق نیست و کشور هیچ‌گاه با چنین خطری که استقلال و تمامیت ما را تهدید می‌کند مواجه نشده است و کوچک‌ترین بی‌احتیاطی ممکن است ما را از این پرتگاه برای همیشه ساقط و نابود کند.

آقای نخست‌وزیر! نظیر بحرانی که امروز گریبان‌گیر ما شده برای سایر ملل هم پیش آمده و می‌آید و برای نجات ملل کوچک از چنین بدبختی هیچ نیروئی مؤثرتر از نیروی معنوی نیست. ملل کوچک در این موارد هیچ نیروئی بالاتر از اتفاق و اتحاد مخصوصاً اتفاق بین ملت و دولت و اهتمام اولیای دولت باحتراز از هر عملی که ممکن است در ملت ایجاد نفاق و دوئیت بکند ندارند. بزرگترین حربه‌ای که امروز ما را در مقابل تجاوزات و مداخلات می‌تواند حفظ کند تکیه بقانون اساسی کشور و افکار عمومی است. این انتخابات بترتیبی که در نظر گرفته شده این حربه را سست می‌کند و آن را بر علیه مصالح کشور بکار خواهد بست و افکار عمومی را دچار تشتت و تفرقه می‌کند و منجر بکشمکشهای خونین و اختلال امنیت و حتی خدای نخواستہ بتجزیه کشور خواهد شد.

بعقیده این جانب صلاح مملکت در این است که نمایندگان مجلس با خود مردم سروکار پیدا کنند و فرمان وکالت را از دست مردم بگیرند و بالتبجیه در مجلس شورای ملی مأمور مردم باشند و در صلاح و صرفه جامعه ایرانیست عمل کنند و صلاح شخص جناب اشرف هم در این است.

بنابراین اگر ۱۲۰ نفر از طبقات شش‌گانه و مورد اعتماد جامعه بطوریکه در ماده ۱۴ قانون انتخابات مصرح است یعنی از علماء - اعیان - ملاکین - تجار - اصناف - زارعین دعوت شوند و آنها هیئتی که کمتر از ۶ و بیشتر از ۱۲ نفر نباشند از بین خود انتخاب کنند و انتخابات در تمام مملکت تحت نظر هیئت مزبور عملی شود، آن جناب با نهایت بیطرفی از عهده انجام وظایف نخست‌وزیری و رهبری حزب هر دو برمی‌آیند و نتیجه انتخابات هم هرچه بشود مورد اعتراض نخواهد بود، زیرا ملت مقدرات خود را هرطور که بخواهد تعیین می‌کند و منظور از اصرار این جانب در آزادی انتخابات برای تمام افراد و احزاب و دستجات نه این است که حب یا بغضی نسبت بحزب معینی در میان باشد بلکه از این جهت است که مردم آزادانه می‌توانند هرکه را که مورد اعتماد آنهاست انتخاب نمایند. بدیهی است آن عده از نامزدهای حزب دموکرات که مورد